

بِسْمِ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ

شهدای مقاومت دوم (پنجشیر)

مؤلف: مرتضی مطهری



● شهدای مقاومت دوم (پنجشیر)

● مؤلف: مرتضی مطهری

ویرایش و صفحه‌آرایی: علی جعفری
چاپ اول: ۱۴۰۲، شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
ناشر: بخش فرهنگی بنیاد شهید احمدشاه مسعود
(حق چاپ برای ناشر محفوظ می‌باشد.)

○ نشانی ناشر: مشهد مقدس، بلوار پیروزی، پیروزی ۱۰، زکریای ۲۲، پلاک ۱۳۷/۱

تماس: ۰۰۹۳۷۰۰۲۸۴۰۱۲

تجارت پرسود

زندگی معامله است؛ معامله روی قدرت، معامله روی مال و ثروت، معامله روی اسباب و وسایل لذت و سرانجام معامله روی دفاع و حراست از ارزش‌های انسانی.

قدر و منزلت هرکسی به نوع معامله او بستگی دارد و زندگی بدون معامله وجود ندارد. آن‌که در حیات خود چیز و چیزهایی می‌دهد تا آن‌که قدرت به دست آورد، جایگاهش در شماری برای کوتاه‌زمانی بالا می‌رود؛ عمر جایگاهش بسی اندک و کوتاه خواهد بود. همین‌گونه آن‌هایی که همه تلاش و مساعی‌شان و همه داروندار معنوی‌شان را برای کسب درآمد بیشتر و رفاه مادی از دست می‌دهند، به معامله پرداخته، متاعی داده و متاعی به دست آورده‌اند. شما می‌توانید ثمره کار آن‌هایی را که در پی لذت زود گذرند، ساعاتی از زندگی‌شان را با عیش و نوش سپری می‌کنند و ساعات بعد دوباره به عالم افسردگی می‌روند، ارزیابی کنید.

پیش‌قراولان ملت‌ها در درازای تاریخ، شهدايند. آن‌ها که در برابر بيداد می‌ایستند و برای رهایی مظلومان و مستضعفان وارد میدان مبارزه می‌شوند.

این دسته همیشه چرخ تاریخ بشر را به جلو رانده‌اند. اگر مجاهدت‌ها و جان‌فشانی‌های این رادمردان نبود، زندگی نه حرکتی داشت و نه رنگ و بویی! در قرآن کریم از کسانی که در راه خدا به جهاد می‌پردازند و در این راه جان‌های شیرین خود را از دست می‌دهند، به نام «شهید» یاد شده است، یعنی گواه و شاهد. در توصیف این رادمردان، قرآن کریم می‌فرماید، آن‌ها کسانی‌اند که دست به معامله با خدایشان زده‌اند. جان‌های خود را از دست داده، بهشت و خشنودی پروردگار را به دست آورده‌اند؛ عجب معامله‌ای! معامله با خدا!

در رفعت جایگاه‌شان همین بس که با خدا داد و ستد می‌کنند!
و در بلندی مقام‌شان این‌که تمام گناهان‌شان بخشیده می‌شود!
در برتری‌شان این‌که، تنها کسانی‌اند که آرزوی آمدن دوباره به دنیا را می‌کنند تا باز جهاد کنند و بار دیگر به شهادت رسند.

آن‌ها بالباس‌های پر خون‌شان در میدان حشر حاضر می‌شوند، در حالی که خون‌شان جاری است و عطر خوش آن فضا را پر می‌دارد!
آن‌ها کسانی‌اند که در روز هولناک قیامت، زمانی که همه سرگردان و مضطرب‌اند، ۷۰ تن از اقارب و دوستان‌شان را شفاعت می‌کنند!

این مجموعه کوتاه، گزارشی است از آن عده شهدای عزیز که در مقاومت دوم در ولایت مردخیز پنجشیر، جان به جان آفرین سپردند. آن‌ها سرخ‌رو و سربلند رفتند. به ملتی اعلام بیدارباش دادند و محاسبات ستمگران وطنی و جهانی را برهم زدند. بی‌تردید خون‌های پاک این مردان خدایی، آینده سرزمین مان را مشخص خواهد کرد. هرگز این خون‌ها بی‌اثر نمی‌ماند، ثمره آن شکست ستمگرو رهایی ملت در بند و مظلوم افغانستان / خراسان است و راهی جز این نیست.

در این یادواره معرفی تعدادی اندک از شهدای مقاومت دوم صورت گرفته است. به توفیق الهی دیگر شهیدان که در این مجموعه یادى از آنان نرفته، در مجلدات بعدى به معرفى آنها پرداخته خواهد شد.

عبدالحفیظ منصور

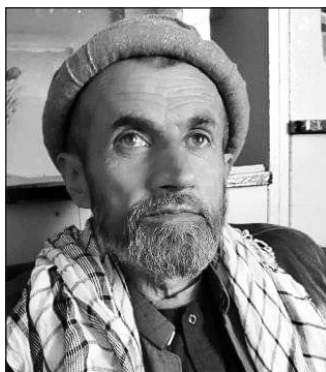
۱۲ حمل ۱۴۰۲



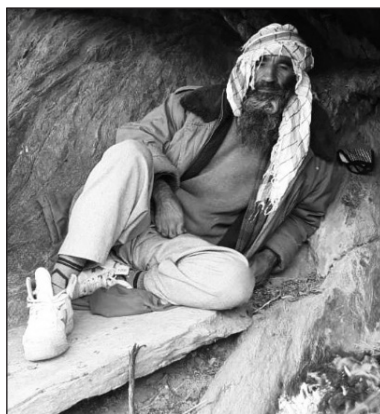
نام: شهید آغامرزا
تخلص: پنجشیری
نام پدر: سید عمر
سال تولد: ۱۳۸۳
زادگاه: شهرستان حصه اول روستای پاوات
خینج
تاریخ شهادت: ۱۷ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: روستای درخینج شهرستان
حصه اول



نام: شهید آغاشیرین
تخلص: تاج
نام پدر: شیرآقا
سال تولد: ۱۳۶۹
زادگاه: بازارک، روستای بادقول
تاریخ شهادت: ۱۶ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: روستای بادقول بازارک



نام: شهید آغامحمد
تخلص: امیری
نام پدر: غلام مصطفی
سال تولد: ۱۳۵۰
زادگاه: شهرستان حصه اول، روستای خارو
تاریخ شهادت: ۹ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: کوه اچمان، خارو، شهرستان
حصه اول



شهید قوماندان احمدشاه مجاهد

شهید احمدشاه فرزند محمدشاه در سال ۱۳۵۶ در روستای قلعه شهرستان پریان ولایت پنجشیر در یک خانواده متدین دیده به جهان هستی گشود و تحصیلات ابتدایی و دینی را در زادگاهش نزد علمای وقت فراگرفت.

در زمان جهاد مقدس علیه تهاجم شوروی، فرمانده احمدشاه مجاهد، سلاح برداشت و با فرمانده احمدشاه مسعود به صف مجاهدین پنجشیر پیوست و در کنار دیگر مجاهدین با جبین باز و انگیزه اسلامی به مبارزه پرداخت. او در دوران جهاد از مجاهدین و اعضای فعال و صادق قرارگاه پریان بود و به مثابه یک سرباز مخلص در راه خداوند^ج و جیبۀ دینی و اسلامی خود را ادا کرد.

در مقاومت نخست نیز فرمانده احمدشاه مجاهد، در کنار سایر مقاومت‌گران به رهبری احمدشاه مسعود قهرمان ملی قرار گرفت و بار دیگر سهم خود را در مسیر آزادی و حراست از نوامیس و سرزمین اش ادا کرد. او پس از روی کار آمدن نظام جمهوری به رتبه تورنی به تقاعد سوق داده شد و به زندگی روستایی و دهقانی خود ادامه داد که با به میان آمدن سلطۀ دوم طالبان

در سال ۱۴۰۰ ه. ش و تهاجم شان به پنجشیر، این فرمانده فراموش شده سلاح خود را بردوش گرفت و با شعار آزادی خواهی به سنگرمقاومت به رهبری احمد مسعود رفت و در نخستین روزهای دفاع از پنجشیر، وی که معاون نیروهای محلی ولسوالی پریان بود، با جنرال بازمحمد هلال فرمانده این نیروها در کوتل انجمن و کوتل وریاج خطوط دفاعی ایجاد کردند و زمانی که احمد مسعود به ولسوالی پریان آمد از انگیزه و ایستادگی او تحسین کرده و به او یک میل سلاح تک تیرانداز اهدا کرد.

فرمانده احمدشاه با قرار گرفتن در خط مقدم کوتل وریاج که منتهی به نورستان است از هجوم ۴۰۰ طالب بالای ولسوالی پریان جلوگیری کرد و حملات طالبان اشغال گرا را با ناکامی مواجه نمود.

پس از آن که قرارگاه های جبهه مقاومت در ولسوالی پریان ایجاد شد، ایشان فرمانده ضربتی قرارگاه نودانک تعیین گردید و ماه ها در سنگرهای سرد و گرم با تحمل سختی ها و مشقت مقاومت کرد. سرانجام با همکاری و توطئه جواسیس داخلی در اییلاق کوهی دره وریاج در نیمه شب ۱۵ جوزای ۱۴۰۱ با فرزندش جاوید به کمین دشمن سفاک و جلاد طالبان افتاد که طالبان خون آشام و بی رحم پس از شکنجه بی رحمانه فرزند او را پیش چشمانش به رگبار بستند و فرمانده مجاهد را باخود بردند تا نزدیک قریه جشته، یعنی چندین ساعت راه، او را نیز شکنجه می کنند و بالاخره صبح همان روز در روی سرک عمومی به صورت فجیعانه به شهادت می رسانند.

ناگفته نماند جاوید فرزند احمدشاه جوان که در ولایات مختلف افغانستان در در صفوف نیروهای دفاعی وظیفه کرده بود، در روزهای اخیر نظام جمهوریت در فرماندهی پولیس ولسوالی آبشار وظیفه داشت و با آغاز مقاومت در کنار پدرش قرار گرفت و به مقاومت علیه تهاجم و تجاوز طالبان پرداخت.

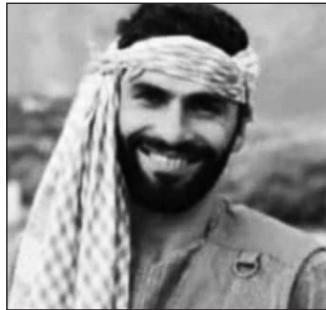
نام: شهید امید
تخلص: نظامی
نام پدر: صفی الله
سال تولد: ۱۳۸۱
زادگاه: استان مزار شریف
تاریخ شهادت: ۱۱ جوزای ۱۴۰۱
محل شهادت: کوه‌های باری پایه پشه‌غور
شهرستان حصه اول



نام: شهید امیرحاتم
تخلص: یاری پنجشیری
نام پدر: محمدیار
سال تولد: ۱۳۷۵
زادگاه: شهرستان حصه اول روستای چارو
عمرض
تاریخ شهادت: ۲۰ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: کوه پوجاوه شهرستان دره



نام: شهید احمدظاهر
تخلص: فیضی
نام پدر: میرامام
سال تولد: ۱۳۷۱
زادگاه: شهرستان عنابه روستای عنابه
تاریخ شهادت: ۱۴ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: کُرسَمِچ، دهشکه، ساحه
کلانان شهرستان عنابه





نام: شهید اعجازالله
تخلص: مرزایی
نام پدر: نورمرزا
سال تولد: ۱۳۷۶
زادگاه: شهرستان عنابه، روستای عنابه
تاریخ شهادت: ۱۶ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: حوض پشته، شهرستان
عنابه



نام: شهید احمدسیر
تخلص: کریمی
نام پدر: قوماندان خنجر
سال تولد: ۱۳۷۸
زادگاه: شهرستان دره، روستای عبدالله خیل
تاریخ شهادت: ۲۲ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: ملم خاک حصارک،
شهرستان رخه



نام: شهید پهلوان ابوطالب
تخلص: خسروی
نام پدر: حاجی سید حسین
سال تولد: ۱۳۶۵
زادگاه: شهرستان حصه اول، روستای دشت
ریوت، دهن ریوت
تاریخ شهادت: ۱۵ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: منطقه چاه آهودشت ریوت،
شهرستان حصه اول

نام: شهید ارشاد احمد
تخلص: حق جو خسروی
نام پدر: محمد خیر
سال تولد: ۱۳۷۰
زادگاه: چترال پاکستان
تاریخ شهادت: ۱۵ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: دهن ریوت، روستای دشت
ریوت، شهرستان حصه اول



نام: شهید اقبال الدین
تخلص: عمرضی
نام پدر: گل عالم
سال تولد: ۱۳۵۹
زادگاه: شهرستان حصه اول، روستای عمرض
تاریخ شهادت: ۱۵ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: روستای عمرض گداره،
شهرستان حصه اول



نام: شهید احسان الله
تخلص: سعیدی
نام پدر: ذبیح الله
سال تولد: ۱۳۷۹
زادگاه: شهرستان حصه اول، روستای زنه
عمرض
تاریخ شهادت: ۱۱ قوس ۱۴۰۰
محل شهادت: روستای زنه عمرض،
شهرستان حصه اول





نام: شهید احمد بلال
تخلص: پنجشیری
نام پدر: آقامحمد
سال تولد: ۱۳۷۵
زادگاه: شهرستان رخه، روستای حصارک
تاریخ شهادت: ۱۷ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: دره بیا حصارک شهرستان
رخه



نام: شهید امیر حمزه
تخلص: کریمی
نام پدر: امیر حاتم
سال تولد: ۱۳۵۲
زادگاه: شهرستان دره روستای عبدالله خیل
تاریخ شهادت: ۲۲ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: ملم خاک حصارک،
شهرستان رخه



نام: شهید احمد ظاهر
تخلص: کریمی
نام پدر: امیر حاتم
سال تولد: ۱۳۷۲
زادگاه: شهرستان دره، روستای عبدالله خیل
تاریخ شهادت: ۲۲ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: ملم خاک حصارک،
شهرستان رخه

نام: شهید احمدعلی
تخلص: منصور
نام پدر: عشق الله
سال تولد: ۱۳۵۴
زادگاه: شهرستان دره، روستای عبدالله خیل
تاریخ شهادت: ۲۲ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: گردنه متی، روستای
عبدالله خیل، دره



نام: شهید اکرام الدین
تخلص: عمرضی پنجشیری
نام پدر: قیام الدین
سال تولد: ۱۳۷۰
زادگاه: شهرستان حصه اول، روستای گذاره
عمرض
تاریخ شهادت: ۱۵ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: شهرستان حصه اول،
روستای گذاره عمرض

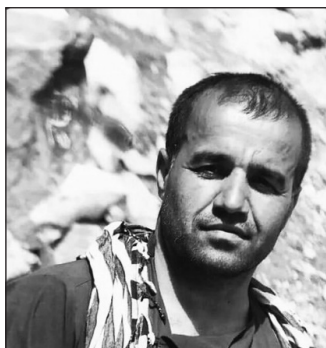


نام: شهید احمد میر
تخلص: عزیزی
نام پدر: ملک میر
سال تولد: ۱۳۷۲
زادگاه: بازارک روستای خانیز
تاریخ شهادت: ۱۵ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: روستای رحمان خیل، بازارک





نام: شهید اجمل
تخلص: مجاهدزاده
نام پدر: محمد اکبر
سال تولد: ۱۳۷۲
زادگاه: بازارک، روستای ملسپه
تاریخ شهادت: ۱۵ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: روستای ملسپه بازارک



نام: شهید احمد خالد
تخلص: بخشی
نام پدر: عبدالرؤف
سال تولد: ۱۳۵۵
زادگاه: شهرستان دره، روستای کرمان
تاریخ شهادت: ۱۸ ثور ۱۴۰۱
محل شهادت: روستای کرمان، شهرستان دره



نام: شهید احمد مسعود
تخلص: قاضی زاده
نام پدر: حاجی حبیب خان
سال تولد: ۱۳۷۵
زادگاه: شهرستان حصه اول، روستای گذاره
عمرض
تاریخ شهادت: ۱۴ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: گذاره عمرض، شهرستان حصه اول



فرمانده شهید الحاج بهلول خان بهیج

فرمانده شهید الحاج بهلول خان «بهیج» در سال ۱۳۳۸ هجری خورشیدی در یک خانوادهٔ مسلمان و متوسط اجتماعی در دهکدهٔ کلانترخیل آبدره، از توابع شهرستان عنابه ولایت پنجشیر دیده به جهان هستی گشود.

بهلول در میان سال‌های ۱۳۴۶ الی ۱۳۵۴ آموزش ابتدایی (دبستان) را تا صنف سوم در مکتب ابتداییه روستای آبدره ادامه داد و سپس راهی مکتب متوسطه شهرستان عنابه گردید. وی با سخت‌کوشی که داشت، روزانه در حدود پانزده کیلومتر مسافه راه را از خانه‌شان واقع در کلانترخیل آبدره تا مکتب در عنابه طی می‌کرد و همچنان به آموزش دروس دینی در مسجد نیز می‌پرداخت.

خانوادهٔ فرمانده بهلول خان در سال ۱۳۵۵ از پنجشیر به کابل کوچ نمود و بهلول در آن زمان شامل صنف نهم در مکتب لیسه رحمان بابا شامل گردید. در آن زمان فارغان صنف نهم مطابق ظرفیت و علاقه‌شان در رشته‌های مسلکی شامل می‌شدند و هر رشته نظر به ماهیت‌شان از یک سال الی سه

سال ادامه داشته که یکی از این رشته‌های مسلکی، کورس‌های مستعجل ارتش بوده است و دانش‌آموزان آن را در مدت یک سال فرامی‌گرفته‌اند و پس از فراغت از آن، با رتبه «ضابط» وارد کار در صفوف ارتش می‌شدند.

فرمانده بهلول نیز همان دوره یک‌ساله را سپری نموده بود و در میان مجاهدین و دوستان‌شان به عنوان ضابط بهلول مشهور بود.

وی پس از سپری نمودن دوره آموزشی یک‌ساله، در سال ۱۳۵۶ به حیث فرمانده یکی از «یگان»های ارتش در کندک دافع هوا واقع در کوتل تیره شهر گردیز مرکز استان پکتیا شروع به کار کرد. در جریان وظیفه ایشان در گردیز، کودتای هفتم ثور از سوی حزب دموکراتیک خلق به رهبری نورمحمد ترکی اتفاق افتاد که منجر به پیروزی کمونیست‌ها و فروپاشی نظام جمهوریت داوود خان گردید. دیری نگذشت که فضای کشور رنگ دیگری به خود گرفت و جوانان مسلمان و میهن دوست با صف آراییی جدید دنبال همفکران‌شان برای آزادسازی وطن از چنگ کمونیست‌ها برآمدند.

فرمانده بهلول در آن زمان به حزب جمعیت پیوست و به نفع این حزب در گردیز آغاز به فعالیت نمود و در جریان فعالیت‌های خود در گردیز از سوی حکومت وقت دستگیر گردید و مدت هشت ماه را در زندان آن وقت سپری کرد. فرمانده بهلول پس از رهایی از زندان، به تاریخ ۲۵ سنبله ۱۳۵۸ در کابل به جبهه پنجشیر پیوست و به فعالیت خویش تحت رهبری احمدشاه مسعود به فعالیت پرداخت.

وی در سال ۱۳۵۹ پس از ایجاد نخستین قطعه متحرک، به حیث فرماندان آن از سوی احمدشاه مسعود تعیین گردید. پس از مدتی به عنوان فرمانده قرارگاه فراج تعیین شد و سپس به حیث فرمانده عمومی کوه‌بندها از سوی احمدشاه مسعود تعیین گردید. وی پس از مدتی در جریان مأموریت

خود در کوه بندها زخمی گردید و سرانجام پس از صحت‌مند شدن شان بنا بر مشکلات و ملاحظات که داشت، به کشور پاکستان هجرت نمود.

در سال ۱۳۷۱ پس از پیروزی مجاهدین به کابل برگشت و همراه با ۳۰ تن از مجاهدین خود در وزارت سرحدات و قبایل قرارگاه خود را فعال نمود. کشمکش‌ها بین حزب اسلامی و وحدت در کابل شروع شد و جنگ‌های داخلی در کابل آغاز گردید. فرمانده بهلول در درگیری‌های غرب کابل توانست با درایتی که داشت، به سرعت ساحه تپه بی بی مهرورا تا قصر تاج بیک پاک‌سازی نموده و مرکز سوق اداره خود را در قصر تاج بیک افزاز نماید. وی پس از جنگ‌های فرسایشی در مقابل گروه‌های مخالف برای حمایت از دولت اسلامی از سوی شهید احمد شاه مسعود قهرمان ملی کشور، به عنوان فرمانده عمومی غند ۸۴۵ گارد ملی وزارت دفاع تعیین گردید و تا ختم حکومت مجاهدین برای حفظ امنیت مردم کابل و دفاع نظام در مناطق مختلف فعالیت نمود و سپس با عقب‌نشینی از کابل به سوی پنجشیر، وی قطعات و جزوات‌های مربوط به غند ۸۴۵ را با تمام تجهیزات شان بدون کدام آسیب به افرادش در پنجشیر رساند، در صورتی‌که در مسیر راه از کوتل خیرخانه تا دوسزکه بگرام چندین جای چک پاینت‌های مخالفین فعال بود؛ آن‌ها در مسیر از خود دفاع کرده و بدون کدام آسیب به پنجشیر رسیدند.

در سال ۱۳۷۵ زمانی که مجاهدین از کابل به پنجشیر عقب‌نشینی کردند، جبهه وارد آزمون تازه گردید و احمد شاه مسعود قرارگاه‌های پنجشیر را به چهار لوائ نظامی تقسیم بندی نمود که فرمانده بهلول مسئولیت لوائ چهارم را به عهده داشت.

لوائ چهارم متشکل از قرارگاه‌های فراج، آبدره، زمانکور، عنابه و تاواخ بود که مسئولیت حفاظت از ساحات در بند فراج را به عهده داشت.

بهلول خان در سال ۱۳۸۳ از سوی احمدضیا مسعود معاون رییس جمهور وقت، به حیث والی ولایت پنجشیر گماشته شد و در زمان ولایت‌شان فعالیت‌های بهتری در عرصه‌های مختلف در ولایت پنجشیر انجام دادند. آن‌ها همواره در حمایت از معارف انکشاف دهات گام می‌گذاشتند. با فروپاشی نظام جمهوری و آغاز مقاومت دوم، فرمانده بهلول که چندسال در خانه خود و مصروف زندگی عادی خود بود، مثل دیگران در خانه خود نشست. وی با حس وطن‌دوستی که داشت، وارد پنجشیر شد و در مشورت با مجاهدین خود مسئولیت خط اول در منطقه فراج را به عهده گرفت. پس از چند روز جنگ نابرابر، خط‌های اول شکست و دشمن وارد دهانه دره پنجشیر شد. فرمانده بهلول از راه‌های کوه‌ها خود را به روستای خود رساند در حالی که درد پای شدید هم داشت، به کلانترخیل آبدره رسید. همه آواره شده مجاهدین به کوه‌ها متواری شدند. وی در سنگر خود ایستاد و تا آخرین گلوله رزمید و سرانجام همراه با دو هم‌رزم خود به نام‌های ضیاء‌الدین و کرزی پس از پنج ساعت جنگ نابرابر به تاریخ ۱۵ سنبله ۱۴۰۰ پس از اصابت راکت در سنگر، هرسه جام شهادت نوشیدند و روح‌شان آسمانی شد.

۲۲ | شهدای مقاومت دوم (پنجشیر)



نام: شهید بابہ جان
تخلص: پنجشیری
نام پدر: احمد حسین
سال تولد: ۱۳۷۲
زادگاه: بازارک، روستای فروبل
تاریخ شهادت: ۱۵ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: روستای فروبل، بازارک



نام: شهید بشیرخان
تخلص: مرزایی
نام پدر: عبدالقدیر
سال تولد: ۱۳۶۶
زادگاه: شهرستان آبشار، روستای قولندور
سنگی خان
تاریخ شهادت: ۲۰ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: کوه پوجاوه، شهرستان دره



نام: شهید توفیق الله
تخلص: عنابی
نام پدر: محمد غریب
سال تولد: ۱۳۶۸
زادگاه: شهرستان عنابه، روستای عنابه
تاریخ شهادت: ۱۶ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: حوض پشته، شهرستان
عنابه

نام: شهید ثابت
تخلص: پنجشیری
نام پدر: محمدعالم
سال تولد: ۱۳۷۴
زادگاه: بازارک، روستای بادقول
تاریخ شهادت: ۱۵ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: روستای بادقول بازارک

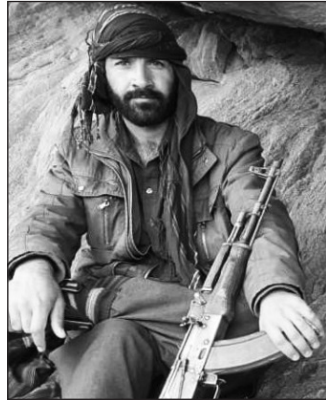


نام: شهید عبدالبصیر
تخلص: سکندری
نام پدر: غریب الله
سال تولد: ۱۳۷۴
زادگاه: شهرستان رخه، روستای مرشتان
تاریخ شهادت: ۵ ثور ۱۴۰۱
محل شهادت: روستای مرشتان، محل
سنگ پاره، حصارک



نام: شهید ثابت
تخلص: پنجشیری
نام پدر: عبدالعلیم
سال تولد: ۱۳۷۷
زادگاه: بازارک، روستای فروبل
تاریخ شهادت: ۱۵ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: روستای فروبل، بازارک

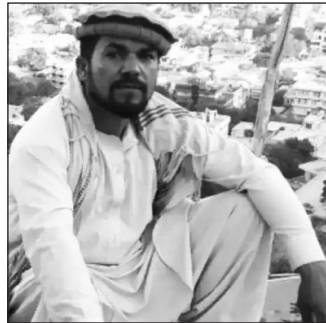
نام: شهید جاوید
تخلص: مجاهد
نام پدر: احمد شاه
سال تولد: ۱۳۷۳
زادگاه: شهرستان پریان، روستای قلعه
تاریخ شهادت: ۱۵ جوزای ۱۴۰۱
محل شهادت: داخل قول وریاج، شهرستان
پریان

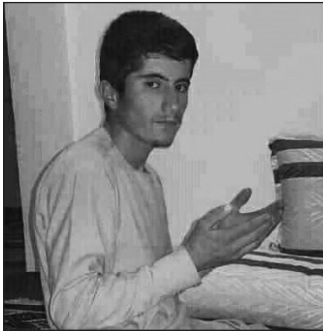


نام: شهید جان گل
تخلص: میرزاد
نام پدر: حاجی محمدخان
سال تولد: ۱۳۸۰
زادگاه: بازارک، روستای کرباشی
تاریخ شهادت: ۱ جوزای ۱۴۰۱
محل شهادت: کرواشی قلعه سرچشمه رخه



نام: شهید جمال الدین
تخلص: برنا
نام پدر: محمد عیسی خان
سال تولد: ۱۳۵۹
زادگاه: شهرستان دره، روستای عبدالله خیل
تاریخ شهادت: ۲۲ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: ملم خاک حصارک،
شهرستان رخه





نام: شهید جمشید
تخلص: کاظمی
نام پدر: دادمحمد
سال تولد: ۱۳۸۲
زادگاه: بازارک، روستای ملسپه
تاریخ شهادت: ۱۵ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: روستای ملسپه بازارک

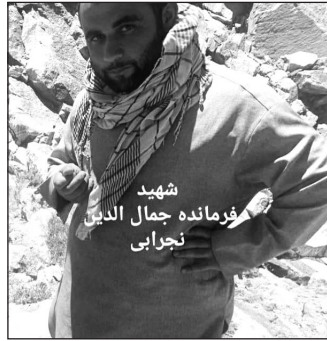


نام: شهید جانباز خان
تخلص: عمرضی پنجشیری
نام پدر: ضیاءالدین
سال تولد: ۱۳۸۱
زادگاه: شهرستان حصه اول، روستای زنه
عمرض
تاریخ شهادت: ۱۵ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: روستای زنه عمرض،
شهرستان حصه اول



نام: شهید جلندر
تخلص: خواجه زاده
نام پدر: الله داد
سال تولد: ۱۳۷۷
زادگاه: روستای مرشتان، شهرستان رخه
تاریخ شهادت: ۲۲ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: ملم خاک حصارک،
شهرستان رخه

نام: شهید جمال الدین
تخلص: نجرابی
نام پدر: عبدالقدیر
سال تولد: ۱۳۶۵
زادگاه: شهرستان نجراب، ولایت کاپیسا
تاریخ شهادت: ۲۲ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: ملم خاک حصارک شهرستان
رخه



نام: شهید حفیظ الله
تخلص: کوهسار
نام پدر: عبدالغیاث
زادگاه: شهرستان پریان، روستای کوهسار
سال تولد: ۱۳۷۳
تاریخ شهادت: ۲۴ قوس ۱۴۰۱
محل شهادت: دوآبی دره سرخ شال، پریان



نام: شهید حق نواز
تخلص: مجاهد
نام پدر: یارمحمد خان
سال تولد: ۱۳۶۸
زادگاه: شهرستان رخه، روستای حصارک
تاریخ شهادت: ۲۲ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: ملم خاک حصارک،
شهرستان رخه





نام: شهید حشمت الله
تخلص: ظهور
نام پدر: محمد معراج الدین
سال تولد: ۱۳۶۸
زادگاه: بازارک، روستای خانیز
تاریخ شهادت: ۱۵ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: روستای رحمان خیل، بازارک



نام: شهید حمید الله
تخلص: امینی
نام پدر: نصرالله
سال تولد: ۱۳۷۲
زادگاه: بازارک، روستای ملسپه
تاریخ شهادت: ۱۵ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: روستای ملسپه، بازارک



نام: شهید حضرت میر
تخلص: پنجشیری
نام پدر: عزت میر
سال تولد: ۱۳۶۵
زادگاه: شهرستان رخه، روستای حصارک
تاریخ شهادت: ۲۲ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: ملم خاک حصارک،
شهرستان رخه

۲۸ | شهدای مقاومت دوم (پنجشیر)

نام: حمیدالله

تخلص: امینی

نام پدر: محمدامین

سال تولد: ۱۳۷۳

زادگاه: بازارک، روستای ملسپه

تاریخ شهادت: ۱۵ سنبله ۱۴۰۰

محل شهادت: ملسپه، بازارک



شهید فرمانده خنجر

فرمانده خنجر فرزند محمداسلم در سال ۱۳۴۵ در یک خانواده متدین در دره عبدالله خیل، شهرستان دره، استان پنجشیر دیده به جهان گشود. او درس دینی را نزد علمای وقت فراگرفت و دروس مکتب را نیز تا آغاز تجاوز شوروی ادامه داد. با تجاوز نظام کمونیستی شوروی به افغانستان در سال ۱۳۵۷، فرمانده به صف مبارزین علیه قشون سرخ می پیوندد. او با قلب سرشار از آزادمنشی و دفاع از وطن و دین، تا شکست مفتضحانه روس در این راه ادامه داد. او می گفت: «در میان مجاهدین آن زمان ما تازه به بلوغ جوانی رسیده بودیم و نسبت به شوق و علاقه ای که به جهاد و سنگر داشتیم، همواره خود را نسبت به دفاع از ارزش ها و نوامیس ملی مسئول می دانستیم و در این راه قربانی های بی شماری نیز دادیم». نخستین دوره پیوستن او به صفوف مبارزین جهاد، همزمان بود با هجوم روس ها در سراسر پنجشیر؛ فرمانده خنجر با جمعی از مجاهدین در کوه پایه های دره عبدالله خیل سنگر گرفتند و اولین کمین را علیه دشمن در کوه های پیتاو عبدالله خیل به فرماندهی قوماندان مرزامحمد شهید یکی از

فرماندهان نامور درهٔ عبدالله خیل اجرا کردند؛ در نتیجه، تلفات سنگینی را به دشمن تحمیل کردند. او بار دوم در نبرد دیگری در درهٔ عبدالله خیل واقع «خیل - تی شیخ» شرکت می‌کند. او بیان می‌کرد: «ما این بار هم دشمن را در کمین قرار دادیم و در اولین ضربه تعداد زیادشان تار و مار شد و بقیه‌شان پا به فرار گذاشتند و در خانه‌های مردم درهٔ روستای منجنستو عبدالله خیل پناه بردند و ما غنیمت سلاح از قبیل پنج میل اسلحه که شامل کلاشنکوف و یک میل کله‌کوف می‌شد، به دست آوردیم». تا اکنون همان سلاح‌های غنیمت گرفته شده وجود دارد.

هنگامی که قوماندان مرزامحمد شهید مسئول قطعات عبدالله خیل از سوی قهرمان ملی شهید احمدشاه مسعود گماشته شدند، فرمانده خنجر برای یک مدت کوتاه دروس نظامی را تحت نظرایشان به پیش بردند و بعد به حیث مسئول دلگی هشت نفری تعیین شدند.

فرمانده خنجر شهید در چند جنگ علیه نیروهای روس شرکت کرد و از خود شایستگی و درایت زیاد نشان داد و بارها مورد تشویق و تحسین همسنگران قرار گرفت.

نامبرده به مدت دوماه دیگر نیز تعلیمات نظامی و مسلکی سلاح ثقیله ۸۲ را آموخت و بعد به حیث یکی از قوماندانان ثقیله ۸۲ قرارگاه عبدالله خیل از سوی فرماندهی تقرر حاصل کردند.

او حکایت می‌کرد: «یکی از روزها که در مرکز ولسوالی دره قوماندانان ثقیله ۸۲ به دستور آمرصاحب شهید جمع شده بودند و قرار شد در میان این‌ها، بهترین نشان‌زن انتخاب گردد و هرکدام سعی داشتند تا بهترین نشان‌زن شناخته شود، در این میان من توانستم مقام نخست به دست بیاورم که مورد تحسین جمعی قرار گرفت».

فرمانده خنجر شهید با درایت و تدبیری که داشت، مدتی در فرقهٔ چهل نعرین ایفای وظیفه می‌کند و در جریان یکی از جنگ‌ها به شدت زخمی می‌شوند و مدت چند هفته در حالت کُما به سر می‌برند و نامبرده در این مدت تحت معالجهٔ شخص دکتور عبدالله عبدالله رییس شورای مصالحهٔ ملی وقت قرار داشت تا این‌که تندرست می‌شود.

نامبرده قبل از فتح کابل وارد قطعهٔ مرکزی تحت فرماندهی جنرال قسیم دره‌ئی یکی از فرماندهان ارشد و طراز اول جهاد و مقاومت شد. و بعد از مدتی نظربه فعالیت خلاقانه‌ای که داشت، به حیث قوماندان کندک قطعهٔ مرکزی تعیین شد. او در ولایات کابل، بامیان، لغمان بغلان، پروان، کاپیسا انجام وظیفه کرد.

مقاومت اول:

هنگامی که پنجشیر به شدت در محاصرهٔ طالبان قرار گرفته بود، فرمانده خنجر شهید که آن زمان به حیث معاون فرماندهی قرارگاه عبدالله خیل ایفای وظیفه می‌کردند. دشمن تلاش داشت خطوط دفاعی جبههٔ مقاومت ملی را در دالان سنگ که آغاز پنجشیر است و خاواک که اخیراً، شکستانده و کار پنجشیر را یکطرفه نماید. فرمانده خنجر شهید با جمعی از همسنگران‌ش به خاواک می‌روند و جنگ شدید بین نیروهای تحت رهبری فرمانده گداخان خالد و فرمانده مؤمن شابه و فرمانده مرزا رحیم دره، با طالبان صورت می‌گیرد و بعد از چندین شبانه‌روز جنگ، و با رسیدن فرمانده خنجر و نیروهای تحت امرش، دشمن وادار به عقب‌نشینی می‌شود و اولین پاسگاه دشمن به دست نیروهای فرمانده خنجر قرار می‌گیرد؛ در همان زمان عبدالغنی برادر فرمانده طالبان با ۳۰۰ تن از نیروهایش پا به فرار می‌گذارند و بقیهٔ نیروهایش به هلاکت

می‌رسند. فرمانده خنجر بعد از شکستن سنگر دشمن، با دوستانش برقرارگاه برمی‌گردد که از سوی احمدشاه مسعود قهرمان ملی کشور، به حیث رییس ارکان به رتبهٔ دگروال مفتخر می‌شود.

در دورهٔ جمهوریت، فرمانده در ارتش در ولایت زابل ایفای وظیفه کردند و بعد هم به تقاعد سوق داده شدند.

مقاومت دوم:

با تسلط گروه طالبان در افغانستان به خصوص پنجشیر، فرمانده خنجر مسئول تعلیمات نظامی قرارگاه عبدالله خیل از سوی رهبری جبههٔ مقاومت ملی احمد مسعود تعیین شد او ده‌ها تن از نیروهای مقاومت را آموزش داد و با گذشت چندین هفته و سقوط مرکز پنجشیر به دست طالبان، فرمانده خنجر شهید وارد صحنهٔ عمل با جمله مقاومت‌گران این حیطة می‌شوند. در نخستین جنگ در تاریخ ۱۷ ثور ۱۴۰۱ در منطقهٔ درهٔ عبدالله خیل صورت گرفت. فرمانده در این جنگ نابرابر با یک گروه تاندان مسلح به جنگ می‌پردازد. اولین شلیک سلاح ثقیله ۸۲ در این درهٔ مردخیز به سمت طالبان انجام می‌شود که شش تن از افراد طالبان به هلاکت می‌رسد و جنگ شدت بیشتری می‌گیرد که در نتیجه صدها تن از نیروهای طالبان نابود می‌شود. این جنگ را می‌توان یکی از شدیدترین جنگ‌های مقاومت نیز عنوان کرد.

شکست طالبان از درهٔ عبدالله خیل با شهامت و جسارت فرمانده خنجر، فرمانده ملک شهید و جمعی از همسنگران، باعث شد که بار دیگر درهٔ عبدالله در محراق توجه طالبان قرار گیرد.

پس از شکست مفتضحانهٔ طالبان در درهٔ عبدالله خیل، فرمانده خنجر از سوی رهبری جبهه مقاومت ملی منحیث فرمانده قرارگاه عبدالله خیل پنجشیر تعیین شد. فرمانده با سرو سامان دادن دوباره به نیروهای جنگی اش، به جنگ

علیه طالبان پرداخت و جنگ دوم عبدالله خیل نیز در اسد ۱۴۰۱ همراه با فرمانده ملک خان شهید آغاز شد و این نبرد سخت نابرابر از ساعت ۵ صبح الی ۵ عصر ادامه یافت و تعداد زیادی از نیروهای دشمن به هلاکت رسید. فردای آن روز دشمن با تجدید قوا بار دیگر به دره عبدالله خیل حمله می‌کند و جنگ شدید باز به وقوع می‌پیوندد و دشمن باز هم متحمل تلفات سنگین می‌شود.

جنگ اخیر در دره عبدالله خیل، طالبان را واداشت تا تصمیم دیگری بگیرند که منجر به لشکرکشی بزرگی در حدود دوازده هزار طالب شد. فرماندهی این نیروها را شخص ملا ذاکر هلمندی و ملا شیرین قندهاری به دوش داشت. فرماندهی نیروهای جبهه مقاومت ملی را فرمانده ملک شهید به دوش داشت. این جنگ در تاریخ ۱۹ سنبله ۱۴۰۱ آغاز شد و مدت سه روز دوام کرد که در این نبرد نفس‌گیر، مقاومت‌گران با شکم گرسنه و تشنه با روحیه و عزم راسخ می‌جنگند و صدها تن از نیروهای طالبان به شمول ملا ذاکر هلمندی و ملا شیرین قندهاری از بین می‌روند. در فرجام فرمانده خنجر شهید، قوماندان عمومی زون دره، فرمانده ملک خان شهید و یاران باوفایشان در تاریخ ۲۲ سنبله ۱۴۰۱ به سبب وضعیت آب و هوای نامساعد و مسدود شدن راه‌های حمایتی به درجه رفیع شهادت می‌رسند.

انالله وانا الیه راجعون

نام: شهید خالد
تخلص: پاینده
نام پدر: عبدالرشید
سال تولد: ۱۳۷۳
زادگاه: بازارک، روستای نیازبیک خیل
تاریخ شهادت: ۱۵ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: پای مزار، شهرستان شتل



نام: شهید خلیل الرحمان
تخلص: پنجشیری
نام پدر: رحیم خان
سال تولد: ۱۳۶۸
زادگاه: شهرستان دره، روستای عبدالله خیل
تاریخ شهادت: ۶ میزان ۱۴۰۱
محل شهادت: شهرستان دره، روستای
عبدالله خیل





شهید خداداد مرزایی

شهید خداداد فرزند فرمانده گل میرزا خان متولد ۱۳۶۹ هجری شمسی است. وی در یک خانواده متدین و شهیدپرور به دنیا آمده، دروس ابتدایی را از صنف اول الی سوم در مکتب طارق ابن زیاد خوانده و از صنف چهارم الی دوازدهم را در لیسه عالی ملک مرزای شهید به پایان رسانید.

بعد از فراغت دوره لیسه و سپری نمودن امتحان شامل آکادمی پولیس ملی گردیده بعد از شش ماه فراگیری دروس عالی نظامی، فراغت حاصل نمود و بنا بر مشکلاتی که تعیین بستی اش در ولایت هلمند بود و بارها از بسم الله خان که وزیر داخله وقت بود خواستند تا ایشان را به مرکز یا یکی از ولایت های شمالی تبدیل نماید، وی از تبدیلی ایشان ابا ورزید.

هم چنان نسبت علاقه که به کسب علم و تحصیل عالی داشت، شامل انستیتوت اداره و حسابداری ولایت پنجشیر گردیده و تحصیلات خود را موفقانه به پایان رسانید. در عین زمان می خواست مقطع های بعد را نیز ادامه دهد. بعد از سپری نمودن امتحان کانکور در رشته انجینیری معدن تعلیم و

تربیه پنجشیر کامیاب شد. با تأسف افراد مغرض با دسیسه‌های بی‌اساس بر علیه شهید مرزایی حکم دستگیری او را دادند. خداداد شهید نتوانست به آرزوی دیرینه که همانا تحصیلات عالی بود، برسد و مجبور شد دانشگاه را ترک نماید.

شهید خداداد در دورهٔ جمهورت سختی‌های طاقت‌فرسا را تجربه نمود که بنا به دسایس بی‌بنیادی که افراد مغرض ساخته بودند حتی به مرکز ولسوالی رفت و آمد کرده نمی‌توانست. چنین سختی‌ها و شرایط نامطلوب در اراده و استقامت غازی میرزایی اندک تغییر وارد نکرد و به مبارزه و مقاومت در مقابل همهٔ ظلم، استبداد و بهره‌کشی‌ها جسورانه پرداخت و از هیچ نوع فداکاری در این مسیر دریغ ننمود. در مقاومت دوم، شهید مرزایی به مثابه یاور بی‌بدیل فرمانده ملک خان استادگی و مقاومت نمود و در برابر دهشت‌افگنان با صلابت تمام به مبارزه پرداخت و ده‌ها طالب را به هلاکت رساند از تمام ارزش دین و شریعت دفاع کرد.

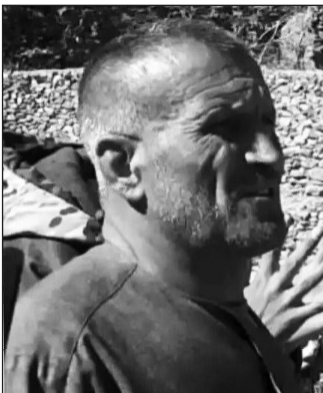
در نهایت شهید دلیر مرزایی در نبرد نابرابر و چندین شبانه‌روزی که نیروهای دشمن سفاک به چندین هزار فرد می‌رسید، با تمام شجاعت و جسارت ایستادگی کرد و در تاریخ ۲۱ سنبله ۱۴۰۱ ردای ارزشمند شهادت را بر تن کرد.



نام: شهید دادالله
تخلص: رضایی
نام پدر: شاه علم
سال تولد: ۱۳۷۲
زادگاه: شهرستان دره، روستای عبدالله خیل
تاریخ شهادت: ۲۲ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: ملم خاک حصارک،
شهرستان رخه



نام: شهید دریا خان
تخلص: دره‌گی
نام پدر: محمد ضمیر
سال تولد: ۱۳۸۰
زادگاه: شهرستان دره، روستای عبدالله خیل
تاریخ شهادت: ۲۲ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: ملم خاک حصارک،
شهرستان رخه



نام: شهید دل‌آغا
تخلص: هاشمی
نام پدر: بلند خان
سال تولد: ۱۳۵۱
زادگاه: شهرستان رخه، روستای چمالورده
تاریخ شهادت: ۲۳ ثور ۱۴۰۱
محل شهادت: رخه، روستای چمالورده،
منطقه هزارچشمه

نام: شهید دانیار
تخلص: یاری پنجشیری
نام پدر: اسفندیار
سال تولد: ۱۳۵۱
زادگاه: شهرستان حصه اول، روستای چارو
عمرض
تاریخ شهادت: ۲۰ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: کوه پوجاوه، شهرستان دره



نام: شهید دل آغا
تخلص: کریمی
نام پدر: قلعدار
سال تولد: ۱۳۶۰
زادگاه: شهرستان دره روستای عبدالله خیل
تاریخ شهادت: ۲۲ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: ملم خاک حصارک،
شهرستان رخه



نام: شهید درمرزا
تخلص: مرزایی
نام پدر: درمرزا
سال تولد: ۱۳۷۷
زادگاه: شهرستان رخه، روستای عبدالله خیل
تاریخ شهادت: ۲۲ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: ملم خاک حصارک،
شهرستان رخه





نام: شهید دادالرحمان
تخلص: مجاهد
نام پدر: عبدالمنان
سال تولد: ۱۳۵۸
زادگاه: بازارک، روستای نیازبیک خیل
تاریخ شهادت: ۱۵ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: پای مزار شتل

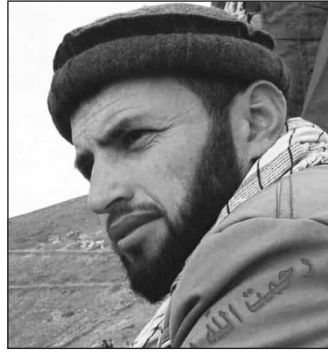


نام: شهید ذبیح الله
تخلص: رشیدی
نام پدر: خواجه عبدالله
سال تولد: ۱۳۷۳
زادگاه: شهرستان عنابه، روستای رشیدخیل
فراج
تاریخ شهادت: ۱۵ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: روستای رحمان خیل،
بازارک

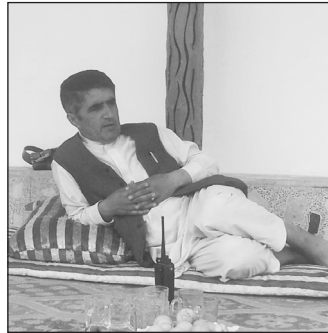


نام: شهید رومل
تخلص: مجاهدزاده
نام پدر: محمداکبر
سال تولد: ۱۳۷۵
زادگاه: بازارک، روستای ملسپه
تاریخ شهادت: ۱۵ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: روستای ملسپه، بازارک

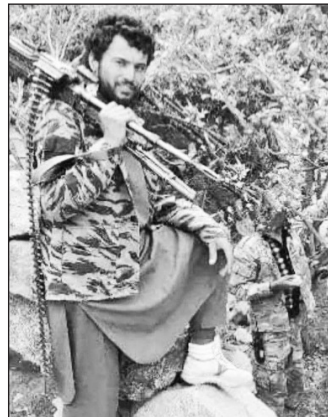
نام: شهید رحمت الله
تخلص: مجاهد
نام پدر: حاجی میرآغا
سال تولد: ۱۳۶۷
زادگاه: شهرستان دره، روستای عبدالله خیل
تاریخ شهادت: ۲۲ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: ملم خاک حصارک،
شهرستان رخه



نام: شهید رحمان داد
تخلص: پیکار
نام پدر: مولاداد
سال تولد: ۱۳۵۱
زادگاه: شهرستان رخه، روستای مرستان
تاریخ شهادت: ۸ ثور ۱۴۰۱
محل شهادت: شهرستان رخه، کوه
سیاه سنگ دره پنه حصارک



نام: شهید روح الله
تخلص: پنجشیری
نام پدر: شاه بجه
سال تولد: ۱۳۷۹
زادگاه: روستای جنگل عمرض، شهرستان
حصه اول
تاریخ شهادت: ۲۱ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: کوه پوجاوه، شهرستان دره



نام: شهید روح الله

تخلص: عزیزی

نام پدر: محمدولی

سال تولد: ۱۳۴۰

زادگاه: بازارک، روستای عزیزبیک خیل

تاریخ شهادت: ۱۴ سنبله ۱۴۰۰

محل شهادت: بازارک، روستای

نیازبیک خیل



فرمانده زردادخان توحیدی

شهید فرمانده زرداد توحیدی فرزند شیرمحمد در سال ۱۳۴۴ هجری شمسی در یک خانواده متدین در روستای کلانترخیل آبدره ولایت پنجشیر دیده به جهان گشود. دوره ابتدایی و دوره متوسطه را در لیسه آبدره به پایان رسانید و بعد در صنف دهم شامل لیسه تربیت بدنی کابل گردید و دوره لیسه را در آن جا فراگرفت. چون در آن زمان حکومت در دست کمونیست ها (خلقی و پرچمی) بود و وی در جریان دروس صنف یازدهم بود، از طرف اداره مکتب درخواست شد که به سازمان جوانان خلقی بپیوندد؛ ولی شهید قوماندان زرداد توحیدی این درخواست اداره مکتب را نپذیرفت و مجبور شد که مکتب را ترک نماید و عازم ولایت پنجشیر گردید و در آن جا به صف مجاهدین پیوست.

جهاد در مقابل تجاوز شوروی

شهید توحیدی در سال ۱۳۵۹ به صفت سرگروپ در جمع مجاهدین تعیین گردید و در تمام عملیات هایی که بر علیه ارتش تاندندان مسلح روس ها صورت

می‌گرفت، اشتراک می‌کرد و سهم فعال داشت. عملیات‌ها را به صورت دقیق و موفقانه مدیریت می‌کرد و در سال‌های بعد چون یک شخص کارکن و شجاع بود، زمانی که قطعاً متحرک از سوی آمر صاحب شهید احمدشاه مسعود تشکیل شد، او به حیث قوماندان ضربتی توظیف گردید و در سخت‌ترین عملیات‌ها و جنگ‌ها در برابر نیروهای شوروی در پنجشیر و خارج از پنجشیر اشتراک داشت و سرسختانه می‌رزمید و جان‌فشانی‌های زیاد نمود که در جریان جنگ چندین بار در عملیات علیه ارتش روس‌ها زخم‌های شدیدی برداشت؛ از جمله: در سال ۱۳۶۰ در یک عملیات بالای کاروان نیروهای شوروی در دهنه آبدره (سرپل) تعدادی از همراهان‌شان شهید و شهید قوماندان زرداد توحیدی از ناحیه بازو زخم برداشت. در سال ۱۳۶۱ در منطقه عروس سنگ سردرخیل شدیداً زخم برداشت. ماجرا قسمی بود که عملیات چریکی بالای یک پوسته شوروی‌ها در آن منطقه راه‌اندازی نمودند و تعداد زیادی از نیروهای شوروی در آن کشته شدند و یک تعداد اندک‌شان پوسته را ماین‌گذاری کرده بیرون می‌شوند و وقتی پوسته به دست مجاهدین قرار می‌گیرد، یکی از ماین‌های موجود منفجر می‌گردد که فرمانده توحیدی از ناحیه صورت، چشم و بدن شدیداً مجروح می‌گردد که آثار و چهره‌های آن تا به آخر عمر در بدن‌شان بود. این‌گونه زخمی شدن‌ها در تعهدش که با خدا و وطن بسته بود، تغییری نیاورد و روحیه مبارزه را در وجودش بیشتر از پیش تقویت نمود.

او در سال‌های ۱۳۶۵ زمانی که در غوربندها به مبارزه در برابر شوروی‌ها مصروف بود، متأسفانه در جریان وظیفه از سوی حزب اسلامی به کمین مواجه می‌شوند، رهبری این کمین را یکی از قوماندان‌های حزب اسلامی به نام قوماندان جان آغا سنجنی به دوش داشت. بعد از چند ساعت درگیری، تمام شدن مهمات و زخمی شدن شهید الحاج بهلول بهیچ، شهید قوماندان

زرداد توحیدی و چند تن دیگر، و شهید شدن چهار تن از همراهان شان، توسط نیروهای حزب اسلامی اسیر می‌شوند؛ تعدادی از ایشان بعد از مدت کوتاهی رها گردیدند و قوماندان شهید زرداد و شهید الحاج بهلول بهیج رها نشدند. در این زمان الحاج سید آقا رحمانی و قوماندان شاهین کوهستان تعدادی از افراد حزب اسلامی را به اسارت می‌گیرند و با میانجی‌گری تعدادی از قوماندان‌های ولایت کاپیسا روی تبادلهٔ اسیران موافقت صورت گرفت که الحاج بهلول بهیج بعد از چهار ماه از زندان آزاد ولی شهید قوماندان زرداد توحیدی را نیروهای حزب اسلامی به رهبری گلبدین گروگان گرفتند و چندین ماه دیگر را نیز نزد آن‌ها در زندان سپری کرد.

فرمانده از طرف استاد فرید قوماندان حزب اسلامی در ولایت‌های پروان و کاپیسا به اعدام محکوم شده بود و خوش بختانه همان روزی که قرار بود اعدام صورت گیرد، از طرف نیروهای شوروی ساحه زیر بمبارمان قرار می‌گیرد و شهید قوماندان زرداد توحیدی از زندان حزب اسلامی در ولایت کاپیسا موفق به فرار می‌شود و جان سالم به در می‌برد.

حکومت مجاهدین

در سال ۱۳۶۷ با شکست قشون سرخ شوروی از افغانستان، شهید فرمانده زرداد توحیدی که به خاطر معالجه در پاکستان قرار داشت به وطن برمی‌گردد. مدت کوتاهی نگذشته دوباره به پاکستان می‌رود چون از طرف کشور عربستان سعودی برایش زمینهٔ تحصیل در آن کشور فراهم شده بود. او نتوانست بنا بر مشکلات، در زمان معین به پاکستان برسد؛ ویزای تحصیلی که برایش داده شده بود، خاتمه پیدا کرده و او که نتوانست به خاطر ادامهٔ تحصیل به عربستان سعودی برود، بعد از چهار ماه به افغانستان برگشت. دوباره در

بگرام به نیروهای مجاهدین پیوست تا این‌که در سال ۱۳۷۱ مجاهدین پیروز شدند و در سال ۱۳۷۲ بنا بر لزوم دید حکومت وقت به رهبری شهید استاد برهان‌الدین ربانی، در تشکیلات وزارت دفاع، غند ۸۴۵ گارد ملی ایجاد گردید و قوماندان زرداد شهید در همین سال به رتبه جکتورن تثبیت رتبه گردید و در غند متذکره به حیث قوماندان تولی انضباط تعیین گردید و به مدت چهار سال در آن جا ایفای وظیفه نمود.

مقاومت اول

در سال ۱۳۷۵ و سقوط کابل به دست طالبان، شهید فرمانده زرداد توحیدی به پنجشیر می‌رود و تشکیلات وزارت دفاع ملی از هم پاشیده می‌شود. دوباره از طرف آمر صاحب شهید فعال سازی صورت می‌گیرد و تمام قرارگاه‌ها دوباره آغاز به فعالیت می‌نمایند و پنجشیر به چهار لوا تقسیم می‌گردد و قوماندان زرداد شهید در لوا چهارم که متشکل از شش قرارگاه شامل قرارگاه‌های فراج، آبدره، عنابه، زمانکور، تاواخ و کورابه که مسئولیت آن دفاع از سردر بند و سمت غرب پنجشیر بود که قوماندان عمومی آن شهید الحاج بهلول بهیج از سوی قهرمان ملی تعیین گردیده بود. توحیدی شهید به صفت قوماندان کندک انضباط و قوماندان ضربتی تعیین و به وظیفه آغاز کرد و در تمام جنگ‌ها در برابر طالبان اشتراک کرد و سرسختانه از مواضع خود در برابر دشمن به دفاع پرداخت و تمام حملات دشمن را دفع نمود تا این‌که طالبان شکست خوردند و مجبور به عقب‌نشینی شدند و آن‌ها تا ولسوالی قره‌باغ ولایت کابل طالبان را دنبال کردند. پس از آن در سال ۱۳۷۷ چندین ماه در دره غوربند مبارزه‌های سخت و دشوار را در برابر طالبان انجام داد و از آن جا عازم ولایت تخار شد و چندین ماه در ولسوالی بنگی ولایت تخار به نبرد علیه طالب ادامه دادند.

در سال ۱۳۷۸ قوماندهان زرداد شهید در قطعه ۱۰ مرکزی به حیث معاون تولى اول تعیین شد و در صفحات شمال (خواجه بهاء الدین ولایت تخار و ولایت کندز) به مدت دو سال به جنگ در برابر طالبان ادامه داد تا بالأخره در سال ۱۳۸۰، طالبان شکست خوردند و مجاهدین پیروز شدند. توحیدی شهید به صفت قوماندهان کندک دوم در غند ۸۹۵ پیاده در فرقه ۵۵ وزارت دفاع ملی تعیین بست گردید و بعد در سال ۱۳۸۱ قوماندهان شهید به حیث قوماندهان غند ۸۹۵ پیاده تعیین شد و مدت سه سال در آن جا ایفای وظیفه نمود تا بالأخره در سال ۱۳۸۳ پروسه DDR آغاز شد و تمام قطعات وزارت دفاع ملی شامل این پروسه شدند.

فرمانده توحیدی شهید در دوره جمهوریت

قوماندهان زرداد شهید به سبب وضعیت کشور نتوانست ادامه تحصیل دهد تا این که در سال ۱۳۸۴ زمانی که کشور آرام شد و موصوف که علاقه مند ادامه تحصیل بود، زمینه را فراهم دید و از فرصت استفاده نمود تا تحصیلات خویش را ادامه دهد و بعد در سال ۱۳۸۶ بعد از سپری نمودن امتحان کانکور در مؤسسه تربیه معلم ولایت پنجشیر در رشته ادبیات انگلیسی راه پیدا نمود و سند صنف چهاردهم را از آن جا به دست آورد. از این که شوق و علاقه زیاد به درس و تحصیل داشت، با وجودی که مصروف انجام وظیفه بود، کوشش زیاد نمود تا وقت فارغ به دست بیاورد و به تحصیلات خود ادامه دهد و در سال ۱۳۹۷ در مؤسسه تحصیلات عالی ازهر بعد از سپری نمودن امتحان به رشته حقوق و علوم سیاسی قبول شد و به درس خود ادامه داد، ولی باز هم روزگار امانش نداد؛ در سمستر هفتم بود که سقوط ولایات پی یکدیگر شروع شد و فرمانده توحیدی این وضعیت را نتوانست

تحمل نماید. به ولایت پنجشیررفت تا در کنار مردم خود بتواند کاری برای نجات هموطنانش از وضعیت فاجعه بار انجام دهد. به فعال سازی قرارگاه در چهارچوب جبهه مقاومت ملی آغاز نمود.

در طول دوره خدمت در وزارت امور داخله از طرف رهبری آن وزارت به کورس های کوتاه مدت سه ماهه، دو ماهه، یک ماهه، شش هفته ای، دوهفته ای رهبری و مدیریت، ارتقای ظرفیت و کورس های کوتاه مدت برای قوماندان های ولسوالی که از طرف پولیس بین المللی اروپا در افغانستان در استاف کالج و اکادمی های پولیس ملی در ولایات مختلف برگزار می گردید، معرفی می شد و تمام این دوره ها را با موفقیت، با درجه عالی و با دست آوردهای خوب به پایان می رسانید.

شهید قوماندان زرداد توحیدی به سبب علاقه خدمت به مردم، خود را از وزارت دفاع ملی به وزارت امور داخله تبدیل کرد.

۱. در ۱۳۸۴/۲/۲۶ به حیث قوماندان قطعه منتظره قوماندانی امینه ولایت پنجشیر تعیین شد و به مدت هشت ماه در آن جا انجام وظیفه نمود و در همان سال به اساس پیشنهاد قوماندانی امینه والی وقت ولایت پنجشیر، رسماً به صفت قوماندان امینه ولسوالی عنابه تعیین گردید و به مدت یک سال در آن جا انجام وظیفه نمود.

۲. در ۱۳۸۶/۱۰/۱ به حیث آمرکشف جرایم جنایی ولایت پنجشیر مقرر شد که به مدت شش ماه در این سمت ایفای وظیفه نمود.

۳. در ۱۳۸۷/۳/۳۰ دوباره به حیث قوماندان امینه ولسوالی عنابه ولایت پنجشیر مقرر شد تا ۱۳۹۱/۱/۲۱ به مدت پنج سال در آن جا باقی ماند.

۴. در ۱۳۹۱/۱/۲۱ تبدیل و به صفت مدیر محافظت عامه زون ۲۰۲ شمشاد تعیین گردید به مدت هشت ماه در آن جا ایفای وظیفه نمود.

۵. نظریه لزوم دید در ۱۳۹۱/۸/۱۷ به حیث قوماندان امنیه ولسوالی رخه ولایت پنجشیر تعیین گردید الی اوایل سال ۱۳۹۶ با کمال ایمان داری ایفای وظیفه نمود.

۶. در ۱۳۹۶/۱/۱۲ تبدیل و به حیث مدیر پولیس مردمی قوندانی امنیه ولایت پنجشیر تعیین و در ضمن سرپرستی قوماندانی امنیه ولسوالی رخه را نیز به عهده داشت.

۷. در ۱۳۹۷/۱۰/۱۰ نظریه لزوم دید دوباره تبدیل به حیث قوماندان امنیه ولسوالی عنابه تعیین و مقرر گردید. قوماندان زرداد توحیدی یک شخص متدین، وطن دوست، صادق و راستکار، متین، بردبار و شجاع بود و تمام وظایف محوله را من حیث یک وجبیه دینی بالای خود فرض نموده با کمال ایمان داری و صداقت موفقانه و شجاعانه با تعهد به مردم و وطن و احساس وطن دوستی که داشت به پای اکمال رسانید.

او در تمام این بیست سال دوره حکومت جمهوریت که با خون هزاران شهید گلگون کفن پایه گذاری شده بود، به تمام ارزش های جهاد و مقاومت مردم افغانستان باورمند بود و متعهدانه در قبال وظایفی که برایش سپرده می شد، انجام وظیفه می نمود. بر اساس فرمان شماره ۱۵۴ ریاست جمهوری وقت افغانستان، به پاس خدمات و شایستگی هایی که در طول مدت خدمت خویش انجام داده بود، یک واحد مدال «دیر شه پوخی خدمت» از طرف رییس جمهور افغانستان در تاریخ ۱۳۹۸/۲/۲۸ برایش داده شد.

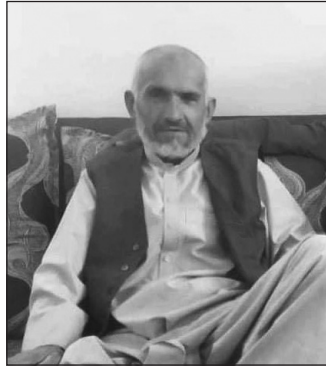
در ۱۳۹۹/۴/۲ به اساس کبر سن به تقاعد سوق گردید و به رتبه دگروال (سمونوال) بعد از ۳۵ سال و ۴ ماه جان نثاری، مبارزه، ایستادگی، خدمت و مقاومت از زمان جهاد در برابر شوری تا سال ۱۳۹۹، در همین سال تقاعد نمود.

مقامت دوم تا شهادت

پس از بازنشستگی به مدت کوتاهی نفس راحت کشید اما روزگار انگار امانش نداد و در سال ۱۴۰۰ سقوط ولایات افغانستان به دست گروه خوارج، تروریستی، صفاک و خونخوار طالب آغاز شد و وی نتوانست این وضعیت را تحمل کند. شهید قوماندان زرداد توحیدی قبل از این که کابل به دست طالب سقوط کند، به ولایت پنجشیر رفت و در آن جا به هسته گذاری، ترتیب و تنظیم مقاومت دوم در مقابل گروه تروریستی خوارج طالب پرداخت و در یک رأی زنی سرتاسری که از طرف تمامی اهالی قریه های آبدره و استیچه با حضور قوماندان های جهادی، بزرگان، جوانان و نوجوانان برگزار گردید، از قوماندان شهید خواسته شد که فرماندهی قرارگاه آبدره پنجشیر را به عهده بگیرد و قوماندان شهید با وجود کبر سن، به خواست مردم خود لیبیک گفت و فرماندهی قرارگاه را به عهده گرفت و به مبارزه و مقاومت در برابر گروه طالبان آغاز کردند.

دیری نگذشت تمام ولایات به شمول ولایت کابل مرکز افغانستان، به جز ولایت پنجشیر، به دست گروه طالب افتاد. گروه خوارج تروریستی طالب با لشکری در حدود ۲۰۰۰۰ هزار نفر یا بیشتر بالای ولایت پنجشیر حمله نمودند که سرانجام در یک جنگ نابرابر و رودررو در مقابل گروه خوارج و خونخوار طالب در سردر بند ولایت پنجشیر بعد از سه شبانه روز جنگ شدید و نفس گیر، شب هنگام حوالی ساعت ۱ شب مورخ ۱۱ سنبله ۱۴۰۰ مردانه تا آخرین قطره خون و رسیدن به آرزوی دیرینه اش که شهادت بود، رزمید و مردانه جام شهادت را به سرکشید و به دیدار حق شتافت. انا الله و انا الیه راجعون.

نام: شهید زین الدین
تخلص: فراچی
نام پدر: عبدالودود
سال تولد: ۱۳۴۵
زادگاه: شهرستان عنابه، روستای فراچ بیگرا
تاریخ شهادت: ۱۳ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: روستای بیگران، شهرستان
عنابه



نام: شهید زمان الدین
تخلص: عشقری
نام پدر: عظم الدین
سال تولد: ۱۳۸۴
زادگاه: شهرستان دره، روستای عبدالله خیل
تاریخ شهادت: ۲۰ ثور ۱۴۰۱
محل شهادت: روستای ده پیتو، شهرستان
دره

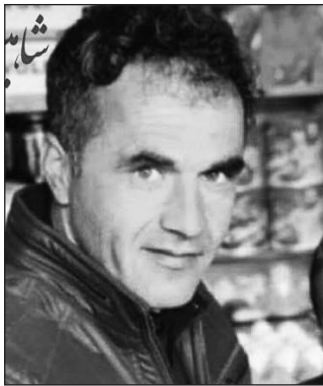


نام: شهید سید اکبر
تخلص: سیفی
نام پدر: سید اصغر
سال تولد: ۱۳۴۵
زادگاه: شهرستان رخه، روستای شیخان
تاریخ شهادت: ۲۴ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: سرتپه شیخان، شهرستان
رخه





نام: شهید سید پادشاه
تخلص: امیری
نام پدر: آقامیر
سال تولد: ۱۳۵۶
زادگاه: بازارک، روستای بادقول
تاریخ شهادت: ۱۵ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: روستای بادقول بازارک



نام: شهید سمیع خان
تخلص: رئیسی
نام پدر: عبدالعلیم
سال تولد: ۱۳۵۵
زادگاه: شهرستان رخه، روستای درخیل
تاریخ شهادت: ۱۶ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: قول دیبریا، شهرستان رخه



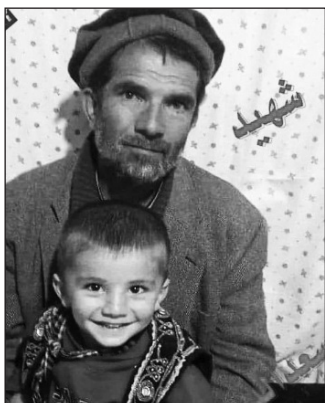
نام: شهید سید وکیل آغا
تخلص: هاشمی
نام پدر: سید مقصود آغا
سال تولد: ۱۳۴۹
زادگاه: شهرستان حصه اول، روستای شهیدان بالا پشغور
تاریخ شهادت: ۲۸ اسد ۱۴۰۱
محل شهادت: روستای شهیدان بالا پشغور، شهرستان حصه اول

نام: شهید سمیع الله
تخلص: عثمانی
نام پدر: عبدالمجید
سال تولد: ۱۳۵۱
زادگاه: بازارک، روستای تلخه
تاریخ شهادت: ۱۷ حمل ۱۴۰۱
محل شهادت: کوه تلخه، بازارک

نام: شهید سیدالرحمان
تخلص: پنجشیری
نام پدر: نور اصغر
سال تولد: ۱۳۷۹
زادگاه: شهرستان رخه، روستای حصارک
تاریخ شهادت: ۲۲ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: ملم خاک حصارک،
شهرستان رخه



نام: شهید سعدالدین
تخلص: جلالی
نام پدر: محمد جلال
سال تولد: ۱۳۵۴
زادگاه: شهرستان دره، روستای عبدالله خیل
تاریخ شهادت: ۱۶ ثور ۱۴۰۱
محل شهادت: روستای سرپیل منجنستو،
شهرستان دره





نام: شهید سید کریم
تخلص: رضایی
نام پدر: سعادت خان
سال تولد: ۱۳۶۵
زادگاه: شهرستان دره، روستای عبدالله خیل
تاریخ شهادت: ۱۸ ثور ۱۴۰۱
محل شهادت: سرحوض لالان، شهرستان دره



نام: شهید سید فقیر
تخلص: پنجشیری
نام پدر: شاه محمد
سال تولد: ۱۳۶۹
زادگاه: شهرستان حصه اول، روستای برجمن
خینج
تاریخ شهادت: ۷ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: کوتل خاواک، شهرستان پریان



نام: شهید سید محی الدین
تخلص:
نام پدر:
سال تولد: ۱۳۶۴
زادگاه: شهرستان رخه، روستای مرگا
تاریخ شهادت: ۱۸ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: شهرستان رخه

نام: شهید سید الرحمن
تخلص: مجاهد
نام پدر: عبدالخلیل
سال تولد: ۱۳۶۴
زادگاه: شهرستان رخه، روستای مرستان
تاریخ شهادت: ۲۲ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: ملم خاک حصارک،
شهرستان رخه

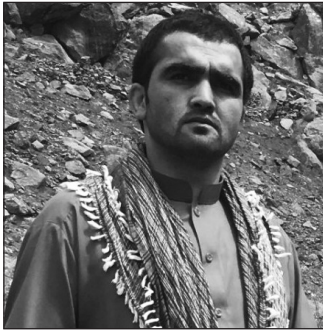


نام: شهید سردار احمد
تخلص: خانیزی
نام پدر: نثار احمد
سال تولد: ۱۳۵۱
زادگاه: بازارک، روستای نیازبیک خیل
تاریخ شهادت: ۱۵ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: تپه سریچه بازارک



نام: شهید شکرالله
تخلص: عصمتی پنجشیری
نام پدر: سخی الله
سال تولد: ۱۳۵۹
محل تولد: بازارک، روستای ملسپه
تاریخ شهادت: ۲۰ سرطان ۱۴۰۱
محل شهادت: بازارک، روستای آستانه کوه
شابه





نام: شهید شیرزمان
تخلص: ولی
نام پدر: محمدزمان
سال تولد: ۱۳۷۵
زادگاه: شهرستان رخش، روستای چمالورده
تاریخ شهادت: ۲۴ ثور ۱۴۰۱
محل شهادت: سفیدقول چمالورده،
شهرستان رخش

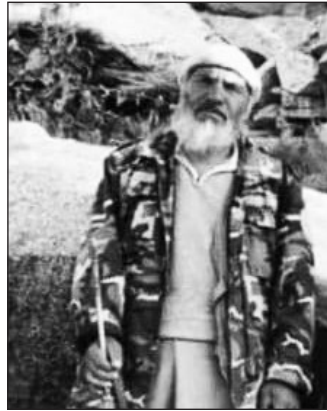


نام: شهید شمس الرحمان مشهور به بابہ
شمس
تخلص: پنجشیری
نام پدر: نظر محمد
سال تولد: ۱۳۵۶
زادگاه: شهرستان عنابه، روستای عنابه
تاریخ شهادت: ۱۳ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: بازار، شهرستان عنابه

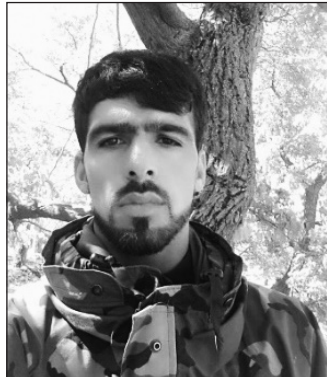


نام: شهید شیرالله
تخلص: رحمانی
نام پدر: شیربچه
سال تولد: ۱۳۷۵
زادگاه: شهرستان عنابه، روستای آبدره داداکلا
تاریخ شهادت: ۱۴ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: شهرستان عنابه، روستای
آبدره دهنه آبدره

نام: شهید شاه بچه
تخلص: پنجشیری
نام پدر: دوست محمد
سال تولد: ۱۳۳۸
زادگاه: روستای جنگل عمرض، شهرستان
حصه اول
تاریخ شهادت: ۲۱ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: کوه پوجاوه، شهرستان دره



نام: شهید شیرآغا
تخلص: پنجشیری
نام پدر: خداداد
سال تولد: ۱۳۷۵
زادگاه: روستای شصت، شهرستان رخه
تاریخ شهادت: ۱۷ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: روستای شیخان،
شهرستان رخه



نام: شهید شیرشاه
تخلص: نادری
نام پدر: شیریندل
سال تولد: ۱۳۷۳
زادگاه: شهرستان دره، روستای ملسپه
تاریخ شهادت: ۲۱ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: کوه پوجاوه، شهرستان دره





نام: شهید شیرزی
تخلص: محمودی
نام پدر: گل محمود
سال تولد: ۱۳۸۴
زادگاه: تندخو، شهرستان دره
تاریخ شهادت: ۱۴ ثور ۱۴۰۱
محل شهادت: کوه تندخو، دره

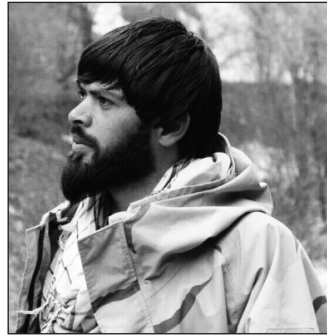


نام: شهید شاه فیصل
تخلص: محبتی
نام پدر: محمد اسحاق
سال تولد: ۱۳۶۶
زادگاه: روستای گیوچ، شهرستان دره
تاریخ شهادت: ۲۰ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: کوه پوجاوه، شهرستان دره

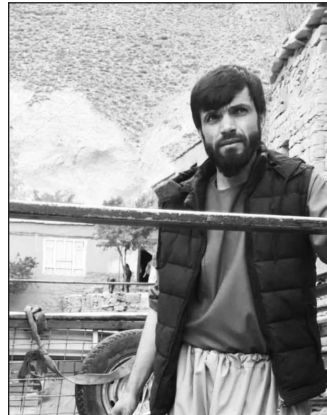


نام: شهید شیراحمد خان
تخلص: رحمانی
نام پدر: فضل الرحمان
سال تولد: ۱۳۴۹
زادگاه: شهرستان دره، روستای خواجه
عبدالله خیل
تاریخ شهادت: ۲۰ اسد ۱۴۰۱
محل شهادت: طیاره‌های سوختگی روستای
عبدالله خیل، شهرستان دره

نام: شهید شمشیرخان
تخلص: کریمی
نام پدر: خرم خان
سال تولد: ۱۳۷۴
زادگاه: شهرستان دره، روستای ده پیتاب
عبدالله خیل
تاریخ شهادت: ۲۲ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: ملم خاک حصارک،
شهرستان رخه



نام: شهید شیرحمله
تخلص: کریمی
نام پدر: حنظله
سال تولد: ۱۳۶۸
زادگاه: شهرستان دره، روستای ده پیتاب
عبدالله خیل
تاریخ شهادت: ۲۰ اسد ۱۴۰۱
محل شهادت: طیاره‌های سوختگی،
عبدالله خیل، شهرستان دره



نام: شهید شاهین
تخلص: پنجشیری
نام پدر: عبدالاحد
سال تولد: ۱۳۶۸
زادگاه: شهرستان رخه، روستای قابضان
تاریخ شهادت: ۲۴ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: روستای قابضان، شهرستان رخه





نام: شهید شیرین آغا
تخلص: سلطانی
نام پدر: عین الدین
سال تولد: ۱۳۶۸
زادگاه: شهرستان دره، روستای کنسار
عبدالله خیل
تاریخ شهادت: ۲۲ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: ملم خاک حصارک،
شهرستان رخه



نام: شهید شاه درویش
تخلص: سلطانی
نام پدر: محمد فقیر
سال تولد: ۱۳۶۷
زادگاه: شهرستان دره، روستای خواجه
عبدالله خیل
تاریخ شهادت: ۲۲ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: ملم خاک حصارک،
شهرستان دره



نام: شهید شاکر
تخلص: نظری
نام پدر: تاج محمد
سال تولد: ۱۳۷۵
زادگاه: شهرستان دره، روستای خواجه عبدالله خیل
تاریخ شهادت: ۲۲ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: ملم خاک حصارک، شهرستان رخه

نام: شهید شمس الرحمان
تخلص: احمدی
نام پدر: شمسی احمد
سال تولد: ۱۳۸۲
زادگاه: بازارک، روستای سنگانه
تاریخ شهادت: ۱۲ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: پای مزار شتل



نام: شهید شیرخان
تخلص: حساس
نام پدر: آصف خان
سال تولد: ۱۳۷۵
زادگاه: بازارک، روستای بادقول
تاریخ شهادت: ۱۵ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: بازارک روستای بادقول شیرالله



نام: شهید صدرالدین
تخلص: ملکزاده
نام پدر: فخرالدین
سال تولد: ۱۳۶۸
زادگاه: روستای کنتار عبدالله خیل،
شهرستان دره
تاریخ شهادت: ۲۲ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: ملم خاک حصارک





نام: شهید صیف‌الدین
تخلص: غفوری
نام پدر: عبدالغفور
سال تولد: ۱۳۷۸
زادگاه: شهرستان حصه اول، روستای زنه عمرض
تاریخ شهادت: ۱۱ قوس ۱۴۰۰
محل شهادت: روستای زنه عمرض،
شهرستان حصه اول



نام: شهید ضیاءالرحمان
تخلص: پنجشیری
نام پدر: غلام‌رسول
سال تولد: ۱۳۶۹
زادگاه: شهرستان عنابه، روستای کلانترخیل
آبدره
تاریخ شهادت: ۱۴ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: روستای آبدره، شهرستان
عنابه



نام: شهید ضیاءالرحمان
تخلص: رحیمی
نام پدر: نیک محمد خان
سال تولد: ۱۳۷۹
زادگاه: شهرستان رخه، روستای حصارک
تاریخ شهادت: ۲۲ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: ملم خاک حصارک،
شهرستان رخه

نام: شهید طورعباس خان دره

تخلص: دره‌ای

نام پدر: عبدالاحد خان

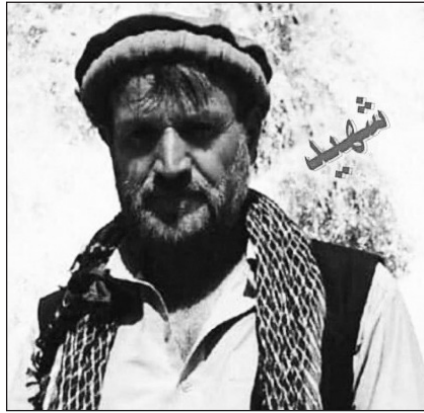
سال تولد: ۱۳۷۵

زادگاه: شهرستان دره، روستای پوجاوه

تاریخ شهادت: ۲۰ سنبله ۱۴۰۱

محل شهادت: کوه پوجاوه، شهرستان دره





شهید فرمانده عبدالکریم وزیری

شهید فرمانده عبدالکریم وزیری فرزند فقیرمحمد در سال ۱۳۴۱ در روستای ماله بازارک پنجشیر دیده به جهان گشود. دوره آموزش ابتدایی را نزد ملا امام مسجد زادگاهش فراگرفت و نسبت مشکلاتی که داشت نتوانست شامل مکتب شود، با کودتای هفت ثور و پیروزی حزب کمونیست، فرمانده وزیری به جمع مجاهدین تحت رهبری آمرصاحب شهید درمی آید. او که شانزده سال بیشتر عمر ندارد، وظیفه مهمی را به دوش دارد. ارتباط دهی قرارگاه های بازارک را با آمرصاحب تأمین می کند. وی در ۱۳۵۸ دوباره به کابل رفت؛ بعد از یک سال به جبهه برگشت و منحیث یک مجاهد در قرارگاه تلخه انجام وظیفه نمود. وی در اوایل سال ۱۳۶۰ همراه با قوماندان صاحب محمدسعید خان در قطعه گارد، محافظ آمرصاحب بود و این همزمان بود با حملات سنگین روس ها به پنجشیر. وی آمرصاحب را در ساحات ولایت اندراب، خوست فرنگ، نهرین اشکمش و گذرگاه نور محافظت می کرد تا این که در اخیر برج جوزای همان سال همراه آمرصاحب دوباره داخل پنجشیر می شود و از قرارگاه هایی چون

شهرستان دره‌الی فراج از قرارگاه مجاهدین دیدن نموده و هدایت لازم را از طرف آمرصاحب به قرارگاه‌ها می‌رساند و شخص آمرصاحب در شهرستان آبشار (دره‌هزاره) حضور دارند. در این هنگام مجاهدین قرارگاه‌های منجهور و تلخه عملیات خود را بالای گارنیزیون رحمان خیل که عمدتاً روس‌ها بودند، آغاز می‌کنند و در جریان این حمله، تلفات سنگین به دشمن وارد می‌شود.

پس از آن دشمن دست به عملیات تلافی جریانه می‌زند و فرمانده وزیری با همراهی آمرصاحب از دره‌هزاره که نام سابق شهرستان آبشار است، از طریق کوتل‌های مرتفع به سفیدچهر می‌روند و از آن جای به طرف قرارگاه‌های پیتاب و از خنج الی شتل بازدید می‌نمایند. تا سال ۱۳۶۵ فرمانده وزیری در قطعۀ گارد محافظ آمرصاحب شهید انجام وظیفه نمود و در اواسط سال ۱۳۶۵ به صفت معاون نماینده پنجشیر در معدن لاجورد از طرف آمریت پنجشیر گماشته شدند. این زمانی است که جنگ بین حزب اسلامی و جمعیت اسلامی در بدخشان شعله‌ور است و تا این که سید علی فرمانده حزب اسلامی بالای معدن لاجورد بدخشان حمله نمود و معدن را افراد حزب جمعیت اسلامی اشغال می‌نمایند و مجاهدین حزب جمعیت اسلامی به ولسوالی فرخار ولایت تخار عقب‌نشینی می‌کنند و فرمانده وزیری دوباره به قرارگاه تلخه که در دره‌پرنگال دره‌هزاره بود، برگشت؛ تا این که در برج جوزای ۱۳۶۷ و شکست روس‌ها از پنجشیر، فرمانده وزیری دوباره به کار عادی خود که همانا دوکانداری بود، رومی آورد و در روستایش بناکریم دوکان دار معروف می‌شود. وی دوست داشت که زندگی عادی خود را پیش ببرد. در ۱۳۷۱ وی دوباره در صف مجاهدین می‌پیوندد و تا سقوط رژیم دکتر نجیب‌الله آخرین رئیس جمهور حزب کمونیست در کندک دوم بازارک می‌باشد و وارد شهر کابل می‌شود. او در کابل به مدت دو سال در صف مجاهدین میماند. عملکرد

مجاهدین را در تضاد با شعارشان می بینند و دوباره از صف مجاهدین جدا شده و عازم پنجشیر می گردند و مصروف دوکانداری خویش می شود.

فرمانده وزیری شهید در بیست سال نظام جمهوریت زندگی عادی داشت و از دوکانی که داشت امرار معیشت خود و خانواده خود را تأمین می کرد. ایشان به زندگی پرزرق و برق علاقه نداشت و عزت را نسبت به بی عزتی ترجیح داده بود و به زندگی عادی خود ادامه می داد تا این که در برج سرطان سال ۱۴۰۰ ولسوالی های یکی پی دیگری در حال سقوط بود. حس وطن دوستی و مجاهدت وی را اجازه نداد تا راحت بنشینند و در تشکیل قرارگاه تلخه قوماندان حوزه قریه ماله از طرف مردم تعیین گردید و مصروف نظم نظام در قریه بود که دشمن در ۲۴ اسد ۱۴۰۰ کابل بایتخت را اشغال نمود و افغانستان بار دیگر در زیر حاکمیت سیاه گروه طالبان قرار گرفت. در این ناامیدی، امیدی تازه خلق شد و احمد مسعود فرزند قهرمان ملی حاکمیت طالبان را نپذیرفت و علیه شان اعلام جنگ کرد. دشمن آمادگی حمله بالای پنجشیر را داشت. فرمانده وزیری با تعدادی از مجاهدین به تاریخ ۹ سنبله ۱۴۰۰ به سنگرهای دفاع از پنجشیر در نقطه پای مزار واقع گلبار جابه جا شدند و جنگ بین نیروهای تحت رهبری احمد مسعود که فرمانده وزیری در بخشی حضور دارد، آغاز می شود و در این جنگ فرمانده وزیری به تاریخ ۱۰ سنبله ۱۴۰۰ به درجه رفیع شهادت نایل می شود.



شهید قوماندان عبدالودود رشیدی

مردی از تبار آزادگان، مجاهد و معتقد به آزادی، شاعرو با طبیعت عارفانه عبدالودود رشیدی فرزند شیرین خان نامی که برای اکثر مجاهدان در پنجشیر و سایر نواحی آشنا بود. او در یک خانواده روستایی مذهبی و عارف در روستای رحمن خیل یکی از قریه های بازارک پنجشیر چشم به جهان هستی گشود. تولد این مجاهد مصادف با زمانی است که افغانستان در کشاکش تمامیت خواهی و آزادی طلبی قرار داشت از آن زمان جریان های سیاسی آهسته آهسته جان می گرفتند. قوماندان دوران کودکی را در سرزمین آبایی اش سپری کرده و راهی مکتب گردید. وی دوره تعلیمی خود را در سال ۱۳۵۸ به پایان رساند. او که شاگرد صنف دوازدهم لیسه عالی رخه بود، جذب گرایش ها گردید. هنوز نوجوان بود که مورد تعقیب و قید و بندهایی از طرف جریان های سرکوب گرایانه نظام وقت قرار گرفت. او بدون انصراف مشتاقانه به مبارزه پرداخت و در جهاد مسلحانه تحت قیادت فرمانده احمد شاه مسعود که در دره پنجشیر رهبری می شد، شرکت نموده و عضویت در قطعات متحرک را داشت.

در ابتدا در قطعۀ متحرک تحت فرماندهی شهید قوماندان غلام علی که بعد از شهادت او مسئولیت گروپ شان را شهید قاری کمال خان به دست گرفت، حضور داشت. قوماندان رشیدی مدتی را معاون قرارگاه پارنده به قوماندانی بابه جلندر عهده دار بود. این نوجوان مسلمان برای آزادی و جهاد در برابر اشغال شوروی در بسا نقاط افغانستان از مناطق مرکزی تا دامنه های سفیدکوه و از شمال کابل تا دامنه های پامیر به مبارزه پرداخت.

همین که اشغال شوروی پایان یافت و فتح بزرگ توسط مجاهدین در سال ۱۳۷۱ صورت گرفت، وی توانست به قوماندانی کندک اوپراتیقی امنیت کابل اخذ موقوف نماید. وی برای حفظ دولت اسلامی در برابر طاغیان و اخلاص گران در کنار برادران مجاهد خود در سنگرزوم باقی ماند و در این درگیری ها از طرف گروه هایی که حرص و آز قدرت طلبی چشم شان را کور و گوش هایشان کرساخته بود، مورد اصابت گلوله قرار گرفت. دولت اسلامی به رهبری استاد برهان الدین ربانی آرزویی بود که مردم افغانستان سال های دراز انتظار آن را می کشیدند، ولی به زودی با دخالت کشورهای که منافع شان را در حکومت مجاهدین نمی دیدند، جنگ ها دوباره از سر گرفته شد و آزادی به دست آمده در نتیجه هزاران شهید، معلول و معیوب در کشور و همچنان آوارگان میلیونی، دچار تزلزل و ضعف گردید. دوباره کابل به رگبار راکت های کور بسته شد.

در میان این همه خفقان و آواره گی، خلأ قدرت در کابل حاکم شد و نتوانست حاکمیت را در همه جغرافیای کشور تمثیل کند. چنین فرصتی زمینۀ ظهور طالبان را فراهم ساخت. احمدشاه مسعود برای جلوگیری از خون ریزی در کابل به نیروهای خود دستور عقب نشینی به وادی پنجشیر داد. البته در این مقطع خطیر و آزمون بزرگ برای مردم این سرزمین، قوماندان رشیدی مسئولیت خط جنگ در قسمت های پای منار شتل را داشت و پس از آن به اجرای

وظایف محاربوی در سِمت قوماندانی و معاونیت قطعاً ضربتی بازارک عازم مناطق مختلف در شمال هندوکش گردید. جنگجو بودن و دلاوری‌های این مجاهد دلیرانه تنها برای هم‌زمان، بلکه از وجود پاره‌پاره‌اش که ناشی از اصابت مرمی و خمپاره بود، به وضوح قابل مشاهده بود.

سال‌های ۱۳۷۹ - ۱۳۸۰ که وضعیت از بدترین حالت داشت تغییر می‌کرد و گستره مقاومت به دامنه جغرافیای افغانستان پهن گردیده بود، حادثه‌ای ملت مجاهد افغانستان را ماتم‌زده‌تر از قبل ساخت و آن شهادت قهرمان ملی کشور شهید احمدشاه مسعود بود. قوماندان رشیدی در این برهه از زمان در قسمت‌های کلکته خواجه بهاء‌الدین ولایت تخار در خط معرکه قرار داشت. پس از حادثه علمناک شهادت قهرمان ملی کشور، برج‌های دوگانه آمریکا هدف حملات مرگباری قرار گرفت که زمینه‌ساز این شد تا افغانستان جولانگاه امپریالیزم غرب قرار گیرد. مجاهدین در تباری با نیروهای بین‌المللی عازم کابل گردیده و نظام جدید را بنیان گذاشتند. قوماندان مسئولیت قوماندانی غند۲ تانک فرقه پنجشیر را به عهده داشت. او در این زمان به یک سفر آموزشی راهی کشور ترکیه گردید و به آموزش یک دوره از آموزش‌های نظامی در مکتب پیاده پرداخت که با اتمام این دوره و کسب مدرک دوباره به کشور عودت نمود. برای مدت کوتاهی در نظام جدید اجرای وظیفه کرد. اما ایمان داری، حس آزادی‌خواهی و سلحشوری‌اش وی را آرام نگذاشت. همین بود که ترک نظام کرده و فعالیت‌های خویش را سرعت بخشید. او زیر چتر سازمانی به نام مجاهدین آزادی‌خواه افغانستان از سال ۱۳۸۱ آغاز به کار نمود. هرچند او عضویت حزب جمعیت اسلامی افغانستان را داشت ولی در این زمان جمعیت اسلامی افغانستان بنیاد نظام را شکل داده بود.

سازمان مجاهدین آزادی‌خواه افغانستان به صورت مخفی به فعالیت‌های

فرهنگی، سیاسی و نظامی می‌پرداخت. با این‌که زندگی قوماندان رشیدی سخت و دشوار می‌گذشت، ولی او امیدوارانه ادامه می‌داد. قوماندان مسئولیت‌های نظامی سازمان را عهده‌دار بود. در این ساختار، این سازمان با جمع‌بزرگی از آزادی‌خواهان که اکثراً قشر آگاه، جوان و تحصیل‌کرده را تشکیل می‌داد، فعالیت داشتند.

رشیدی در کنار فعالیت‌های نظامی، کارهای فرهنگی نیز می‌کرد. او با اشعار و سروده‌های خویش ترانه‌های آزادی‌سرداده و گاه‌آبه نقد و انتقاد می‌پرداخت. با آن‌که نسخه‌های اشعار او به شکل جمع‌آوری نشده بسیار زیاد است، اما یک مجموعه شعر او زیر عنوان «اشغال ستیز» که به صورت مسوده‌ی قبل از چاپ در دست رس قرار دارد، موجود می‌باشد.

گر نبودیم

| | |
|--|---------------------------------------|
| در جهان گرمان نبودیم باقی است اخبار ما | افتخار ما جهاد است همچنان پیکار ما |
| لشکری آزاده‌ایم و جمله‌گی سرداده‌ایم | قوت روسی شکستیم، این بود آثار ما |
| در نبرد حق و باطل پیشتازیم در جهان | پشتیبانی مظلومان اندیشه و افکار ما |
| این زمان اشغال کردند میهن ما غریبان | می‌شود چون تار و مار این دشمن غدار ما |
| جای پای غریبان و چاکران پنجشیر نیست | دیده است شمشیر ما را چاکرو اغیار ما |
| ملتی آزاده‌ایم آزادگی آرمان ماست | نعرهٔ تکبیر گویند مردم بیدار ما |
| از فساد این غلامان میهنم آلوده شد | عاقبت نابود گردان دشمن مکار ما |
| روزی که حماسه آورد جاهدان راه حق | درج تاریخش بماند یادگار از کار ما |

روسیان شرمنده گشتند، غریبان شرمنده‌تر

ای رشیدی از نبرد مردم دیندار ما

او مدتی را با توطئه‌های شرمگین تعدادی در زندان سپری نمود. روزهای سخت برای آزادی‌خواهی. روزگاری است که آقای کرزی براریکهٔ قدرت

افغانستان با برگزاری اولین انتخابات و شکل‌گیری نظام جمهوریت بر پایهٔ دموکراسی تکیه نموده است. زمانی که هر روز توطئه‌های جدید بر ضد مجاهدین چیده می‌شد. در این روزگار، حکومت محلی پنجشیر هم دست روی دست نبوده، بلکه او هم نظربه سهمی که برایش می‌رسید، در پی توطئه‌چینی بود. رئیس امنیت وقت پنجشیر محمدمسالم که از نزدیکان امرالله خان صالح بود و در تبانی با جناب عالی به فعالیت‌هایی در این دوره می‌پرداختند. سالم خان در اجرای امرآمر خود هیچ کوتاهی نمی‌کرد. این زمان روزهایی است که قوماندان تحت نظارت و تعقیب قرار دارد. نقل قولی که آن زمان از جناب قوماندان رشیدی شهید شنیدم، برایم گفت بین خیانت و جفا تا کجاست و مزدورانی که برای مقدار اندکی پول چه کارها می‌کنند. او از یک دوست خود که حامل نامه‌ای بود، حکایت کرد: جناب قوماندان صاحب پیام (شفری) از مرکز مواصلت ورزیده است که برایم داد خواندم. نوشته بود بسیار کوتاه و قاطع «عبدالودود ولد شترین خان از روستای رحمن خیل چیزهایی به گفتن دارد، هرچه عاجل گرفتار و به مرکز اعزام بدارید». این متن از آدرس امرالله خان صالح مورد تأیید قرار گرفته بود. با آن‌که تلاش‌های زیادی برای تطبیق آن صورت گرفت، ولی موفق به دست‌گیری من نگردیدند. این روزهایی است که مجاهدین در نتیجهٔ عملی کردن برنامه (دی - دی - آر) از ساختار نظام طرد و با فقر شدید دست و پنجه نرم می‌کردند. وضعیت پیش آمده فرصت را غنیمت ساخته بود که سلاح‌های باقی مانده در دست مجاهدین پنجشیر از آدرس ارگان حکومتی ذکر شده با پرداخت پول دوبرابر نرخ بازار عملی گردد.

بعد از مدتی مرزارحیم خان از قوماندانان نیک‌نام پنجشیر عهده‌دار ریاست امنیت پنجشیر گردید و از امرالله خان خبری نیست. چون او سلب صلاحیت

گردیده است. مرزا رحیم خان روابطش با مجاهدین خوب بود. دیری نگذشته بود که شخص دیگری به صفت رییس امنیت ملی پنجشیر تعیین گردیده بود، توطئه‌ها از سر گرفته شد. همه با آن آشنایی دارند. این زمان به قید و بند کشیدن‌ها، ترور شخصیت مجاهدین و علمای نیک‌نام و مؤمن که نمونه‌های زیادی را مردم مجاهدپور پنجشیر به خاطر دارند. البته در این توطئه‌ها افراد دیگری نیز کمتر از آمران خود تلاش نکردند. این‌ها با یک توطئه بی‌بنیاد، قوماندان رشیدی را در قسمت‌های درب ورودی دالان سنگ ولایت پنجشیر دستگیر کردند که با به اثبات نرسیدن اتهام و پادرمیانی تعدادی از مجاهدین و علما آزاد گردید. آن چه را که ناگفته نباید گذاشت، تصمیم مردانه و متین تعدادی از همسنگران این مجاهد مرد آزاده است که می‌خواستند قضیه را طور دیگری تلافی کنند؛ یعنی به صورت سخت و نظامی که در این جمع از علمای صاحب نقش، مولوی صاحب فضل‌الله و از مجاهدین قوماندان نورالله خان و قوماندان باب‌ه حکیم‌الله و تعداد زیادی از جوانان حضور داشتند. البته چنین اقدامی به سود صاحبان قدرت در حکومت محلی پنجشیر نبود. مجبور شدند در برابر آن‌ها کوتاه بیایند. آن چه آفتابی شد، سبب خجالت و شرمساری حاکمان محلی نگردید و برنامه دستگیری وی را در شهر کابل تدارک دیدند که در نتیجه قوماندان رشیدی راهی زندان شد و چند مدتی را در زندان سپری نمود.

در این شب و روزها کسانی که خود را حافظان قسم خورده کشور می‌خواندند در پی ترور به اصطلاح خودشان خائنان بودند. برای عملی شدن برنامه‌های شوم‌شان شرط‌بندی‌ها و تعیین جوایزی انجام می‌شد که در تاریخ گذشته این کشور بی سابقه نیست. در یک چنین شیطنت‌های حاکمان، تعدادی شکار و تعدادی جان به سلامت بردند. مانند قوماندان حکیم‌الله خان از روستای

نولیح، مجاهد نیک‌نام و ایمان‌دار که او جان به سلامت برد. آن چه محتوای این نوشته را شکل داده است، بزرگانی در این دیار آن را به خاطر دارند که برای قتل این آزادمردان همانند قریشیان عصر پیامبر، برنامه قتل او را می‌چیدند و از هر قومی یکی را شامل می‌کردند تا جرم آن به یک قوم نسبت داده نشود. این‌ها همچنان از یکدیگر امضا جمع‌آوری کرده تا از این ثواب بی‌بهره نمانند.

پایان سیطره غرب در کشور که غالباً به معامله‌ای در دوحه نسبت داده می‌شود، بار دیگر سایه تاریک بر فراز کشور افغانستان دامن‌گستراند. این بار امتحان دیگری از راه رسید. آن‌هایی که دم از وطن‌دوستی، حفاظت و حراست از وطن را می‌زدند، بار و بند بسته فرار به خارج از کشور را در پیش گرفتند. در این مقطع تاریخی قوماندان با عزم راسخ آزادی را ترجیح داد و مردانه در کنار یاران آزاده خویش که هریکی قوماندان حشمت‌الله ظهور، استاد احمد عزیز، ذبیح‌الله رشیدی، محمدکریم، عبدالواحد خان شجاعانه ایستاد و خون خویش را در کنار درخت آزادی ریخت روح او در کنار ارواح سایر شهدای صاحب‌نام و گمنام این مرز و بوم شاد و یادشان گرامی، راهشان پر رهرو باد.



نام: شهید عبدالغیور
تخلص: پنجشیری
نام پدر: نصرالله
سال تولد: ۱۳۷۰
زادگاه: شهرستان رخنه، روستای حصارک
تاریخ شهادت: ۲۲ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: ملم خاک حصارک،
شهرستان رخنه

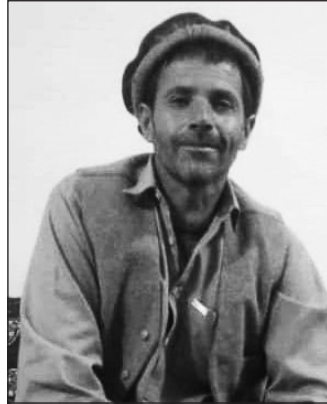


نام: شهید عزیزالدین
تخلص: پنجشیری
نام پدر: خداداد
سال تولد: ۱۳۶۵
زادگاه: شهرستان رخنه، روستای حصارک
تاریخ شهادت: ۲۲ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: ملم خاک حصارک،
شهرستان رخنه



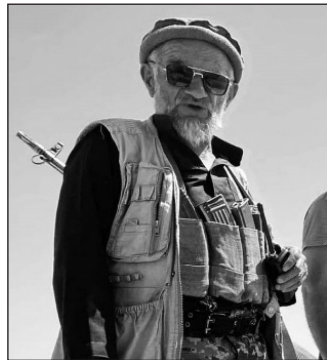
نام: شهید عبدالحمید
تخلص: کماندو
نام پدر: عیسی خان
سال تولد: ۱۳۷۶
زادگاه: بازارک
تاریخ شهادت: ۲۲ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: ملم خاک حصارک،
شهرستان رخنه

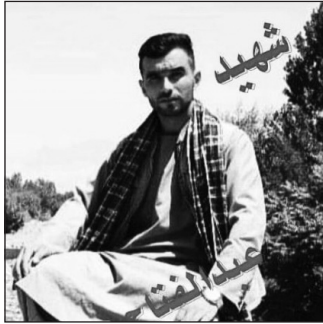
نام: شهید عبد الرشید
تخلص: پنجشیری
نام پدر: شیرین دل
سال تولد: ۱۳۶۹
زادگاه: شهرستان عنابه، روستای آبدره
استایچه
تاریخ شهادت: ۱۵ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: شهرستان عنابه، روستای
آبدره الوک



نام: شهید عبدالفقیر
تخلص: رحمانی
نام پدر: عبدالرحمان
سال تولد: ۱۳۵۷
زادگاه: روستای مرجان عبدالله خیل،
شهرستان دره
تاریخ شهادت: ۱۹ ثور ۱۴۰۱
محل شهادت: پنجشیر، دره عبدالله خیل

نام: شهید حاجی عیدی محمد
تخلص: مجاهد
نام پدر: عبدالستار
سال تولد: ۱۳۴۲
زادگاه: بازارک منجهور
تاریخ شهادت: ۹ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: سرکوه پای مزار شتل





نام: شهید عبدالفتاح
تخلص: مجاهد پنجشیری
نام پدر: قادر خان
سال تولد: ۱۳۷۴
زادگاه: شهرستان عنابه، روستای الوک آبدره
تاریخ شهادت: ۱۵ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: شهرستان عنابه، روستای
الوک آبدره



نام: شهید عنایت الله
تخلص: پنجشیری
نام پدر: عبدالاحمد
سال تولد: ۱۳۶۹
زادگاه: شهرستان رخه، روستای قابضان
تاریخ شهادت: ۱۴ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: شهرستان رخه، روستای
قابضان



نام: شهید عبدالوهاب
تخلص: پنجشیری
نام پدر: محمد موسی
سال تولد: ۱۳۷۸
زادگاه: شهرستان رخه، روستای مرشتان
تاریخ شهادت: ۲۲ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: ملم خاک حصارک،
شهرستان رخه

نام: شهید عبدالسمیع خان

تخلص: کریمی

نام پدر: محمد موسی

سال تولد: ۱۳۴۹

زادگاه: شهرستان دره، روستای قلعه

عبدالله خیل

تاریخ شهادت: ۱۷ ثور ۱۴۰۱

محل شهادت: مرجان عبدالله خیل



نام: شهید عبدالله خان

تخلص: مجاهد پنجشیری

نام پدر: ملک خان

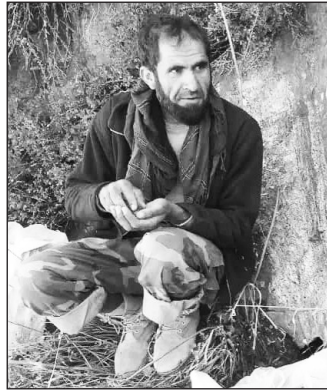
سال تولد: ۱۳۳۴

زادگاه: شهرستان دره، روستای عبدالله خیل

تاریخ شهادت: ۲۲ سنبله ۱۴۰۱

محل شهادت: ملم خاک حصارک،

شهرستان رخه



نام: شهید عبدالقادر

تخلص: پنجشیری

نام پدر: جانداد خان

سال تولد: ۱۳۶۷

زادگاه: شهرستان دره، روستای ده دارو

عبدالله خیل

تاریخ شهادت: ۲۲ سنبله ۱۴۰۱

محل شهادت: ملم خاک حصارک،

شهرستان رخه





نام: شهید عبدالانس
تخلص: پنجشیری
نام پدر: محمد اکبر
سال تولد: ۱۳۸۰
زادگاه: شهرستان رخه، روستای حصارک
تاریخ شهادت: ۲۲ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: ملم خاک حصارک،
شهرستان رخه

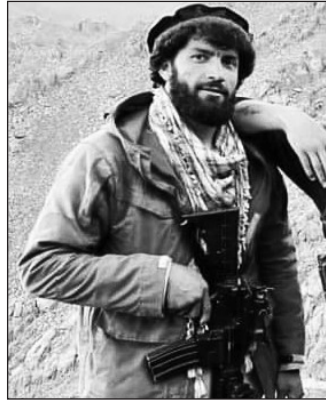


نام: شهید عبدالعظیم
تخلص: پنجشیری
نام پدر: عبدالحسن
سال تولد: ۱۳۶۴
زادگاه: شهرستان عنابه، روستای زمانکور
تاریخ شهادت: ۵ حوت ۱۴۰۰
محل شهادت: دره آرزو



نام: شهید محمد عمر
تخلص: عاصی
نام پدر: مهراالله
سال تولد: ۱۳۷۳
زادگاه: بازارک، روستای آستانه
تاریخ شهادت: ۲۰ سرطان ۱۴۰۱
محل شهادت: کوه شابه آستانه

نام: شهید عبدالرقيب
تخلص: شتلی
نام پدر: صاحب خان
سال تولد: ۱۳۶۸
زادگاه: روی دره، شهرستان شتل
تاریخ شهادت: ۱۸ ثور ۱۴۰۱
محل شهادت: روی دره، شهرستان شتل



نام: شهید عبدالمتین
تخلص: ظریفی
نام پدر: عبدالملک
سال تولد: ۱۳۵۴
زادگاه: شهرستان حصه اول، روستای
جربیش خینج
تاریخ شهادت: ۱۴ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: کوتل خاواک، شهرستان
پریان



نام: شهید عزیزالله خان
تخلص: زمرد
نام پدر: زرداد خان
سال تولد: ۱۳۵۱
زادگاه: شهرستان رخه، روستای چمالورده
تاریخ شهادت: ۴ جوزای ۱۴۰۱
محل شهادت: قرارگاه چمالورده، منطقه
سفیدقول

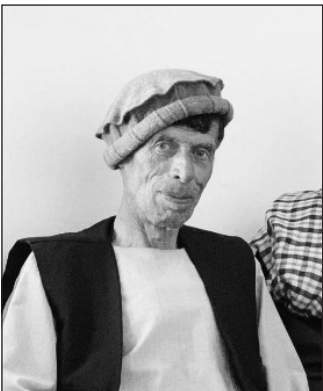




نام: شهید پهلوان عبدالمتین گذرگاه
تخلص: پنجشیری
نام پدر: عبدالمبین خان
سال تولد: ۱۳۷۰
زادگاه: شهرستان عنابه، روستای آبدره
تاریخ شهادت: ۲ حوت ۱۴۰۰
محل شهادت: دره آرزو



نام: شهید علام‌الدین
تخلص: پنجشیری
نام پدر: جلندر خان
سال تولد: ۱۳۷۳
زادگاه: شهرستان دره روستای کنسار
عبدالله خیل
تاریخ شهادت: ۲۲ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: ملم خاک حصارک،
شهرستان رخه



نام: شهید عطاءمحمد
تخلص: رحمانی
نام پدر: عبدالوهاب
سال تولد: ۱۳۵۳
زادگاه: بازارک، روستای رحمان خیل
تاریخ شهادت: ۱۵ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: رحمان خیل بازارک

نام: شهید عبدالفتاح
تخلص: کوهسار
نام پدر: توپل خان
سال تولد: ۱۳۴۳
زادگاه: شهرستان عنابه، روستای الوک آبدره
تاریخ شهادت: ۱۲ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: دربند فراج شهرستان عنابه



نام: شهید عیدی محمد
تخلص: عبدالله خیلی
نام پدر: ابن یمین
سال تولد: ۱۳۷۲
زادگاه: شهرستان دره، روستای خواجه
عبدالله خیل
تاریخ شهادت: ۲۲ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: ملم خاک حصارک،
شهرستان دره



نام: شهید عین الله
تخلص: محمودی
نام پدر: گل محمود
سال تولد: ۱۳۵۰
زادگاه: شهرستان دره، روستای تندخو
تاریخ شهادت: ۱۶ ثور ۱۴۰۱
محل شهادت: زیر تندخو، شهرستان دره





نام: شهید علی احمد
تخلص: علی زاده
نام پدر: ضرارا احمد
سال تولد: ۱۳۷۶
زادگاه: شهرستان دره، روستای ملیمه
تاریخ شهادت: ۲۲ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: ملم خاک حصارک،
شهرستان رخه



نام: شهید عجازالحق
تخلص: نادری
نام پدر: عبدالپذیر
سال تولد: ۱۳۶۹
زادگاه: شهرپشاور پاکستان
تاریخ شهادت: ۱۴ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: بازاربخشی خیل، شهرستان
رخه



نام: شهید عبدالرقيب
تخلص: قاضی زاده
نام پدر: عبدالقيوم
سال تولد: ۱۳۶۸
زادگاه: شهرستان عنابه، روستای عنابه
تاریخ شهادت: ۱۶ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: حوض پشته، شهرستان عنابه

نام: شهید جنرال عبدالودود

تخلص: زره

نام پدر: عبدالقدوس

سال تولد: ۱۳۴۱

زادگاه: بازارک جنگلک

تاریخ شهادت: ۱۴ سنبله ۱۴۰۰

محل شهادت: روستای دشتک، شهرستان

رخه



نام: شهید عبدالعلی

تخلص: دانشیار پنجشیری

نام پدر: عبدل آغا

سال تولد: ۱۳۷۰

زادگاه: شهرستان حصه اول، روستای

کچاورگ، پشغور

تاریخ شهادت: ۲۰ ثور ۱۴۰۱

محل شهادت: منطقه دوابی کوه‌های جوکار،

پشغور





شهید فرمانده عبدالرئوف کلانترزاده

فرمانده عبدالرئوف کلانترزاده فرزند عبدالرزاق در سال ۱۳۴۲ در یک خانواده متدین و مسلمان در روستای چمالورده شهرستان رخه پنجشیر دیده به جهان گشود. نامبرده تعلیمات ابتدایی را در مدرسه پیاوشت فراگرفت. عبدالرئوف کلانترزاده هنوز مشغول کسب علوم دینی بود که شوروی ها از زمین و هوا بر افغانستان حمله نمودند و کشور را اشغال کردند.

ایشان به سان سایر جوانان بادرک و با احساس هنگامی که افغانستان را تحت اشغال شوروی دیدند، ادامه تحصیل را بر خود حرام دانسته در سال ۱۳۵۹ به صف جهاد علیه اشغالگران روس تحت رهبری احمدشاه مسعود پیوست. فرمانده عبدالرئوف کلانترزاده در سال ۱۳۶۱ شامل قطعه ضربتی اول به فرماندهی میرآقای شهید شد و به عنوان معاون بلوک تعیین گردید. قطعه ضربتی پس از یک ماه آموزش نظامی توسط محمد صالح شهید بر اساس هدایت آمر صاحب جهت تصفیة اندراب ها عازم آن ولسوالی ها گردید. عبدالرئوف در تمامی عملیات های تصفیوی اندراب ها و لرخواب سهم فعال

داشت. وی مدت سه ماه تمام در اندراب‌ها ماند. کلانترزاده بعد از تصفیة کامل اندراب‌ها و لرخواب دوباره به پنجشیر برگشت. هنوز چند روزی از بازگشت قطعۀ ضربتی از لرخواب نگذشته بود که هدایت داده شد تا قطعۀ ضربتی اول قرارگاه چمالورده به کوه صافی برود. فرمانده کلانترزاده بدون احساس خستگی و ملالت عازم دشت سادلا سپس به ابدی بای و بگرام و از آن جا عازم کوه صافی شد.

در کوه صافی جنگ از مدت‌ها میان فرمانده نیازی یکی از فرماندهان حزب اسلامی به رهبری گلبدین حکمتیار، و مولوی شفیع‌الله یک‌تن از فرماندهان حرکت انقلاب اسلامی به رهبری مولوی نبی و مولوی عارف فرمانده جمعیت اسلامی، جریان داشت.

با رسیدن سه قطعۀ ضربتی به فرماندهی حاجی رشید گوهر خان میان طرفین نخست آتش بس و سپس صلح برقرار شد و فرمانده کلانتری و قطعۀ ضربتی پس از سه ماه انجام وظیفه به پنجشیر بازگشت.

ایشان در اکثر جنگ‌های بزرگ قرارگاه چمالورده علیه روس‌ها سهم فعال داشته که از آن جمله می‌توان از حمله بالای کاروان روس‌ها در گرگ‌آب روستای آبداه و لسوالی رخه در سال ۱۳۶۳ نام برد.

در سال ۱۳۶۳ قطعۀ ضربتی اول قرارگاه چمالورده به رهبری میرآقای شهید طی کمینی در روستای پای چنار بیش از ۱۰ تن از نیروهای حکومت نجیب را از پا درآورد و یک میل سلاح کلاشینکوف به غنیمت گرفته شد. در همین سال دو قطعۀ ضربتی اول به فرماندهی میرآقای شهید و قطعۀ دوم به فرماندهی عبدالحکیم شهید بالای مدرسه قابضان که عساکر حکومت کارمل در آن مستقر بودند، حمله را انجام دادند. در این حمله هرچند مدرسه فتح نشد، اما به دشمن تلفات سنگینی وارد شد.

فرمانده کلانترزاده در این دو حمله از خود شهامتی کم نظیر نشان داد. وی در سال ۱۳۶۴ همراه با فرمانده بابه جان گلستانی قوماندان ضربتی دوم قرارگاه چمالورده که تازه به عوض عبدالحکیم شهید تعیین شده بود، حمله‌ای را بالای پوسته تپه ریگ سیاه انجام دادند که در نتیجه ۱۴ تن از نیروهای حکومت کمونیستی وقت اسیر و ۱۴ میل سلاح کلاشینکف یک میل پیکا و یک قبضه تفنگچه به دست مجاهدین افتاد.

در این حمله عبدالرئوف کلانترزاده و قوماندان بابه جان گلستانی به شدت زخمی شدند و همین قسم حمله بر پوسته کردک‌ها حمله بر موضع ده‌شکه سردندان و جنگ سفید آزار انجام شد که فرماندهی جنگ را محمدحشم به دوش داشت. در این حمله یک میل کلاکوف توسط فرمانده عبدالرئوف خان به غنیمت گرفته شده بود. کلانترزاده از جمله فدایی‌های قرارگاه چمالورده بود که در اکثر جنگ‌ها، چه در دوران اشغال شوروی سابق بالای افغانستان و چه در دوره مقاومت اول از پنجشیر گرفته تا پروان، کاپیسا، تخار، بغلان، بلخ، کابل، پکتیا، پکتیکا، غزنی، لوگر اشتراک فعالانه نموده و افتخارات زیادی را در کارنامه خود رقم زد. و با پیروزی مجاهدین و ایجاد حکومت اسلامی، وی به زندگی عادی خود ادامه داده و کدام مسئولیتی نداشت و تا این که حکومت جمهوری اسلامی به دست طالبان سقوط کرد. فرمانده عبدالرئوف کلانترزاده اسارت را ننگ و زندگی زیر چتر ظلم را عار دانست و بار دیگر به محل آبی‌اش پنجشیر برگشت و سلاح دور جهاد خویش را به شانه انداخته و به حیث فرمانده ضربتی قرارگاه چمالورده برای دفاع از عزت خاک و ملت خود در خط مقدم جنگ در «دالان سنگ» دروازه وردی پنجشیر حضور فعال داشت تا این که پنجشیر سقوط نمود و نیروهای مقاومت به دره‌های جانبی متواری شدند. وی پس از مدتی طبق لزوم دید مردمش به حیث فرمانده عمومی قرارگاه

چمالورده تعیین گردید و فعالیت خود را با جمعی از مبارزین خود آغاز نمود و چندین حمله دشمن را دفع نمودند و به دشمن تلفات سنگینی وارد نمودند و سرانجام در ۲۳ جوزای ۱۴۰۱ در مرکز فرماندهی اش در بلندای هندوکش به درجه شهادت نائل گردید و به آرزوی دیرینه اش رسید. روحش شاد و یادش گرامی باد.



نام: شهید عبدالواجد
تخلص: خالقیار
نام پدر: عبدالغنی
سال تولد: ۱۳۷۱
زادگاه: شهرستان حصه اول، روستای ده دار
عمرض
تاریخ شهادت: ۶ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: کوتل خاواک، شهرستان
پریان



نام: شهید عبدالله مشهور به بروت
تخلص: پنجشیری
نام پدر: محمد میرزا
تاریخ تولد: ۱۳۶۴
زادگاه: شهرستان پریان، روستای کوچان
تاریخ شهادت: ۱۲ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: چرگین آب خاواک،
شهرستان پریان



نام: شهید عبدالذاکر
تخلص: محب زاده
نام پدر: عبدالفتاح
تاریخ تولد: ۱۳۷۳
زادگاه: بازارک، روستای داداخیل پارانده
تاریخ شهادت: ۱۳ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: پای مزار شتل

نام: شهید عبدالرفیع
تخلص: پنجشیری
نام پدر: عبدالمبین
سال تولد: ۱۳۸۰
زادگاه: شهرستان دره، روستای کنسار
عبدالله خیل
تاریخ شهادت: ۱۹ ثور ۱۴۰۱
محل شهادت: روستای عبدالله خیل دره

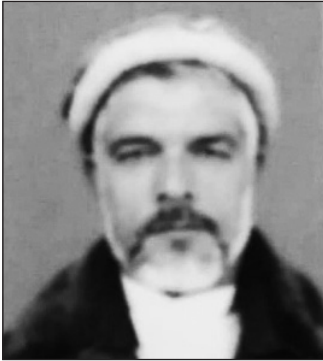


نام: شهید عبدالمؤمن
تخلص: جباری
نام پدر: شجاع‌الدین
سال تولد: ۱۳۶۰
زادگاه: شهرستان عنابه، روستای دربند فراج
تاریخ شهادت: ۱۱ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: شهرستان عنابه، روستای
دربند فراج



نام: شهید عبدالله
تخلص: کبیری
نام پدر: محمدکبیر
سال تولد: ۱۳۶۹
زادگاه: بازارک، روستای سنگانه
تاریخ شهادت: ۱۲ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: پای مزار شتل

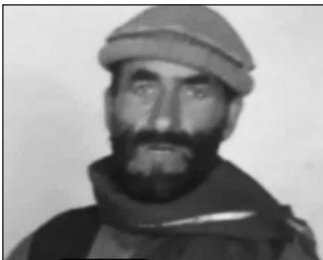




نام: شهید عزت الله
تخلص: پنجشیری
نام پدر: محمد ایوب
سال تولد: ۱۳۴۱
زادگاه: شهرستان عنابه، روستای زمانکور
تاریخ شهادت: ۱۵ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: روستای زمانکور، شهرستان
عنابه



نام: شهید عبدالواحد
تخلص: فیضی
نام پدر: نورالله
سال تولد: ۱۳۷۵
زادگاه: شهرستان رخه، روستای حصارک
تاریخ شهادت: ۱۴ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: بازارک، روستای رحمان خیل

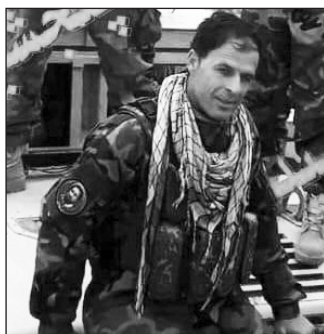


نام: شهید غلام محمد
تخلص: دریایی
نام پدر: غلام حسین
سال تولد: ۱۳۴۹
زادگاه: شهرستان حصه اول، روستای
کچاورگ پشغور
تاریخ شهادت: ۱۱ جوزای ۱۴۰۱
محل شهادت: کوه‌های باری پایه پشغور

نام: شهید غلام سخی
تخلص: بخشی
نام پدر: عبدالسعدی
سال تولد: ۱۳۵۲
زادگاه: شهرستان حصه اول، روستای متا
تاریخ شهادت: ۲ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: روستای متا، شهرستان
حصه اول

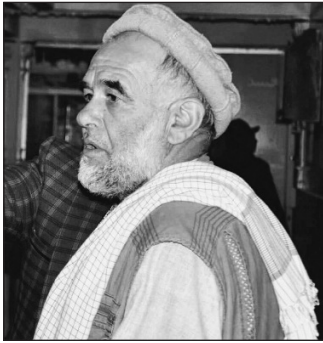


نام: شهید غلام ایشان
تخلص: پنجشیری
نام پدر: جیلان
سال تولد: ۱۳۶۵
زادگاه: شهرستان حصه اول، روستای گذاره
عمرض
تاریخ شهادت: ۱۵ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: گذاره عمرض، شهرستان حصه اول



نام: شهید غلام اعظم
تخلص: قاسمی
نام پدر: عبدالرحمان
سال تولد: ۱۳۷۴
زادگاه: شهرستان حصه اول، روستای ده پایان
خارو
تاریخ شهادت: ۱۴ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: ده بالای خارو، شهرستان
حصه اول





نام: شهید غلام‌ایشان
تخلص: پنجشیری
نام پدر: غلام‌نبی
سال تولد: ۱۳۴۲
زادگاه: شهرستان عنابه، روستای رباط دربند
تاریخ شهادت: ۱۲ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: سردربند، شهرستان عنابه



نام: شهید غلام‌ایشان
تخلص: محمدی
نام پدر: محمدامین
سال تولد: ۱۳۵۵
زادگاه: شهرستان دره، روستای پایتو
عبدالله خیل
تاریخ شهادت: ۵ قوس ۱۴۰۱
محل شهادت: روستای حصارک، شهرستان
رخه



نام: شهید غلام‌سعید
تخلص: پنجشیری
نام پدر: غلام‌صدیق
سال تولد: ۱۳۷۶
زادگاه: شهرستان حصه اول، روستای
دشتک عمرض
تاریخ شهادت: ۲۱ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: روستای عمرض، شهرستان
حصه اول

نام: شهید غلام صدیق
تخلص: پنجشیری
نام پدر: غلام قادر
سال تولد: ۱۳۳۶
زادگاه: شهرستان حصه اول، روستای
دشتک عمرض
تاریخ شهادت: ۲۱ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: روستای عمرض، شهرستان
حصه اول



نام: شهید فرشید
تخلص: ملک زاده
نام پدر: ضیاء محمد
سال تولد: ۱۳۸۲
زادگاه: روستای جربیش خینج، شهرستان
حصه اول
تاریخ شهادت: ۱۴ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: کوتل خاواک



نام: شهید فیض آقا
تخلص: رحمتی
نام پدر: فیض محمد خان
سال تولد: ۱۳۷۶
زادگاه: بازارک، روستای کرباشی
تاریخ شهادت: ۱ جوزای ۱۴۰۱
محل شهادت: کراوشی قلعه سرچشمه





نام: شهید فضل احمد
تخلص: پنجشیری
نام پدر: نقیب احمد
سال تولد: ۱۳۷۲
زادگاه: روستای راغک عمرض، شهرستان
حصه اول
تاریخ شهادت: ۱۴ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: روستای سفیدچهر



نام: شهید فیض محمد
تخلص: جبّاری
نام پدر: محمد فیض
سال تولد: ۱۳۵۳
زادگاه: شهرستان عنابه، روستای دربند فراج
تاریخ شهادت: ۱۱ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: شهرستان عنابه، روستای
دربند فراج



نام: شهید فهیم
تخلص: دشتی
نام پدر: قاسم خان
سال تولد: ۱۳۵۱
زادگاه: شهرستان رخه، روستای دشتک
تاریخ شهادت: ۱۴ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: روستای دشتک، شهرستان
رخه

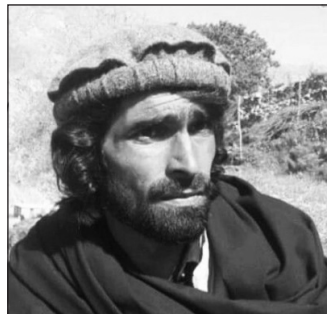
نام: شهید فیروزالدین
تخلص: پنجشیری
نام پدر: لالامرزا
سال تولد: ۱۳۶۸
زادگاه: شهرستان عنابه، روستای تاواخ
تاریخ شهادت: ۱۱ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: چیلانک، شهرستان شتل



نام: شهید فضل رحیم
تخلص: پنجشیری
نام پدر: عبدالرحمان
سال تولد: ۱۳۶۷
زادگاه: شهرستان رخه، روستای تاواخ
تاریخ شهادت: ۱۳ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: دربند فراج، شهرستان عنابه



نام: شهید فرمان
تخلص: دره‌ای
نام پدر: مرزای کلان
سال تولد: ۱۳۶۵
زادگاه: روستای کنسار عبدالله خیل، دره
تاریخ شهادت: ۲۲ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: ملم خاک حصارک،
شهرستان رخه





نام: شهید فیض الله
تخلص: پنجشیری
نام پدر: محمدالیاس
سال تولد: ۱۳۶۳
زادگاه: شهرستان حصه اول، روستای پاوات
خینج
تاریخ شهادت: ۳۱ جوزای ۱۴۰۱
محل شهادت: روستای خینج چوبک،
شهرستان حصه اول



نام: شهید قندآغا
تخلص: وفایی
نام پدر: محمد عیسی
سال تولد: ۱۳۷۱
زادگاه: شهرستان پریان روستای کوهسار
تاریخ شهادت: ۱۷ جوزای ۱۴۰۱
محل شهادت: کوهسار، منطقه سرخ شال
پریان



نام: شهید قاری جیبراحمد
تخلص: پنجشیری
نام پدر: حاجی سیدبخش
سال تولد: ۱۳۸۰
زادگاه: شهرستان حصه اول، روستای زنی
عمرض
تاریخ شهادت: ۱۶ جوزای ۱۴۰۱
محل شهادت: شهدای صالحین کابل

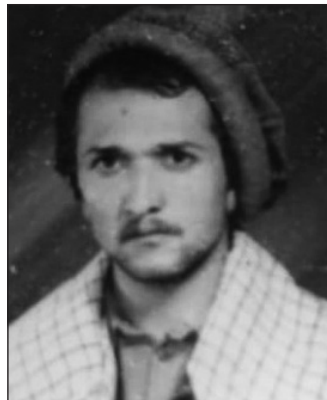
نام: شهید قیس
تخلص: عیار
نام پدر: سردار خان
سال تولد: ۱۳۷۸
زادگاه: شهرستان دره، روستای ده پیتو
عبدالله خیل
تاریخ شهادت: ۲۲ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: ملم خاک حصارک،
شهرستان دره



نام: شهید قاری شایق
تخلص: فلاحی
نام پدر: میرکلان خان
سال تولد: ۱۳۶۵
زادگاه: شهرستان عنابه، روستای تاواخ
تاریخ شهادت: ۲۶ اسد ۱۴۰۱
محل شهادت: دره آرزو



نام: شهید قندآغا
تخلص: خینجی
نام پدر: محمدنسیم
سال تولد: ۱۳۵۴
زادگاه: شهرستان حصه اول، روستای
قلات خینج
تاریخ شهادت: ۶ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: روستای متا، شهرستان
حصه اول





نام: شهید کرزی
تخلص: محمودی
نام پدر: گل محمود
سال تولد: ۱۳۸۲
زادگاه: شهرستان دره، روستای تندخو
تاریخ شهادت: ۱۶ ثور ۱۴۰۱
محل شهادت: کوه تندخو، شهرستان دره

نام: شهید کرزی خان
تخلص: مجاهد
نام پدر: سردار
سال تولد: ۱۳۸۳
زادگاه: شهرستان عنابه، روستای آبدره کر
تاریخ شهادت: ۱۵ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: روستای آبدره کر، شهرستان
عنابه

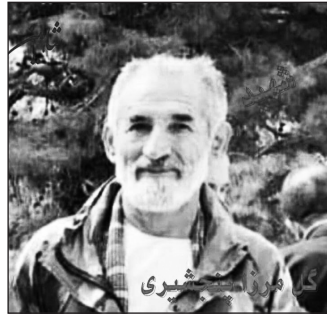


نام: شهید کرم خان
تخلص: غلامی
نام پدر: صوفی امان الله
سال تولد: ۱۳۷۷
زادگاه: شهرستان عنابه، روستای بارخم فراج
تاریخ شهادت: ۱۴ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: روستای بارخم، شهرستان
عنابه

نام: شهید گل محمد
تخلص: پنجشیری
نام پدر: میرجان
سال تولد: ۱۳۵۳
زادگاه: شهرستان حصه اول، روستای
متاخینج
تاریخ شهادت: ۱۴ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: کوتل خاواک، شهرستان
پریان



نام: شهید گل مرزا
تخلص: مجاهد
نام پدر: گل محمد
سال تولد: ۱۳۴۵
زادگاه: شهرستان عنابه، روستای الوک آبدره
تاریخ شهادت: ۱۴ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: شهرستان عنابه، روستای
الوک آبدره



نام: شهید گل زمان
تخلص: نعیمی
نام پدر: محمدنور
سال تولد: ۱۳۶۴
زادگاه: شهرستان دره، روستای منجنستو
عبدالله خیل
تاریخ شهادت: ۱۶ ثور ۱۴۰۱
محل شهادت: سرپل منجنستو، شهرستان دره





نام: شهید گل داد مشهور به گل بیچه
تخلص: پنجشیری
نام پدر: بلند خان
سال تولد: ۱۳۶۴
زادگاه: شهرستان دره، روستای کنسار
عبدالله خیل
تاریخ شهادت: ۲۲ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: ملم خاک حصارک،
شهرستان رخه

نام: شهید گل رحیم
تخلص: پنجشیری
نام پدر: گل عالم
سال تولد: ۱۳۵۰
زادگاه: بازارک، روستای عزیزبیک خیل
تاریخ شهادت: ۱۴ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: روستای نیازبیک خیل،
بازارک



نام: شهید گل محمد
تخلص: رحیمی
نام پدر: جان خان
سال تولد: ۱۳۸۲
زادگاه: شهرستان دره، روستای خواجه
عبدالله خیل
تاریخ شهادت: ۲۰ ثور ۱۴۰۱
محل شهادت: روستای خواجه عبدالله خیل

نام: شهید گل آغا
تخلص: خسروی
نام پدر: محمد قاسم
سال تولد: ۱۳۴۱
زادگاه: شهرستان حصه اول، روستای دشت
ریوت
تاریخ شهادت: ۲۴ سرطان ۱۴۰۱
محل شهادت: آغیل های روستای آریب،
شهرستان پریان



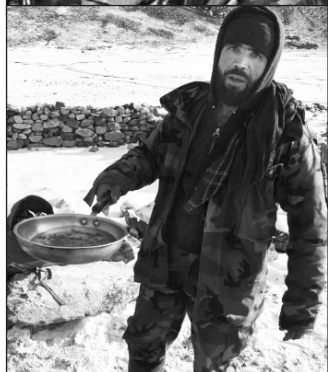
نام: شهید گلاب محمد
تخلص: عیار
نام پدر: محمد اشرف
سال تولد: ۱۳۶۵
زادگاه: شهرستان عنابه، روستای عنابه
تاریخ شهادت: ۱۷ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: دربندی کوه عنابه، شهرستان
عنابه



نام: شهید لعل آغا
تخلص: پنجشیری
نام پدر: قمرالدین
سال تولد: ۱۳۶۷
زادگاه: شهرستان حصه اول، روستای متاخینج
تاریخ شهادت: ۱۵ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: روستای متا، شهرستان
حصه اول



نام: شهید لعل الدین
تخلص: پنجشیری
نام پدر: محمد وصال
سال تولد: ۱۳۷۰
زادگاه: بازارک، روستای خانیز
تاریخ شهادت: ۱۵ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: روستای خانیز بازارک

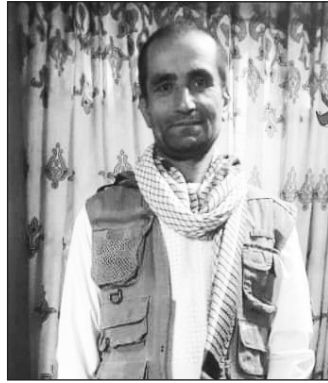


نام: شهید لنگر خان
تخلص: مردان
نام پدر: صاحب نظر
سال تولد: ۱۳۶۵
زادگاه: شهرستان دره، روستای خواجه
عبدالله خیل
تاریخ شهادت: ۲۲ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: ملم خاک حصارک،
شهرستان رخه



نام: شهید لطف الرحمان
تخلص: یوسفی
نام پدر: گل محمود
سال تولد: ۱۳۷۸
زادگاه: شهرستان دره، روستای تندخو
تاریخ شهادت: ۲۰ ثور ۱۴۰۱
محل شهادت: روستای تندخو دره

نام: شهید لطف الرحمان
تخلص: اسلمی
نام پدر: محمد اسلم
سال تولد: ۱۳۵۹
زادگاه: بازارک، روستای اورو
تاریخ شهادت: ۱۲ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: سرگردنه پای مزار شتل

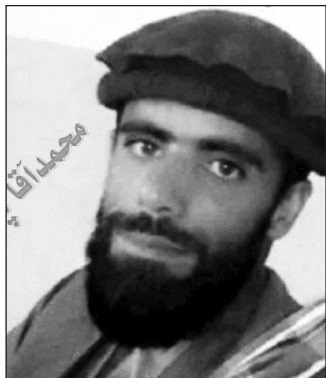


نام: شهید لطف خدا
تخلص: دره‌ای
نام پدر: مهرخدا
سال تولد: ۱۳۷۴
زادگاه: تندخو، شهرستان دره
تاریخ شهادت: ۵ سرطان ۱۴۰۱
محل شهادت: شهرستان دره، روستای
عبدالله خیل



نام: شهید لطف الرحمان
تخلص: فانی
نام پدر: عبدالستار
سال تولد: ۱۳۶۸
زادگاه: بازارک، روستای بادقول
تاریخ شهادت: ۱۵ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: روستای بادقول بازارک





نام: شهید محمد آغا
تخلص: پنجشیری
نام پدر: دل آغا
سال تولد: ۱۳۷۱
زادگاه: شهرستان عنابه، روستای زمانکور
تاریخ شهادت: ۲۰ جدی ۱۴۰۰
محل شهادت: پل فراج، شهرستان عنابه



نام: شهید محمدالدین
تخلص: یاری پنجشیری
نام پدر: قومندان محمدیار
سال تولد: ۱۳۷۳
زادگاه: شهرستان حصه اول، روستای چهارو
عمرض
تاریخ شهادت: ۲۰ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: کوه پوجاوه، شهرستان دره



نام: شهید محمداسحاق
تخلص: یاری پنجشیری
نام پدر: محمدیار
سال تولد: ۱۳۷۹
زادگاه: شهرستان حصه اول، روستای چهارو
عمرض
تاریخ شهادت: ۲۰ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: کوه پوجاوه، شهرستان دره

نام: شهید محمداکبر

تخلص: پنجشیری

نام پدر: میراکبر

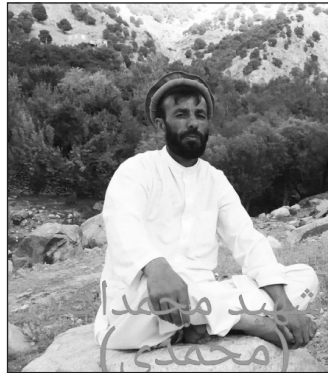
سال تولد: ۱۳۵۷

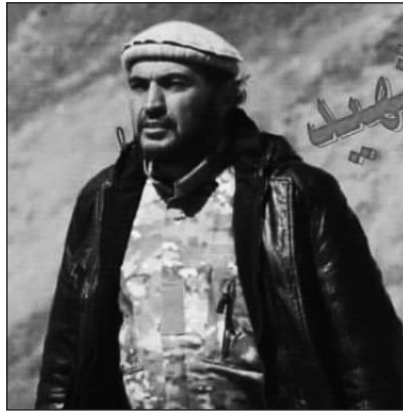
زادگاه: شهرستان عنابه، روستای دربند فراج

تاریخ شهادت: ۱۱ سنبله ۱۴۰۰

محل شهادت: سرکوه دربند، شهرستان

عنابه





شهید فرمانده محمدیار «یاری»

شهید فرمانده محمدیار یاری یکی از چهره‌های تاب‌ناک و درخشان جهاد و انقلاب اسلامی در سال ۱۳۴۷ در دهکدهٔ چهارو عمرض شهرستان حصه اول ولایت پنجشیر در یک خانوادهٔ دین‌دوست و مجاهد‌پرور دیده به جهان گشود. پدرش اسفندیار از بزرگان قوم محسوب می‌شد. از نظر اقتصادی شهید فرمانده محمدیار یاری از طرف پدر و مادر به یک خانوادهٔ متوسط تعلق داشت. اسفندیار، پدر شهید فرمانده محمدیار یاری، یک بار ازدواج کرد، حاصل ازدواجش هشت فرزند بود؛ چهار پسر و چهار دختر که فرمانده محمدیار فرزند ششم است. قبل از محمدیار سه خواهر و دو برادر بزرگش به نام‌های پیرمحمد و محمدحسن قرار دارند. و بعد از او یک برادر دانیار و یک خواهر قرار دارند. در دورهٔ کودکی، طفلی باهوش و بانشاط بود، در هر نوع بازی‌های کودکانه سهم داشت و از نظر جسمی قوی، سبک و سریع بود. با تهاجم قشون سرخ در سال ۱۳۶۳ به پنجشیر، همراه با فامیل خویش رهسپار دیار مهاجرت به ولسوالی تگاب ولایت کاپیسا گردید. بعد از مدت کوتاهی عازم کابل شد و علوم دینی

را در مدرسه نزد عالمان دینی فراگرفت؛ ولی فرمانده محمدیار یاری از همان روزهای نخست تجاوز قشون سرخ، با درک وضعیت با روحیه رزم جویانه علیه حاکمیت دست نشانده آماده گردید و به صفوف تشکل نیروهای جهادی دره پنجشیر پیوست و تحت قیادت قهرمان ملی کشور شهید احمدشاه مسعود علیه رژیم کمونیستی وقت در سال ۱۳۶۵ در قرارگاه شابه تحت نظر فرمانده مؤمن خان شابه به فعالیت نظامی پرداخت. فرمانده محمدیار یاری با روحیه ایثار و از خودگذری در مدت کوتاهی، استعداد و توانایی کارهایی نظامی خویش را تبارز داد و در صفوف ده‌ها تن از مجاهدین راه خدا به تصرف پایگاه‌ها و فتح مراکز بزرگ نظامی ارتش متجاوز روس در پنجشیر ادامه داد. در دوران جهاد نظریه ابتکارات و شایستگی که داشت، به صفت فرمانده سلاح ثقیله قرارگاه شابه تعیین گردید و به فعالیت‌های خویش تا آزادی پنجشیر از دست متجاوزین قشون سرخ شجاعانه در کنار مجاهدین ادامه داد. در سال ۱۳۶۶ برادر فرمانده محمدیار یاری به نام محمد حسن یکی از مجاهدین نامدار قرارگاه شابه در سنگر مبارزه برضد متجاوزین قشون سرخ در جنگ رویارویی به درجه رفیع شهادت نایل گردید.

فرمانده محمدیار یاری با ایجاد قطعات مرکزی به اساس فرمان قهرمان ملی شهید احمدشاه مسعود به صفت فرمانده تولى ثقیله غندالفجر منطقه‌ای تعیین گردید که در اکثر عملیات‌های نظامی صفحات شمال و سایر مناطق با وجود اندوه و غم از دست دادن عزیزترین شخص زندگی اش (برادرش) نقش برجسته‌ای داشت. بعد از پیروزی مجاهدین در سال ۱۳۷۱ به صفت فرمانده کندک زره‌دار فرماندهی اوپراتیفی زون شرق تحت قیادت محترم مجاهد قوماندان عبدالمؤمن شابه ایفای وظیفه می‌نمود. تا زمان عقب‌نشینی دولت اسلامی افغانستان در مقاومت اول در پنجشیر علیه متجاوزین طالب در شمال

کابل خصوصاً در جنگ کوتل خاواک نقش کلیدی را ایفا نمود. فرمانده نترس هیچ‌گاهی در طول حیاتش از مبارزه برحق خسته نگردید. صادقانه رزمید و همواره حماسه آفرید که در طول دوره کاری اش در زمان اشغال قشون سرخ و دولت اسلامی افغانستان در جبهات ولایات کاپیسا، پروان، تخار، بغلان و کابل فرماندهی بخشی از نبردهای دفاعی از مردم بی‌دفاع را بر عهده داشت و به مثابه یک فرمانده متین و جدی عمل نمود و در برابر متجاوزین و تروریستان مقاومت و ایستادگی بی‌ظنیری نموده بود، به حیث فرمانده رشید، با استعداد و مبتکر شناخته شد.

اما بعد از پیروزی مقاومت و ایجاد دولت موقت به اساس فرمان مارشال محمدقسیم فهیم معاون اول ریاست دولت و وزیر دفاع ملی وقت شامل پروسه خلع سلاح (DDR) گردیده و بعد از آن در اوج شهرت، محبوبیت و قدرت، به‌گونه فقیرانه و اما ظفرمندان به زندگی خویش ادامه داد. بالأخره بعد از شکست دولت جمهوری اسلامی افغانستان در سال ۱۴۰۰ و تصرف کشور توسط نیروهای طالبان، فرمانده محمدیار یاری یک بار دیگر نیز به خاطر دفاع از ارزش‌های اسلامی، نجات مردم و وطن خویش در مقابل اشغال‌گران و متجاوزین تحت نام طالب عازم پنجشیر شده، مسئولیت دفاع کوتل انجمن در تبنانی با جنرال بازمحمد را عهده‌دار گردید. وی تا آخرین مرحله تصرف ولایت پنجشیر توسط متجاوزین طالب، دفاع جانانه نموده اجازه دخول را برای متجاوزین سیاه‌دل طالب از طریق کوتل انجمن راندا. وی در اوج حملات خونین گروه طالبان بر ولایت پنجشیر، فرماندهی قرارگاه شابه را که یکی از پایگاه‌های مهم مجاهدین در جنگ علیه اشغال‌گران به‌شمار می‌آمد، عهده‌دار گردید که با هم‌سنگرانش ضربات خردکننده‌ای را بر بیکر طالبان تروریست وارد نمودند. حماسه‌آفرینی‌های فرمانده محمدیار یاری در مقابل

طالبان در پنجشیر زبان زد عامه مردم افغانستان شد و نشانه‌ای از شجاعت مقاومتگران در سطح کشور و جهان گردید. چون در مدت فرماندهی خویش، چندین عملیات و حملات رویاروی را علیه نیروهای تروریست طالبان طرح و عملی کرد که با نیروهای تحت امرش، سلاح متجاوزین طالب را غنیمت و ده‌ها تن از طالبان تروریست را به اسارت درآورد. فرمانده محمدیار در سنگر مبارزه برضد طالبان تروریست در نبرد رویاروی، دشمن زبون و سیاه‌دل را چندین بار به عقب راند و تلفات سنگین به دشمن وارد نمود تا این‌که در عملیات پی هم دشمن از نگاه کمبود مهمات تا آخرین گلوله مقاومت نموده اسیر دشمن گردیدند و در فرجام به نسبت ضربات سنگین فرمانده نترس و نیروهای تحت فرماندهی‌اش بر نیروی‌های طالبان، باعث آن گردید که نیروی کوردل طالبان دور از ارزش‌های دینی و اسلامی، فرمانده محمدیار یاری را به روز دوشنبه تاریخ ۲۰ سنبله ۱۴۰۱ مطابق با ۱۲ سپتامبر ۲۰۲۲ در محکمه صحرائی با سه فرزندش به اسم محمددین یاری، محمداسحق یاری، امیرخاتم یاری و یک برادرش به اسم دانیار و جمعی از همسنگران‌ش، در کوه‌های پوجاوه شهرستان دره، به رگبار گلوله بسته و آن مردان راستین وطن را به درجه رفیع شهادت نایل گردانیدند. این اقدام نیروی طالبان تروریست، نمایانگر افتضاح و درماندگی سران رژیم آن گروه گردید و باعث محبوبیت بیشتر از پیش فرمانده محمدیار یاری نزد مجاهدین و مردم مسلمان افغانستان شد. از متاع دنیا جز نام نیکو، تقوا، پرهیزگاری، ایثار و فداکاری چیزی دیگری از وی به جا نماند. انا لله و انا الیه راجعون.



نام: شهید مجتبی

تخلص: میرزایی

نام پدر: میرزامحمد

سال تولد: ۱۳۷۶

زادگاه: شهرستان پریان، روستای کلکوا

تاریخ شهادت: ۱۲ میزان ۱۴۰۱

محل شهادت: روستای پیاوشت، شهرستان رخه



نام: شهید محمدوکیل

تخلص: رحیمی

نام پدر: محمدکاظم

سال تولد: ۱۳۶۷

زادگاه: شهرستان حصه اول، روستای

دوشاهی خم خارو

تاریخ شهادت: ۱۷ سنبله ۱۴۰۱

محل شهادت: روستای خارو، شهرستان

حصه اول



نام: شهید مجتبی

تخلص: اسدی

نام پدر: رازمحمد

سال تولد: ۱۳۷۰

زادگاه: شهرستان حصه اول، روستای

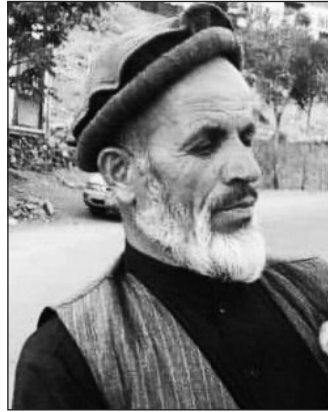
دوشاهی خم خارو

تاریخ شهادت: ۱۷ سنبله ۱۴۰۰

محل شهادت: پس کرروستای پشغور،

شهرستان حصه اول

نام: شهید قومندان محی‌الدین
تخلص: پنجشیری
نام پدر: نورمحمد
سال تولد: ۱۳۴۹
زادگاه: شهرستان حصه اول، روستای گذاره
عمرض
تاریخ شهادت: ۱۵ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: روستای گذاره عمرض،
شهرستان حصه اول

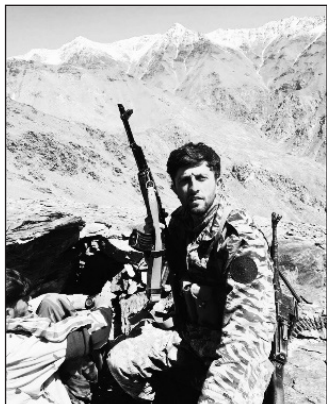


نام: شهید قاری میرویس
تخلص: متاچی
نام پدر: محراب‌الدین
سال تولد: ۱۳۷۷
زادگاه: شهرستان حصه اول، روستای متا
تاریخ شهادت: ۱۴ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: کوتل خاواک، شهرستان پریان



نام: شهید مرتضی
تخلص: حکیمی
نام پدر: عبدالحکیم
سال تولد: ۱۳۷۱
زادگاه: شهرستان حصه اول، روستای
کچاورگ پشغور
تاریخ شهادت: ۱۰ جوزای ۱۴۰۱
محل شهادت: روستای کچاورگ پشغور،
شهرستان حصه اول





نام: شهید محمد تمیم

تخلص: میرزاد

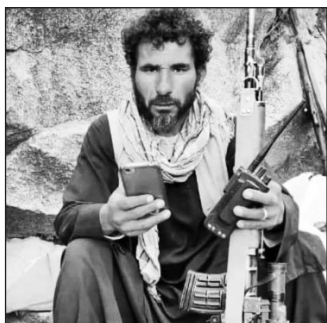
نام پدر: خوش میر

سال تولد: ۱۳۷۲

زادگاه: بازارک روستای کرواشی

تاریخ شهادت: ۱۲ جوزای ۱۴۰۱

محل شهادت: کرواشی، قلعه سرچشمه



نام: شهید ماشاالله

تخلص: قادری

نام پدر: عبدالرزاق

سال تولد ۱۳۶۸

زادگاه: شهرستان حصه اول، روستای پاوات

خینج

تاریخ شهادت: ۱۷ سنبله ۱۴۰۱

محل شهادت: کوه جوکار روستای پشغور،

شهرستان حصه اول



نام: شهید محمد امین

تخلص: همدرد

نام پدر: غلام الدین

سال تولد: ۱۳۷۳

زادگاه: روستای عنابه، شهرستان عنابه

تاریخ شهادت: ۱۶ سنبله ۱۴۰۰

محل شهادت: حوض پشته، شهرستان

عنابه



شهید حاجی ملک خان حمزه

فرمانده و پاسدار حاجی ملک خان حمزه که بیشتر به نام قومندان ملک خان شناخته می‌شد، سال ۱۳۵۵ در شهرستان دره پنجشیر چشم به جهان گشود. تعلیمات دینی و دوران ابتدایی خود را در زادگاهش گذراند.

سردار ملک خان حمزه در سال‌های اولیه جهاد در مناطق آشوب‌زده پنجشیر و توابع شرقی آن حضور داشت با آغاز جنگ مجاهدین و روس‌ها دوره نوجوانی‌اش را سپری نمود.

فرمانده ملک خان حمزه در طول سال‌های جنگ مجاهدین و طالبان، به سازماندهی و اعزام نیروهای مردمی اشتغال داشت و در دوره‌ای مسئول اعزام نیرو به جبهه‌های شمال بود. وی در شروع مقاومت اول، عضویت غنده ۸۹ جهادی مربوط گارد ملی را داشت. سپس تا پایان مقاومت اول در جنگ‌های سُتل، جنگ خاواک، جنگ سالنگ شمالی، جنگ خان‌آباد و کله‌کته تخار، جنگ امام صاحب کندز به‌گونه‌عالی درخشید. در این نبردهای نابرابر به‌طور بی‌نظیر دشمن را زمینگیر نمود و نقاط راهبردی را از وجود دشمن پاک‌سازی

کرد. قهرمان ملی کشور احمدشاه مسعود فرمانده حمزه را ترغیب و تقدیر می نمود که از گرفتن پوسته های سالنگ شمالی و دفع ضد حمله طالبان در سالنگ از فرماندهی بلوک به قوماندانی تولی و پس از گرفتن پوسته های کله کته تخار به قوماندانی کندک ارتقا کرد. در عین حال قهرمان ملی احمدشاه مسعود (ع) فرمانده دلیر ملک خان را به اسم حمزه پسر صد می زد. فرمانده دلیر، جایگاه خاص و ویژه ای نزد قهرمان ملی کشور داشت.

فرمانده حمزه عقیده داشت که نبرد ما، تا موقعی که هیچ خطری ما را تهدید نکند ادامه خواهد یافت... به دشمنان گفته بود که پیروان واقعی آرمان شهدای جهاد و مقاومت هنوز زنده است. ما می خواهیم انسان را پاک و خالص گردانیم. آن هایی که کشته می شوند می دانند که به هر حال پیروزمندانه می میرند و این مهم است. فرمانده نترس در دفاع مشروع مقاومت و ایستادگی اول مردم غیور مملکت مسئولیت های خطیر و مهمی را عهده دار شد.

صلابت، اقتدار و استقامت فراموش نشدنی این شهید والامقام و رزمندگان آزادی در جریان عملیات های گوناگون در ولایات مرکزی و شمال شرقی و تصرف توابع و حفظ آن با وجود مشکلات شدید و داشتن تجهیزات مدرن دشمن، از افتخارات تاریخی مقاومت محسوب می گردد.

مقاومت و پایداری فرمانده حمزه در این مناطق به قدری تحسین برانگیز بود که حتی سایر فرماندهان در اظهاراتشان گفته بودند فرمانده ملک خان آن قدر آتش بر مواضع دشمن فروریخت و آن چنان آن جا را بردشمن تنگ ساخت که برای دشمنان جز فرار راه دیگری باقی نماند.

در مقاومت دوم هم فرمانده ملک خان حمزه چنان ایستادگی و مقاومت را آغاز کرد که ابعاد گوناگون مقاومت او و همراهان شان بایست در چندین جلد کتاب تحریر گردد، تا این که نسل های آینده از مبارزات رادمردان تاریخ بیاموزند

که چگونه در راه حفظ ارزش های دینی و محقق سازی آرمان شهدا رزمیدند و جان شیرین خود را فدای این مسیر کردند.

فرمانده حمزه غیور و شجاع با همسنگران شان مثل حضرت خالد بن ولید در برابر گروه متجاوز و اجیران بیگانه رزمیدند و چه زیبا ردای ارزشمند شهادت را بر تن کردند تا برای همیشه جاویدان تاریخ باقی بمانند. وی همراه با ۷۲ تن از همسنگران شان در جنگ نابرابر، پس از هفت شبانه روز سرانجام به تاریخ ۲۲ سنبله ۱۴۰۱ در ملم خاک حصارک جام شهادت نوشیدند.

فرمانده حاجی ملک خان دره، چریک جسور صحرا و در ردیف انسان های فروتن، صادق، جسور و خداپرست قرار داشت. از منظر من فرمانده ملک خان یک چریک هدفمند، دشمن شناس و دارای شخصیت چندبعدی بوده و از صفات و ویژگی های منحصر به فرد خویش در عرصه امور اجتماعی و نظامی برخوردار بوده است.

می توان سرگذشت و زندگی فرمانده ملک خان را در چند پاراگراف کوتاه به صورت مرحله وار و زمان بندی خلاصه کرد.

۱- مرحله کودکی و طفولیت.

۲- مرحله نوجوانی و مکلفیت.

۳- مرحله رشد سنی و مبارزات.

۴- مرحله انتخاب هدف و شهادت.

الف: نخست مرحله ایام کودکی فرمانده ملک خان است. او در یک خانواده متدین و دارای نفوذ اجتماعی و قرین به سال های جهاد مردم افغانستان علیه شوروی وقت، پا به عرصه وجود گذاشت. خانواده آن به شمول پدر و کاکاها با اکثریت مطلق از فرماندهان بزرگ جهادی بودند که علیه متجاوزین مبارزه داشتند. شهید فرمانده ملک خان در چنین خانواده مبارزو

مجاهد توأم با شرایط سخت روزهای جنگ و جهاد، ایام کودکی خود را سپری کرد و با متانت و صلابت به رشد و کمال رسید. او از فضای فضل، اخلاق، تربیت و تقوای ایام جهاد خوب بهره برد. در دامان روزگار جهاد پرورش یافت و از نعمت بزرگ آموزش مسایلی دینی و تربیتی در میان مجاهدان برخوردار شد. در انجام به صورت قطع می توان گفت وجود همچون خانواده مسلمان و مبارز از یک طرف و فراز و نشیب تحولات ایام مقدس جهاد از جانب دیگر بود که بالای شخصیت او تأثیر مثبت گذاشت و از آن یک چریک جسور و باصلابت به وجود آورد.

ب: دوم مرحله نوجوانی و ایجاد مکلفیت است. در این ایام فرمانده ملک خان با شهادت پدر در روزگار جهاد و شهادت کاکا در زمان حکومت اسلامی مجاهدین مورد توجه خاص شهید احمدشاه مسعود قهرمان ملی کشور قرار گرفته و از جانب آن جذب نیروهای نظام اسلامی مجاهدین و مقاومت می گردد.

موصوف به خاطر نبوغ و جسارتی که در وجودش داشت، در بدو نوجوانی از سوی امر صاحب به حیث فرمانده یکی از قطعات مهم در دولت، جهت دفاع از نظام و مردمش قرار می گیرد و در نبردهای مختلف به حیث یک فرمانده مجرب و توانا از خود شایستگی به نمایش می گذارد. در میدان های جنگ و مبارزه در برار نیروهای متجاوز و اشغالگر موفق به در می آید. در انجام به نسبت داشتن استعداد و نبوغ خاص، مورد نوازش بیشتر امر صاحب قرار می گیرد و این امر بازمه سبب رشد و توانمندی فرمانده می شود و از آن به حیث یک چهره تأثیرگذار در میان هم قطارانش به بار می آورد.

ج: سوم مرحله رشد سنی و پختگی ایام مبارزات فرمانده ملک خان است. پس از این که احمدشاه مسعود قهرمان ملی کشور شهید می شود و مقاومت در

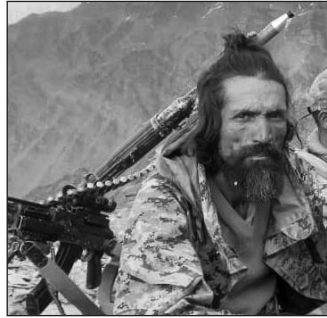
میان‌های سال ۱۳۸۰ خورشیدی به پیروزی می‌رسد، با گذشت چندی پس از پیروزی، دسیسه‌ها روی خلع سلاح مجاهدین و مقاومتگران از سوی غرب آغاز می‌گردد. فرمانده ملک خان با برنامه‌هایی چون حضور امریکا در افغانستان، تصامیم بی‌قید و شرط آن‌ها روی مسایل داخلی افغانستان، پروسه دایاک، دی‌دی‌آر، خلع سلاح مقاومت‌گران، و به حاشیه زدن مجاهدین زیرنام ریفورم و اصلاحات از سوی امریکایی‌ها شدیداً مخالف بود. روی همین انگیزه بود. در ماه‌های آغازین حکومت حامد کرزی وقتی که دید هیچ یکی از رهبران مجاهدین به خواسته‌ها و نظریات آن‌ها اعتنایی ندارند، مجبوراً کابل را ترک گفته و به زندگی شخصی با انجام کارهای شاقه رو آورد و تا آخرین روزهای حضور امریکا در کشور به مخالفت خویش در برابر آن ادامه داد و به عزم خود باقی ماند.

روزی من در سال ۱۳۹۳ خورشیدی به منطقه عبدالله خیل دره، زادگاه فرمانده ملک خان رفته بودم در آن جا در کنار دریا اتاق گوتکه‌ای برای پذیرایی دوستان گذاشته شده بود. من هم با چند تن از همراهان در آن نشسته بودیم که او با لباس‌های کار و دستان درگیر با آب و گل که عملاً مصروف خشت زدن بود، نزد ما حضور یافت. پس از سلام و احوال‌پرسی کوتاه و خنده که بر لب داشت، آغاز به سخن کرد. از دردهای پوشیده در سینه بیان داشت. از دسیسه‌سازی یک جمع یاد کرد. و از تعدادی از هم‌قطارانش که در چوکات حکومت بودند شکوه و گلایه داشت. گفت پس از شهادت آمرصاحب ما همه یتیم شدیم و کسی نیست به قلب‌های درد دار و روان آشفته ما مرهم بگذارد. برعکس به خاطر به دست آوردن امتیاز بیشتر علیه مجاهدین دسیسه و اتهام می‌بافند. بنابراین مجبور هستیم با انجام دادن کارهای شاقه و نگهداری چند رأس مواشی و تهیه سنگ و خشت امرار معاش و زندگی نماییم. بادیدن این وضعیت در دل گفتیم فرمانده سخت درد دار است.

د: مرحلهٔ آخرین انتخاب و شهادت است که فرمانده ملک خان با داشتن عشق و محبت به مردمش، در روزهای نخست اشغال پنجشیر، از باب مدارا و گذشت در برابر طالب کارگرفت و نمی‌خواست پای مصیبت جنگ و تباهی به بساط منطقه برسد و هم‌دیارانش ذلیل اسارت گروه چهل و متجاوز گردد. ولی پس از این‌که دید طالب در صدد انتقام و دشمنی با مردم پنجشیر است و رفتار آن‌ها عقده‌ای و مغرضانه است و به بهانه‌های مختلف مردم عام را شکنجه، تعذیب و تحقیر می‌کند، مجبور شد در دفاع از ملت خویش ایستاده شود و ادای مسئولیت کند. روی همین ملحوظ بود که سلاح بردوش کرد و برای رهایی مردم از زیر یوغ ستم و تجاوز در برابر گروه چهل رزمید و دشمن زبون را زمین‌گیر کرد. پس از این‌که دشمن شکست‌های پیهم و تلفات بی‌شمار نیروهای خود را مشاهده کرد، عقده‌مندانه با گردآوری نیروی بیشتر از ولایات مختلف با تمامی تجهیزات و امکانات جنگی به محاذ فرمانده ملک خان رفت. او با جمله یاران و همسنگران‌ش که در تناسب با لشکر دشمن هم از حیث تعداد نیرو و از حیث امکانات نظامی، به دو فیصد لشکر دشمن در حساب نبود، مبارزه کرد و تا پای جان و استفاده از آخرین مرمی خویش در مقابل گروه متجاوز رزمید و در پیشگاه خداوند به خاطر دفاع از عزت، آبرو و سرزمینش ادای دین و مسئولیت کرد.

خلاصه این‌که فرمانده ملک خان دارای نیروی ایمان قوی، اخلاق حمیده و جسارت ستودنی بوده و به حیث یک چریک بلندقامت در زندگی از آغاز تا شهادت رسالت خود را انجام داد و نیز در کارهای اجتماعی و رفاه انسانی در میان جامعه نقش فعال داشت. روح فرمانده شاد و یادش گرامی باد.

نام: شهید محمد ذبیح مشهور به سرلشکر
تخلص: میرزایی
نام پدر: محمد کبیر
سال تولد: ۱۳۵۴
زادگاه: شهرستان دره، روستای سخ
تاریخ شهادت: ۲۰ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: کوه پوجاوه، شهرستان دره



نام: شهید مدیر احمد
تخلص: پنجشیری
نام پدر: محمد خان
سال تولد: ۱۳۵۵
زادگاه: شهرستان دره، روستای کرمان پوجاوه
تاریخ شهادت: ۲۰ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: کوه پوجاوه، شهرستان دره



نام: شهید مشتاق
تخلص: دره‌گی
نام پدر: قلعه‌دار
سال تولد: ۱۳۷۵
زادگاه: شهرستان دره، روستای تمبنه
عبدالله خیل
تاریخ شهادت: ۲۶ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: روستای ملبسه، بازارک





نام: شهید محمد مرزا
تخلص: مرزایی
نام پدر: قومندان مرزا محمد شهید
سال تولد: ۱۳۶۸
زادگاه: شهرستان دره، روستای ملبتک
عبدالله خیل
تاریخ شهادت: ۲۲ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: ملم خاک حصارک،
شهرستان رخه



نام: شهید محمد فیروز
تخلص: عزیز
نام پدر: شریف خان
سال تولد: ۱۳۷۰
زادگاه: شهرستان دره، روستای گیوچ
عبدالله خیل
تاریخ شهادت: ۲۰ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: کوه پوجاوه، شهرستان دره



نام: شهید مرزا جان
تخلص: دره‌ای
نام پدر: بابہ جان
سال تولد: ۱۳۷۸
زادگاه: شهرستان دره، روستای تندخو
تاریخ شهادت: ۱۶ ثور ۱۴۰۱
محل شهادت: زیر تندخو، شهرستان دره

شهید مرزا جان، دره،

نام: شهید محمد عظیم خان

تخلص: قاضی زاده

نام پدر: محمد نبی

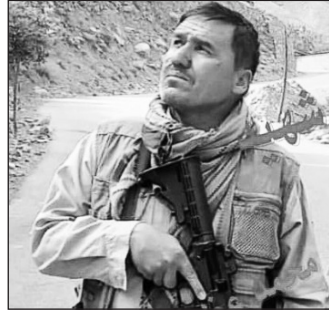
سال تولد: ۱۳۵۷

زادگاه: شهرستان دره، روستای پسران

عبدالله خیل

تاریخ شهادت: ۱۸ سنبله ۱۴۰۰

محل شهادت: روستای خانیز بازارک



نام: شهید محمد مجید

تخلص: عمرضی

نام پدر: محمد بشیر

سال تولد: ۱۳۶۸

زادگاه: شهرستان حصه اول، روستای گذاره عمرض

تاریخ شهادت: ۱۵ سنبله ۱۴۰۰

محل شهادت: روستای گذاره عمرض،

شهرستان حصه اول



نام: شهید محمد واثق

تخلص: صالحی

نام پدر: عدل محمد

سال تولد: ۱۳۸۷

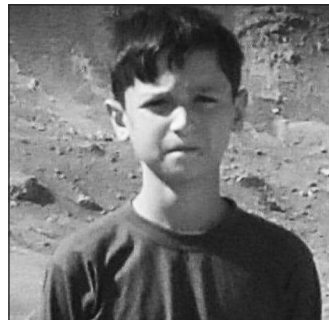
زادگاه: شهرستان حصه اول، روستای غنچو

دشت ریوت

تاریخ شهادت: ۱۷ حوت ۱۴۰۱

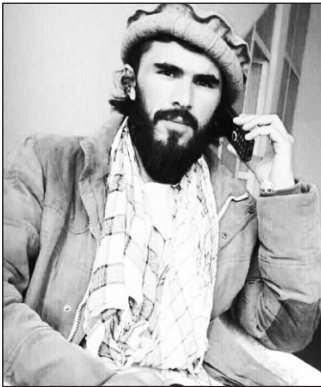
محل شهادت: روستای غنچو دشت ریوت،

شهرستان حصه اول

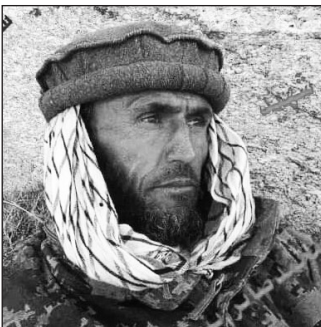




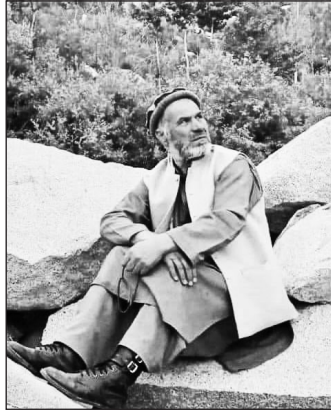
نام: شهید محمد اشرف
تخلص: خسروی
نام پدر: شهید جنرال محمد رازق خسروی
سال تولد: ۱۳۶۹
زادگاه: شهرستان حصه اول، روستای دشت ریوت - دهن ریوت
تاریخ شهادت: ۱۵ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: منطقه چاه آهو، روستای دشت ریوت، شهرستان حصه اول



نام: شهید قوماندان محمد نجیم
تخلص: مردان
نام پدر: صاحب نظر
سال تولد: ۱۳۶۷
زادگاه: شهرستان دره، روستای خواجه عبدالله خیل
تاریخ شهادت: ۲۲ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: ملم خاک حصارک، شهرستان رخه



نام: شهید محمد صابر
تخلص: مرزایی
نام پدر: رحیم داد خان
سال تولد: ۱۳۵۷
زادگاه: شهرستان دره، روستای خواجه عبدالله خیل
تاریخ شهادت: ۲۲ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: کوک زاد، عبدالله خیل، شهرستان رخه



شهید فرمانده مرزاجی

فرمانده مرزاجی، یکی از قوماندان‌های دلاور دورهٔ جهاد و مقاومت مردم افغانستان به‌شمار می‌آید. او به تاریخ ۵ جوزای ۱۳۳۹ خورشیدی، در روستای تاواخ ولایت پنجشیر دیده به جهان گشود. فرمانده مرزاجی در سن ۱۸ سالگی در سال‌های نخست دورهٔ جهاد به صف مبارزینی که بر علیه اشغال‌گران اتحاد جماهیر شوروی در افغانستان می‌رزمیدند، پیوست. او با درخشش در جنگ‌های چریکی توانست به زودترین فرصت در میان مجاهدین پنجشیر شهرت پیدا کند و یکی از افراد مورد نظر فرمانده نامدار جهاد و مقاومت، شهید احمدشاه مسعود (قهرمان ملی افغانستان) شود. فرمانده احمدشاه مسعود که در دورهٔ جهاد با روس‌ها، رهبری جبههٔ مجاهدین پنجشیر را به عهده داشت، فرمانده مرزاجی را به حیث سرگروپ یکی واحدهای نظامی مجاهدین در روستای تاواخ، تعیین نمود. فرمانده مرزاجی، چندین بار در جنگ بر علیه روس‌ها زخمی شد و پس از صحت‌یابی، دوباره به مبارزهٔ خویش ادامه داد. این فرمانده در دورهٔ مقاومت اول، تحت قیادت احمدشاه مسعود، وزیر دفاع

حکومت اسلامی افغانستان در استان های تخار، بغلان، بدخشان، پروان و کاپیسا بر علیه گروه طالبان جنگید. او در این دوره نیز چندبار زخمی گردید، ولی هرگز دست از مبارزه در برابر اشغال گران و برتری خواهان گروه طالبان، برنداشت. پس از شهادت فرمانده احمد شاه مسعود، قوماندان مرزاجی که یک انسان باغرور بود، مورد بی مهری یاران رده اول احمد شاه مسعود قرار گرفت. او هرگز برای رسیدن به قدرت و ثروت به نزد مقامات دولت جدید التأسیس جمهوریت نرفت و از آن ها درخواست وظیفه بلند نمود. وی در چوکات پولیس ملی افغانستان به حیث قوماندن نظامی زندان پُلچرخ، زندان کاپیسا و زندان پنجشیر به مدت هجده سال وظیفه اجرا نمود.

فرمانده مرزاجی، همیشه در هر خیر و شرف فرهنگی و اجتماعی همسایه ها، خویشاوندان، مردم محل و دوستان خویش، حضور می یافت و در خوشی و غم آن ها شریک می شد. در میان مردم پنجشیر و به خصوص مجاهدین و جوانان از محبوبیت خوبی برخوردار بود. همسنگرانش در تمام پنجشیر قصه های زیادی از رادمردی، عیاری، جنگاوری و شجاعت فرمانده مرزاجی برای جوانان و مردم بازگومی کردند. یکی از خصایل شخصیتی او، کاکه گی اش بود. در فرهنگ تاجیکان، کاکه به کسانی گفته می شود که در برابر زورگویان ایستاده گی نموده و از تهی دستان حمایت نمایند. این ویژه گی منحصر به فرد فرمانده مرزاجی باعث شده بود که از محبوبیت بیشتری در میان مردم و به خصوص جوانان برخوردار باشد. فرمانده مرزاجی، بارها پیچیده ترین معضلات اجتماعی آشنایان خویش را که حکومت محلی از حل مسالمت آمیز آن عاجز می ماند، به عنوان یک متنفذ قومی و مورد احترام به ساده گی، حل می کرد. او با وجودی که یک فرمانده جنگی بود و اثرات منفی جنگ را در شکل گیری شخصیت و ابعاد روانی یک جنگجو نمی توان نادیده گرفت، اما وی یک آدم بسیار صبور و

شکسته نفس بود. فرمانده مرزاجی با جوانان و بزرگ سالان رفتار نیک و پسندیده داشت. در مجلسی که می نشست، بسیار زود با افراد ناآشنا، رفیق می شد. او خودش را پاسدار دین اسلام، آزادی مردم و محافظ ناموس وطن می دانست. فرمانده مرزاجی از انسان های بی ادب، زن باز، زورگو، غیبت گرو و منافق خیلی ناراض بود و از آن ها نفرت داشت. او با وجودی که یک جهادی و کم سواد بود، ولی فهم معتدل از اسلام داشت. وی به مردم سالاری، آزادی بیان، تحصیل دختران و ارزش های مدرن جهانی باور داشت.

در آستانه فروپاشی جمهوریت، عده زیادی از مسئولین رده اول حکومت و نظامیان از کشور فرار کردند، ولی فرمانده مرزاجی که قبلاً با احمد مسعود، رهبر جبهه مقاومت ملی افغانستان در ارتباط بود، با تعداد دیگری از شخصیت های سیاسی، نظامی و مردمی به سنگر دفاع از افغانستان برخاستند. فرمانده مرزاجی توسط مردم تاواخ پنجشیر در یک رأی گیری علنی به صفت فرمانده قرارگاه تاواخ انتخاب شد. اگرچه فرمانده مرزاجی توانایی و لیاقت خیلی بالایی را در جنگ و برنامه ریزی محاربه داشت، اما نتوانست در برابر خواست مردمش پاسخ منفی بدهد. مردم تاواخ که او را به خوبی می شناختند، بار مسئولیتی را بر شانه هایش گذاشتند که خودش هم آن گونه را نمی خواست. پس از این که فرمانده مرزاجی به تصمیم مردم احترام گذاشت و پیشنهاد آن ها را پذیرفت، حدود ۲۰۰ تن از جوانان و مقاومت گران در این روستا به دور او جمع شدند و همه لباس نظامی برتن کرده و به آماده گی های دفاعی پرداختند. اگرچه فرمانده مرزاجی، قومان قرارگاه تاواخ بود، ولی در عمل یکی از فرماندهان ارشد جبهه مقاومت ملی افغانستان در خطوط دفاعی «در بند - فراج» محسوب می شد.

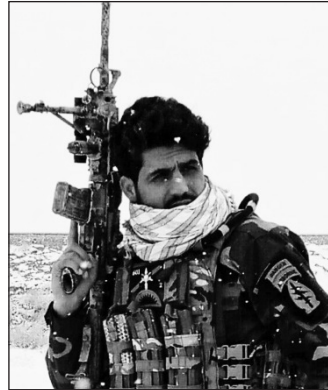
زمانی که مذاکرات صلح بین گروه طالبان و جبهه مقاومت ملی افغانستان بی نتیجه باقی ماند، جنگجویان گروه طالبان بر بالای مواضع دفاعی نیروهای

جبهه مقاومت در پنجشیر حمله کردند. گروه طالبان، حملات بسیار گسترده را به تاریخ ۲ سپتامبر ۲۰۲۱ میلادی، بر بالای پنجشیر انجام دادند و در همان شب، فرمانده مرزاجی و فرمانده زردادخان از جمله نخستین فرماندهان جبهه مقاومت ملی افغانستان در سنگر دفاعی در بند بودند که در برابر اشغالگران طالب، سینه سپر کردند و توسط قطعات مجهز و انتحاری گروه طالبان، شهید شدند.

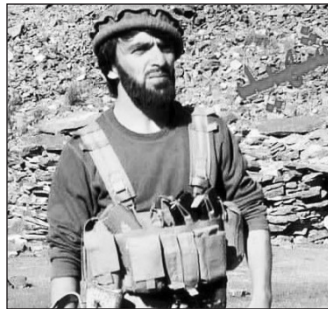
نام: شهید محمد عارف مشهور به گل بیچه
تخلص: رحیمی
نام پدر: محمد ابراهیم
سال تولد: ۱۳۵۷
زادگاه: بازارک، روستای کرواشی
تاریخ شهادت: ۱ جوزای ۱۴۰۱
محل شهادت: سرمکتب کنده بازارک



نام: شهید محمد ضمیر
تخلص: مجاهد
نام پدر: ملک جان
سال تولد: ۱۳۷۶
زادگاه: شهرستان عنابه روستای تاواخ
تاریخ شهادت: ۱۳ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: دربند فراج، شهرستان عنابه



نام: شهید محمد حافظ
تخلص: پنجشیری
نام پدر: درمحمد
سال تولد: ۱۳۶۹
زادگاه: شهرستان حصه اول، روستای چهارو
عمرض
تاریخ شهادت: ۲۲ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: ملم خاک حصارک،
شهرستان رخه





نام: شهید مدثر
تخلص: عارفی
نام پدر: قاری امین
سال تولد: ۱۳۷۴
زادگاه: بازارک، روستای ملسپه
تاریخ شهادت: ۱۵ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: روستای ملسپه بازارک



نام: شهید محمدافضل
تخلص: مجاهدزاده
نام پدر: محمد اصغر
سال تولد: ۱۳۴۱
زادگاه: بازارک، روستای ملسپه
تاریخ شهادت: ۱۵ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: روستای ملسپه بازارک



نام: شهید مرزا
تخلص: نصرتی
نام پدر: شیرآغا
سال تولد: ۱۳۷۲
زادگاه: بازارک، روستای ملسپه
تاریخ شهادت: ۱۵ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: روستای ملسپه بازارک

نام: شهید محمدعباس
تخلص: پنجشیری
نام پدر: فضل الرحمان
سال تولد: ۱۳۸۱
زادگاه: شهرستان رخه، روستای حصارک
تاریخ شهادت: ۲۲ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: ملم خاک حصارک،
شهرستان رخه



نام: شهید محمدرفع
تخلص: کریمی
نام پدر: امیرمحمد خان
سال تولد: ۱۳۷۶
زادگاه: شهرستان دره، روستای ده پیتو
عبدالله خیل
تاریخ شهادت: ۲۲ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: ملم خاک حصارک،
شهرستان رخه



نام: شهید مسعود
تخلص: پنجشیری
نام پدر: تاج محمد خان
سال تولد: ۱۳۷۰
زادگاه: شهرستان رخه، روستای مرشتان
تاریخ شهادت: ۲۲ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: ملم خاک حصارک،
شهرستان رخه





نام: شهید محمداسلام
تخلص: پنجشیری
نام پدر:
سال تولد: ۱۳۸۰
زادگاه: شهرستان حصه اول، روستای چارو
عمرض
تاریخ شهادت: ۲۰ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: کوه پوجاوه، شهرستان دره



نام: شهید محمدسلیم
تخلص: سیفی
نام پدر: سید اکبر
سال تولد: ۱۳۷۸
زادگاه: شهرستان رخه، روستای چمالورده
تاریخ شهادت: ۲۴ ثور ۱۴۰۱
محل شهادت: قرارگاه چمالورده منطقه
سفید قول، شهرستان رخه



نام: شهید مهرالله
تخلص: سیفی
نام پدر: روح الله
سال تولد: ۱۳۷۰
زادگاه: شهرستان رخه، روستای چمالورده
تاریخ شهادت: ۲۴ ثور ۱۴۰۱
محل شهادت: قرارگاه چمالورده منطقه
سفید قول، شهرستان رخه

نام: شهید مرید خان
تخلص: پنجشیری
نام پدر: محمدانور
سال تولد: ۱۳۷۰
زادگاه: شهرستان دره، روستای عبدالله خیل
تاریخ شهادت: ۲۳ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: ملم خاک حصارک،
شهرستان دره



نام: شهید مجید
تخلص: محمدی
نام پدر: فخرالدین
سال تولد: ۱۳۷۵
زادگاه: شهرستان دره، روستای عبدالله خیل
تاریخ شهادت: ۲۲ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: ملم خاک حصارک،
شهرستان رخه



نام: شهید محمدابراهیم
تخلص: پنجشیری
نام پدر: محمدرحیم
سال تولد: ۱۳۵۲
زادگاه: شهرستان شتل، روستای روی دره
تاریخ شهادت: ۱۳ جوزای ۱۴۰۱
محل شهادت: روی دره شتل





نام: شهید محمدگل
تخلص: پنجشیری
نام پدر: ملا خیرمحمد
سال تولد: ۱۳۷۰
زادگاه: بازارک روستای فروبل
تاریخ شهادت: ۱۵ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: روستای فروبل بازارک

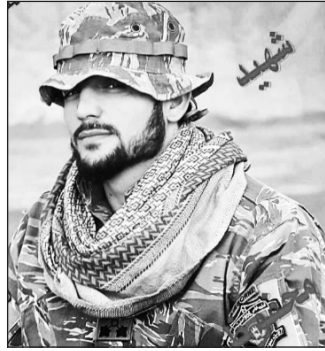


نام: شهید محمدنظر
تخلص: دره‌ای
نام پدر: بلند خان
سال تولد: ۱۳۷۵
زادگاه: شهرستان دره، روستای عبدالله خیل
تاریخ شهادت: ۱۸ ثور ۱۴۰۱
محل شهادت: روستای جهرعلی، شهرستان
آبشار



نام: شهید ملک عبدالستار
تخلص: خسروی
نام پدر: رسول داد
سال تولد: ۱۳۵۳
زادگاه: شهرستان حصه اول، روستای دشت
ریوت
تاریخ شهادت: ۱۵ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: منطقه چاه آهو، روستای
دشت ریوت

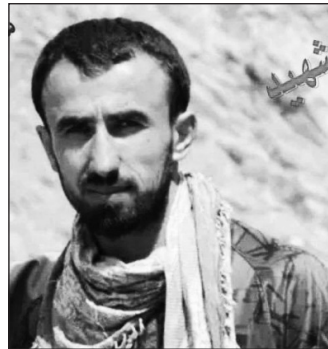
نام: شهید قومندان محفوظ
تخلص: پنجشیری
نام پدر:
سال تولد: ۱۳۷۲
زادگاه: شهرستان رخه، روستای شصت
تاریخ شهادت: ۱۷ ثور ۱۴۰۱
محل شهادت: روی دره شتل



نام: شهید مطیع الله
تخلص: نیازی
نام پدر: شیرین محمد
سال تولد: ۱۳۸۱
زادگاه: شهرستان رخه، روستای مرشتان
تاریخ شهادت: ۲۲ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: ملم خاک حصارک،
شهرستان رخه



نام: شهید معراج الدین
تخلص: بهادری
نام پدر: شیرآغا
سال تولد: ۱۳۷۵
زادگاه: شهرستان دره، روستای ده پیتو
عبدالله خیل
تاریخ شهادت: ۲۲ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: ملم خاک حصارک،
شهرستان رخه





نام: شهید مرزاجان

تخلص: پنجشیری

نام پدر: بابہ جان

سال تولد: ۱۳۷۵

زادگاه: شهرستان دره، روستای تندخو

تاریخ شهادت: ۱۸ سرطان ۱۴۰۱

محل شهادت: روستای تندخو، شهرستان

دره

نام: شهید میرعبدالحق

تخلص: پنجشیری

نام پدر: حمید الله

سال تولد: ۱۳۴۲

زادگاه: شهرستان عنابه، روستای زمانکور

تاریخ شهادت: ۱۴ سنبله ۱۴۰۰

محل شهادت: روستای زمانکور، شهرستان

عنابه



شهید فرمانده محب‌الله قطره

شهید فرمانده محب‌الله قطره فرزند فرمانده سمیع‌الله قطره در سال ۱۳۷۲ در یک خانواده متدین در دهکده مرستان استان رخه ولایت پنجشیر افغانستان دیده به جهان گشود.

فرمانده محب‌الله قطره پسر بزرگ خانواده سمیع‌الله قطره می‌باشد. موصوف دوره ابتدایی را در زادگاهش، مرستان پنجشیر سپری کرده، دوره ثانوی را در لیسه عالی رخه تا ختم دوره ادامه داد و سپس برای تکمیل تعلیمات ملکی تا صنف دوازدهم در لیسه تخنیک‌کی احمدشاه مسعود گذراند. پس از پایان رساندن دوره تعلیمات ملکی نسبت علاقه‌مندی که به خدمت به وطن داشت، وارد صفوف نیروهای دلیرانیتی شد و در عین زمان آزمون کانکور هم داد و در رشته تربیت بدنی دانشگاه پروفیسور برهان‌الدین ربانی کامیاب شد.

دروس خود را در دانشگاه مدتی انجام داد، بعد نسبت به شوق و علاقه بیشتر که به دروس نظامی داشت، دروس نظامی خود را ادامه داد و پس از

اتمام دروس مسلکی نظامی، منحیث سرباز در قطعۀ عملیاتی ولایت پنجشیر مشغول به وظیفه شد.

شهید فرمانده محب‌الله قطره وقتی از وظیفه طرف خانه به رخصتی می‌آمد، بیشترین وقت خود را در منطقۀ زادگاهش مرستان همراه دوستان و رفیقان خود می‌گذراند.

موصوف شخصی بسیار با ادب و با اخلاق بود. همیشه در جلسه‌های بزرگان جهت حل و فصل قضایای منطقی شرکت کرده و نقش مصلح را در میان همه بزرگان و جوانان بازی می‌کرد.

شهید فرمانده محب‌الله قطره در ماه حوت ۱۳۹۲ به منظور سپری کردن دروس نظامی عازم کشور ترکیه شد و پس از شش ماه با پس از ختم دروس نظامی، با رتبه نظامی دوم نارمن فارغ و وارد قطعات ویژه (قطعات خاص) وزارت امور داخله کشور به حیث فرمانده (بلوک عملیاتی) تقرر حاصل نمود و مسئولیت بزرگ تری را برای آزادی میهن به دوش خود کشید.

همچنان شهید در سال ۱۳۹۲ با ازدواج خویش سنت پیامبر بزرگ اسلام را به جا آورد که از ثمره ازدواجشان سه فرزند پسر به جا مانده است.

موصوف وظایف محاربوی خویش را در ولایات مختلفی از جمله در ولایت کندز، تخار، بدخشان، پروان و بلخ با موفقیت انجام داده است.

فرمانده محب‌الله قطره در سال ۱۳۹۴ با انجام وظایف محاربوی خویش در ولایت بغلان و شکست گروه تروریستی و پاک‌سازی منطقه، از طرف قوماندان امنیه ولایت بغلان جنرال محمد فهیم، با یک محفل بزرگ تقدیر و ستایش شد. وی در سال ۱۳۹۵ همراه مقام وزیر داخله تاج محمد جاهد که وزارت داخله کشور را عهده دار بود، تا ختم دوره وزارت ایشان همراه ایشان ایفای وظیفه کرد و در سال ۱۳۹۷ از قطعۀ خاص ولایت پنجشیر تبدیل و به حیث

آمر صحنه قطعاً خاص ولایت دایکندی مقرر گردید. بعد از انجام وظایف محاروبی در آن ولایت از طرف فرمانده عمومی قطعات خاص در سال ۱۳۹۹ به حیث فرمانده تولى اول قطعاً خاص ولایت دایکندی مقرر گردید و تا سقوط نظام مردم سالار جمهوریت در ولایت دایکندی ایفای وظیفه نمود.

شهید فرمانده محب الله قطره پس از سقوط ولایات با همراهی دوستان به قطعات خاص ولایت پنجشیر (زادگاهش مرکز مقاومت دوم علیه قشون سیاه) پیوستند تا وجبیه دفاع از میهن را با خون پاکشان ثبت تاریخ نمایند.

شهید، در ایام اولین مقاومت دوم در پنجشیر تا سقوط نقاط مرکزی - اداری پنجشیر به دست طالبان در منطقه خاواک و دالان سنگ پنجشیر که دو نقطه خط مقدم جنگ بود، انجام وظیفه نمودند.

موصوف بعد از سقوط نقاط مرکزی - اداری پنجشیر و از بین رفتن تشکیلات منظم قطعات نظامی پنجشیر به جبهه مقاومت ملی افغانستان به رهبری احمد مسعود پیوستند.

شهید فرمانده محب الله قطره بعد از این که تمام مناطق پنجشیر در تاریخ ۹ سنبله ۱۴۰۰ به دست طالبان افتاد. فرمانده محب الله قطره به رهبری جنرال محمد امین امانی همراه با پدر خود فرمانده سمیع الله قطره و برادرانش علی مرتضی قطره حسیب الله قطره با پسران کاکا، ماما و غیره.

مجاهدین قرارگاه حصارک ایستادگی و از خود شهامت نشان داده در مقابل این تروریستان خارجی ۱۰ روز مقاومت کردند. سرانجام طالبان با پلان وسیعی از چندین اسقامت بالای قرارگاه حصارک حمله ور شدند که بیش از هزار نیرو در روز اخیر حمله کردند؛ در نتیجه در تاریخ ۱۸ سنبله ۱۴۰۰ طالبان با تلفات دادن بیش از ۲۹۰ نفر توانستند که قرارگاه حصارک و مناطق آن را در دست بگیرند.

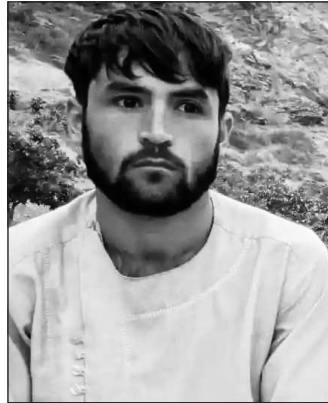
فرمانده محب‌الله قطره همراه با جنرال محمدامین امانی و یارانش در کوه‌های هندوکش در دره پناه ماندند و زمستان پربرف و سرد را پشت سر گذراندند.

روزهای متداوم با مقاومت‌گران عزیز به رهبری جنرال محمدامین امانی چندین حمله طالبان را عقب زده به گروه سیاه و سفاک طالبان تلفات زیادی وارد کردند. سرانجام به تاریخ ۲۱ سنبله ۱۴۰۱ در حمله این گروه سفاک که از چند استقامت‌حمله کرده بودند، فرمانده محب‌الله قطره و یارانش پس از وارد کردن تلفات سنگین بردشمن، در منطقه طیاره‌های سوختگی دوره روس‌ها در دره عبدالله خیل جام شهادت را نوشیدند و نهال آزادی را با خون خویش آبیاری کردند.

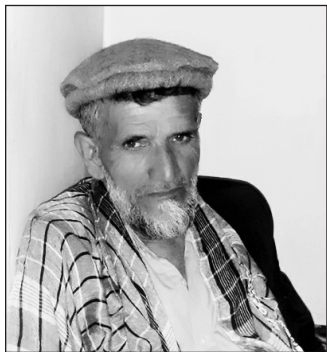
نام: شهید محمد عارف
تخلص: عزیزی
نام پدر: محمد اسلم
سال تولد: ۱۳۷۸
زادگاه: شهرستان رخه، روستای حصارک
تاریخ شهادت: ۲۲ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: ملم خاک حصارک،
شهرستان رخه



نام: شهید محمد شاکر
تخلص: پنجشیری
نام پدر: محمد صابر
سال تولد: ۱۳۷۱
زادگاه: شهرستان شتل، روستای اندروسات
تاریخ شهادت: ۱۸ ثور ۱۴۰۱
محل شهادت: دره آرزو



نام: شهید محمد همدم
تخلص: شتلی
نام پدر: مضراب شاه
سال تولد: ۱۳۶۸
زادگاه: شهرستان شتل، روستای کهندا
تاریخ شهادت: ۲۰ ثور ۱۴۰۱
محل شهادت: روی دره شتل



نام: شهید معلم یاسین

تخلص: پنجشیری

نام پدر: ملک مرزا

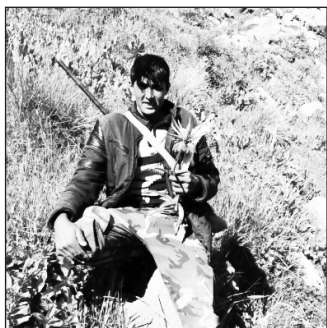
سال تولد: ۱۳۵۱

زادگاه: شهرستان رخه، روستای درخیل

تاریخ شهادت: ۱۶ سنبله ۱۴۰۰

محل شهادت: روستای درخیل، شهرستان

رخه



نام: شهید ملک بسم الله

تخلص: کریمی

نام پدر: قلعه دار

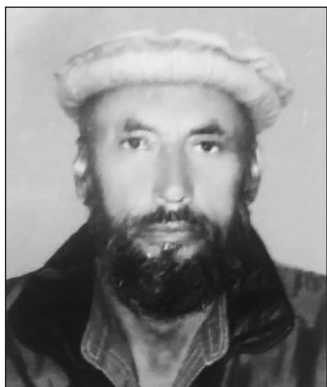
سال تولد: ۱۳۷۷

زادگاه: شهرستان دره، روستای عبدالله خیل

تاریخ شهادت: ۲۲ سنبله ۱۴۰۱

محل شهادت: ملم خاک حصارک،

شهرستان رخه



نام: شهید مددخان

تخلص: پنجشیری

نام پدر: محمد عثمان

سال تولد: ۱۳۴۲

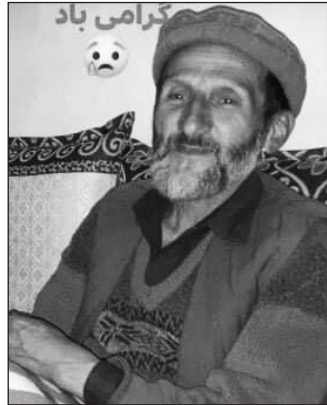
زادگاه: شهرستان عنابه، روستای زمانکور

تاریخ شهادت: ۲ سرطان ۱۴۰۱

محل شهادت: دره آرزو

نام: شهید محمد عارف
تخلص: پنجشیری
نام پدر: شیرعلی
سال تولد: ۱۳۷۴
زادگاه: شهرستان شتل، روستای مهله
تاریخ شهادت: ۷ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: سرخواجه الیاس شتل

نام: شهید میرانشاه
تخلص: درخیلی
نام پدر: نجم‌الدین
سال تولد: ۱۳۵۰
زادگاه: شهرستان رخه، روستای درخیل
تاریخ شهادت: ۱۷ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: سنگ پاره حصارک،
شهرستان رخه



نام: شهید مرتضی
تخلص: پنجشیری
نام پدر: مرزا محمد
سال تولد: ۱۳۷۳
زادگاه: شهرستان پریان، روستای کلکوا
تاریخ شهادت: ۱۲ میزان ۱۴۰۱
محل شهادت: روستای پیاوشت، شهرستان
رخه





نام: شهید نعمت الله
تخلص: شیرزاد
نام پدر: حرمت الله
سال تولد: ۱۳۷۰
زادگاه: شهرستان رخه، روستای گلستان
تاریخ شهادت: ۲۴ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: بازارک، روستای باد قول



نام: شهید نقیب الله
تخلص: پنجشیری
نام پدر: سخی داد
سال تولد: ۱۳۷۲
زادگاه: شهرستان شتل روستای جانامجوی
تاریخ شهادت: ۱۲ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: سرکوه خواجه الیاس شتل



نام: شهید نثاراحمد
تخلص: مرزایی
نام پدر: صمندرخان
سال تولد: ۱۳۷۱
زادگاه: شهرستان دره روستای عبدالله خیل
تاریخ شهادت: ۲۲ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: ملم خاک حصارک،
شهرستان رخه

نام: شهید نجیم خان
تخلص: مردان
نام پدر: صاحب نظر
سال تولد: ۱۳۶۷
زاگاه: شهرستان دره، روستای خواجه
عبدالله خیل
تاریخ شهادت: ۲۲ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: ملم خاک حصارک،
شهرستان رخه

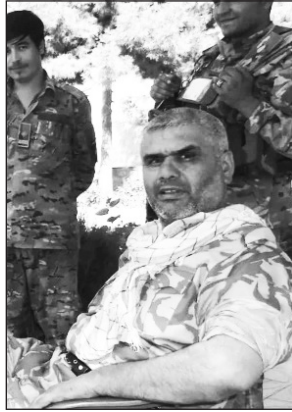


نام: شهید نورمحمد
تخلص: پنجشیری
نام پدر: محی الدین
سال تولد: ۱۳۷۲
زادگاه: شهرستان حصه اول، روستای گذاره
عمرض
تاریخ شهادت: ۱۵ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: روستای گذاره عمرض،
شهرستان حصه اول



نام: شهید نصرالله
تخلص: رسولی فولاد
نام پدر: محمدکبیر
سال تولد: ۱۳۷۳
زادگاه: شهرستان عنابه، روستای ملکمان
تاریخ شهادت: ۱۵ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: روستای بادقول بازارک





شهید نذیر احمد مشهور به طور

نذیر احمد طور یالی فرزند نصیر احمد ولدیت وزیر احمد، باشنده اصلی ولایت پنجشیر شهرستان حصه اول (خینج) روستای جربیش در سال ۱۳۵۴ در یک خانواده علم دوست در ولایت کندز چشم به جهان هستی گشود. تحصیلات ابتدایی را در سال ۱۳۶۲ در مکتب لیسه عالی حضرت علی آغاز و در سال ۱۳۷۴ از لیسه عالی شیرخان در ولایت کندز به درجه عالی فارغ گردید. بعد از اختتام لیسه، به سبب مشکلاتی که در کشور حاکم بود، نتوانست به تحصیل خود ادامه دهد؛ شامل جبهات جهاد به فرماندهی احمد شاه مسعود قهرمان ملی کشور در شمال و شمال شرق گردید. بعد از تأسیس حکومت موقت در سال ۱۳۸۳ به صفت آمر تروریزم ولسوالی دشت ارچی ولایت کندز مقرر شد. چون تغییر و تبدیل در نظام یک اصل است، نظریه کارکرد و فعالیت‌های موفق که داشت، به ولسوالی چهاردره ولایت کندز تبدیل شد.

در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۸ نظریه لزوم دید وزارت محترم امور داخله جمهوری اسلامی افغانستان به صفت مدیر تروریزم ولایت‌های: کندز، کنر،

پکتیا، پروان، تخار، کندز، سمنگان، پنجشیر و مدتی هم به صفت قومندان محلی در ولایت کندز ایفای وظیفه نمود.

بالأخره در سال ۱۴۰۰ نظر به هجوم گروه طالبان به ولایت پنجشیر و سقوط کشور به دست آن گروه، به تاریخ ۲۵ اسد ۱۴۰۰ به حیث قومندان امنیه شهرستان حصه اول (خینج) تقرر حاصل نمود. دیری نگذشته بود که به تاریخ ۶ سنبله ۱۴۰۰ در سیاه‌کوه کوتل خاواک استان پنجشیر، در جنگ نابرابر با گروه طالبان، با شش تن از همراهانشان جام شهادت نوشیدند و به آرزوی دیرینه‌شان رسیدند.



نام: شهید نصیر احمد
تخلص: زمرد
نام پدر: زردادخان
سال تولد: ۱۳۵۳
زادگاه: شهرستان رخه، روستای چمالورده
تاریخ شهادت: ۲۴ جوزای ۱۴۰۱
محل شهادت: قرارگاه چمالورده، منطقه
سفید قول رخه



نام: شهید نادر خان
تخلص: ثنایی
نام پدر: محمد ثنا
سال تولد: ۱۳۶۷
زادگاه: شهرستان حصه اول، روستای
کچاورگ پشغور
تاریخ شهادت: ۱۸ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: کوه جوکار روستای پشغور،
شهرستان حصه اول



نام: شهید نصرت میر
تخلص: سعیدی
نام پدر: آقامیر
تاریخ تولد: ۱۳۷۷
زادگاه: شهرستان پریان، روستای کوهسار
تاریخ شهادت: ۱۲ میزان ۱۴۰۱
محل شهادت: پیاوشت رخه پنجشیر



شهید فرمانده نورآغا

فرمانده نورآغا در سال ۱۳۵۶ در روستای پشغور شهرستان حصه اول پنجشیر تولد گردید. پدرش ملا عبدالکریم یکی از متنفذین باعزت پشغور محسوب می شد. فرمانده نورآغا از جمله مردانی بود که درد داشت و برای آزادی و سربلندی مردمش از مقاومت اول به رهبری احمدشاه مسعود به مبارزه آغاز نمود و تا مقاومت دوم به مبارزه خود ادامه داد تا این که به مقام شهادت نایل گشت. فرمانده نورآغا در آوان نوجوانی در تشکیل یک گروه متحرک منسوب به قرارگاه پشغور در مقاومت اول علیه تحریک طالبان وارد صف محاربه در ولایت تخار گردید و در آن جا با قامت بلند و استوار در برابر گروه طالبان الی اخیر مقاومت اول به مبارزه و ایستادگی پرداخت.

بعد از تشکیل شدن دولت جمهوری اسلامی در سال ۱۳۸۱ و با ایجاد شدن گروه های امنیتی (اسکورت) در ترکیب یک گروه امنیتی به عنوان فرمانده گروه وارد ولایات ناامن جنوبی افغانستان گردید و برای مدت بالاتر از شش سال وظیفه اش را به وجه احسن در ولایت های قندهار و هلمند انجام داد.

بعد از آن با انجام کارهای آزاد به امرار معاش خود و خانواده‌اش تا سقوط جمهوریت و آغاز مقاومت دوم پرداخت.

او با درک وضعیت وخیم و نگران‌کننده و روبه سقوط افغانستان و با فعال شدن قرارگاه‌های پنجشیر با قامت بلند در صف مقاومت‌گران قرارگاه پشغور به عنوان یکی از فرماندهان قرارگاه ایستاد و با جبین گشاده از مقاومت مسلحانه علیه گروه ستمگر طالب استقبال نمود و آماده فداکاری برای اعاده عزت و شرف مردمش گردید.

همین‌که ولایات افغانستان یکی پشت دیگر سقوط کردند و تنها جغرافیای مستقل ولایت پنجشیر باقی ماند، با تجاوز طالبان به ولایت پنجشیر، نورآغا از نخستین شخصیت‌هایی بود که وارد جبهه شده و در تشکیل قرارگاه پشغور به عنوان فرمانده ضربتی نقش ایفا کرد و در نخستین روزهای مقاومت کمر مبارزه عملی را بست و با هم‌گام شدن با مردان آهنین آماده ادای رسالت و مسئولیت ایمانی و وجدانی خویش گردید.

همین‌که نیروهای مزدور طالب به مرزهای پنجشیر رسید، نورآغا با گروهی جوانان دلیر و هدفمند در خط کوتل خاواک برای شش شبانه روز مستقر شد و سخت در دفاع مقدس از خاک و حریم خویش پرداخت و در این مدت با اراده و استوار ایستاد و رزمید.

چنان‌چه آشکار و هویدا است که نیروی طالب یک در برابر صد نسبت به مقاومت‌گران هم بیشتر و هم مجهزتر بودند و همچنان فعالیت جواسیس زبون در درون جبهه منجر به شکست جبهه و سقوط پنجشیر گردید و لشکر مزدور طالب وارد پنجشیر شد.

روز یکشنبه مورخ ۱۴ سنبله سال ۱۴۰۰ چند دقیقه از ده صبح گذشته و جلسه روی سوق اداره جنگ در خانه فرمانده عیدی محمد طارق با حضور

چند تن از فرماندهان دیگر تدویر گردیده بود. حدود یک ساعت از جلسه گذشته بود که اطلاع حاصل شد طالبان حمله کرده و به سمت قرارگاه پشغور در حرکت اند و اعضای جلسه از خانه خارج شده و به طرف پایین در حرکت شدند.

فرمانده طارق به عنوان فرمانده عمومی قرارگاه پشغور در مقر این قرارگاه با جمع مجاهدین قرارگاه تصمیم به مقاومت و ایستادگی در برابر طالب گرفت. همین که قطعات نظامی طالبان در حوالی قرارگاه پشغور رسیدند، با کمین مقاومت‌گران این قرارگاه مواجه شدند که نورآغا با گروه خود در یک ساحه نزدیک به سرک عمومی مستقر بودند که جنگ شدید و تاریخی را رقم زدند و جنگ ساعت‌ها ادامه پیدا کرد که دشمن با داشتن و استفاده از سلاح‌های سنگین و سبک فضا را بالای مقاومت‌گران سخت محدود ساخته بود، اما با این همه تجهیزات نابرابر نظامی، فرمانده نورآغا جوانمردانه در این جنگ سهم گرفت و تا آخرین مرمی خود با دشمن جنگید و با ختم شدن مهمات مجبور به عقب‌نشینی گردید.

کاروان طالب برای یک شبانه‌روز در این منطقه توقف داده شد که ده‌ها طالب در این جنگ کشته شدند. متأسفانه سه تن از مقاومت‌گران قرارگاه پشغور که همه از میان جوان مردان روستای خارو بودند نیز جام شهادت نوشیدند.

شخص فرمانده طارق برای سه شبانه‌روز در جنگل روستای خارو در محاصره طالب قرار گرفت که در این مدت از سه کمین طالب معجزه‌آسا جان به سلامت برد و بالأخره بعد از سه شبانه‌روز توانست با شش تن از جوانان دلیر به قرارگاه‌های بالای کوه موسوم به غری با دیگر جوانان مقاومت یک جا شود. فرمانده نورآغا با افرادش در قرارگاه جوکار که یکی از قرارگاه‌های مشهور

و دشمن سستیز پشغور در دوران جهاد می باشد، مستقر گردید و آماده جنگ چریکی در برابر دشمن سفاک و ستمگر شد.

او بارها به طالبان ضربه وارد کرد و با کمین زدن نیروهای طالب ده ها نیروی نظامی شان را از صف محاربه خارج نمود.

بالآخره روز تاریخی فرارسید و دشمن سیل آسا از چند طرف بالای قرارگاه فرمانده نورآغا در کوه های باری پایه پشغور هجوم آورد و او با گروپ تحت فرمانش ساعت ها با طالبان جنگید و توانست با تکتیک جنگی منحصر به فردش ده ها طالب را کشته و زخمی نماید و بالآخره با شهادت دو تن از افرادش، خودش نیز زخم برداشت و در این حالت زخمی نیز به مقاومت پرداخت و تا آخرین مرمی و پرتاب آخرین بم دستی بالآخره به مقام شهادت نایل گشت و نامش را در ردیف رادمردان مبارز و سر به کف ثبت جریده تاریخ نمود.

او از جمله نخستین کسانی بود که خونس را جهت آبیاری درخت مقاومت ریخت و سرش را فدای مردم و ملتش نمود.

جسد او و یارانش برای شش شبانه روز اجازه دفن از جانب گروه طالبان نیافت و بعد از پادرمیانی سازمان هلال احمر، اجازه دفن داده شد و راهی دیار باقی و خانه ابدی گردید. هنگام دفن شهدا، یکی از فرماندهان تاجیک تبار طالب خطاب به یکی از افراد روستای پشغور می گوید که زودتر نماز جنازه را خوانده و اجساد را دفن کنید تا کدام واقعه دیگری رخ ندهد؛ زیرا در جریان جنگ تلفات دور از تصور به طالبان وارد شده است و آن ها سخت اندوهگین و قهرند.

این بود روایت مردان سر به کف مکتب آزادی و پایمردی که جان شان را به عنوان آخرین بهای آزادی نثار کردند و سر سپردند ولی سنگر نه.

روحش شاد و یادش گرمی باد!



شهید فرمانده نورالله نورخیل

شهید فرمانده نورالله نورخیل در سال ۱۳۴۹ در روستای دشت ریوت شهرستان حصه اول در یک خانواده متدین و مذهبی به دنیا آمد و نزد علمای برجسته پنجشیر دروس دینی را فراگرفت. او از آوان طفولیت با شوق و علاقه‌ای که به جهاد و محاربه داشت، در سن ۱۶ سالگی درس و تعلیم نظامی را در دهن ریوت نزد داملامحمدیوسف که در آن زمان از جمله استادان مجاهدین بودند، فراگرفت. او بعد از مدتی که دروس نظامی را آموخت، به ولایت تخار اعزام و آن جا به نیروهای احمدشاه مسعود پیوست و در قطعۀ ضربتی تحت رهبری جنرال پناه شهید به فعالیت آغاز کرد. بیشتر از ۲۰ سال نداشت که در جنگ‌های خواجه غار شرکت نمود و در آن جا زخم شدید برداشت. در آن زمان وی همیشه در شمال کشور در جنگ‌های تخار، قندوز و بغلان سهم فعال داشت.

پس از مدتی همراه نیروهای احمدشاه مسعود به کابل آمد. حکومت داکتر نجیب الله رئیس جمهور وقت را سرنگون شد و پس از مدتی جنگ‌های تنظیمی

در مقابل همدیگر اوج گرفت. او در کابل دوباره زخمی شد و به هندوستان رفت. بعد از برگشت از هندوستان دوباره به نیروهای مقاومت پیوست و سه سال در کابل جنگید. بعد از این که طالبان کابل را گرفتند، همراه نیروهای مقاومت به پنجشیر رفت و از پنجشیر به تخار و ولایات شمالی به جنگ با طالبان به رهبری احمد شاه مسعود پرداختند. هنگامی که مسعود به شهادت رسید، فرمانده نورالله نورخیل زخمی شد و به تاجکستان انتقال یافت و از آن جا به ایران رفت.

دقیقاً زمانی که حامد کرزی رییس جمهور افغانستان شد و حکومت انتقالی به وجود آمد، دوباره به کابل برگشت و در چوکات اردوی ملی افغانستان به حیث افسر، تثبیت رتبه شده و بعد از آن به حیث معاون تولی و قوماندان تولی و بعدها که به وزارت داخله آمد، به حیث رئیس ارکان کندک و قوماندان کندک ایفای وظیفه نمود.

وی تا رتبهٔ دگروالی در چوکات نظام افغانستان کار کرد که در بیشتر از ۱۸ ولایت افغانستان از جمله کاپیسا، نورستان، کنر، ننگرهار، لوگر، پکتیا، زابل، هلمند، قندهار، بلخ، جوزجان، سرپل، تخار، بغلان و قندوز در خط اول محاربه علیه طالبان جنگیده است.

زمانی که دسیسهٔ سقوط نظام به دست طالبان طراحی شد، آن زمان اشرف غنی رییس جمهور افغانستان شد. آهسته آهسته فرماندهان محاروبی که همه چهره‌های ضد طالب بودند یا از بین برده شدند یا هم توسط خود نظام با یک دسیسهٔ طراحی شده دستگیر می شدند و یا هم خانه نشین؛ از آن جمله، فرمانده نورالله نورخیل نیز خانه نشین شد. وی دیگر علاقه‌ای نداشت که در نظام فاسد غنی وظیفه انجام دهد. پس از این که نظام را در یک دسیسه به طالبان تسلیم نمودند، فرمانده نورخیل به پنجشیر رفت و در آن جا با کمال

میل به خاطر دفاع از خاک و ناموسش با اقتدار مسئولیت قرارگاه دشت ریوت را گرفت و به سنگر رفت و در کوه پایه های هندوکش تشنه و گرسنه مدتی در مقابل اجنبی ها جنگید و حق خود را در قبال ملت و مردمش ادا نمود.

فرمانده نورالله نورخیل در تاریخ ۲۴ سرطان سال ۱۴۰۱ در منطقه آریب شهرستان پریان پنجشیر با یک همسنگرش به نام گل آغا که همیشه همراهش هم بود، شب هنگام توسط طالبان به شهادت رسیدند و جام شهادت نوشیده و به آرزوی دیرینه شان رسیدند.



نام: شهید نورمحمد
تخلص: نعیمی
نام پدر: علی محمد
سال تولد: ۱۳۶۷
زادگاه: شهرستان دره، روستای عبدالله خیل
تاریخ شهادت: ۳ عقرب ۱۴۰۱
محل شهادت: زندان دشتک



نام: شهید واحد خان
تخلص: پنجشیری
نام پدر: جان محمد
سال تولد: ۱۳۷۵
زادگاه: بازارک روستای منجهور
تاریخ شهادت: ۱۵ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: پای مزار شتل

نام: شهید وحیدالله
تخلص: پنجشیری
نام پدر: ابوالمعجن
سال تولد: ۱۳۷۶
زادگاه: شهرستان شتل، روستای استفالو
تاریخ شهادت: ۳ حوت ۱۴۰۰
محل شهادت: مرغی، شهرستان شتل

نام: شهید وحید
تخلص: فرخاری
نام پدر: محمد عمر
سال تولد: ۱۳۶۷
زادگاه: چشمه شیر، ولایت تخار، شهرستان
فرخار
تاریخ شهادت: ۱۴ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: کوتل خاواک، شهرستان
پریان

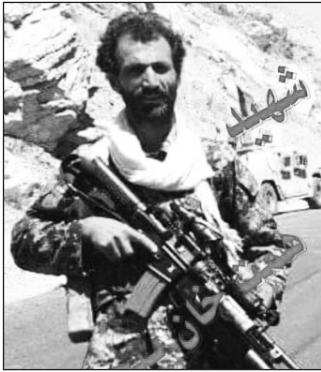


نام: شهید هدایت الله
تخلص: ظریفی
نام پدر: محمد علیم
تاریخ تولد: ۱۳۸۰
زادگاه: شهرستان پریان، روستای شالکچه
تاریخ شهادت: ۲۵ ثور ۱۴۰۱
محل شهادت: روستای شالکچه پریان



نام: شهید هاییل
تخلص: محمدی
نام پدر: فخرالدین
سال تولد: ۱۳۸۰
زادگاه: شهرستان دره، روستای عبدالله خیل
تاریخ شهادت: ۲۲ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: ملم خاک حصارک،
شهرستان رخه





نام: شهید همت خان مشهور به بابیه
تخلص: پنجشیری
نام پدر: امام الدین
سال تولد: ۱۳۶۵
زادگاه: شهرستان عنابه روستای آبدره
تاریخ شهادت: ۱۴ سنبله ۱۴۰۰
محل شهادت: دوآبی تل، شهرستان پریان



نام: شهید همایون
تخلص:
نام پدر: رحیم داد خان
سال تولد: ۱۳۶۳
زادگاه: روستای عبدالله خیل
تاریخ شهادت: ۲۲ سنبله ۱۴۰۱
محل شهادت: ملم خاک حصارک،
شهرستان رخه

